

این همه کار روی قرآن، روی حدیث، روی نهج البلاغه، روی نسخه های کهن، چیز فوق العاده ای است. ما واقعاً مجموعه ای که در داخل کشورمان این طور کارها را بکنند، نداشته ایم؛ در حالی که در مصر، در سوریه، در هند و شاید در بعضی از کشورهای دیگر، حتی در اردن، مجامعی برای همین گونه کارها هست؛ البته غیر از اروپایی ها که روی مقاصد دیگری - فرهنگی؛ یا فرهنگی و سیاسی - کارهایی می کردند. مجمع دروس اسلامی در سوریه، آن مجامع متعددی که در مصر هست، در آفریقا هست، در اردن هست، از لحاظ پتانسیل تحقیق و قوت ذهن و استعداد ذهنی و همچنین استعدادهای موجود کتابی و مکتوب، به قدر کشور ما نیستند... علمای ایران از لحاظ قوت فکری و استعدادهای علمی فهم اسلامی، از علمای همه بلاد، به صورت متوسط بالاترند.

از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و اعضای بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی (۱۳۶۶/۱/۶)

«چاه محمد» و نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری

ادامه از صفحه اول

دراهم برگشت، تلفن همراهم را روشن می کنم. بوق های پشت سر هم آن نشان می دهد که پیامک است که پشت پیامک می رسد. اولی را باز می کنم. یکی گفته است: «مگر دیوانه ام که کاندیدای ریاست جمهوری شوم!» ولی دیگری گفته است: «من آماده ام!»

بعدی هم انتقاد کرده است از رئیس جمهور و بعدی اشاره ای است به آن که فلان کس هم شاید کاندیدا شود. بعدی ها هم درباره چند موضوع مهم نظیر نامزدی احتمالی رئیس جمهور سابق و مانند آن است. همه شان درباره همین چیزهای مهم است! حوصله اش را ندارم. دارد تصویر چشمان معصوم «فهمه» را از ذهنم می زداید. بقیه پیامک ها را نمی خوانم تا دست کم دقایقی آسوده باشم.

تلفن زنگ می زند. دوستی قدیمی است که کار اداری دارد و در انتهای صحبتش می پرسد: «راستی! تو کاندیدا نمی شوی؟» فکر می کنم قصد شوخی دارد. می خندم و سربه سرش می گذارم ولی... یک ولی جدی است! این بار گریه ام می گیرد. یک ریاست جمهوری و این همه نامزد! نکند پزشک جوان دوست داشتنی آن روستا هم بخواد کاندیدا شود؛ البته اگر مردم از او خواهش کنند! آیامی تواند؟ نه؛ مجلس محدودیت هایی گذاشته که او از این خدمت محروم شده است. بقیه همراهان چطور؟ خیلی هایشان می توانند شاید هم منتظر باشند تا اگر مردم از آنها تمنا کردند، انجام وظیفه کنند؛ بالاخره هدف خدمت است؛ چه خدمتی بالاتر از ریاست جمهوری؟!

اما ما رفته بودیم تا لبخند بر لبان آن کودک روستایی بنشانیم و همین ما را بس. در آن جمع کسی به ریاست جمهوری نمی اندیشید. مردم از ما نمی خواستند کاندیدا شویم؛ می خواستند هر جا که هستیم خدمت کنیم. اصلاً کسی از همراهمان می دانست چقدر تا انتخابات مانده است؟ شش ماه، هفت ماه، هشت ماه؟ چقدر؟

یک ریاست جمهوری و این همه نامزد؛ تازه با این همه فاصله زمانی تا انتخابات!

راستی! «چاه محمد» کجا بود؟ چرا یادم رفت نام خانوادگی «فهمه» را از همراهم ببرسم؟ چرا نام آن پزشک جوان شیفته خدمت را فراموش کردم؟

* معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تجلیل از ۳۰ سال شعر انقلاب در جشنواره فجر

شعراي خود به جهانيان، با توجه به شرايط و توانايي موجود در کشور، از این روش بهره بگیریم.

مرتضی امیری اسفندقه، نیز گفت: با توجه به این که امسال در سی امین سال پیروزی انقلاب اسلامی قرار داریم، نقش امام (ره) به صورت جداگانه تقویت و پررنگ شود که این امر در ارتقای آثاری که برای حضرت امام (ره) سروده خواهند شد، قطعاً تأثیر می گذارد.

معرفی آثار در خور تقدیر فرزندان معظم شهدا در سومین جشنواره شعر فجر، از دیگر پیشنهادهای امیری اسفندقه بود. در ادامه، حسین اسرافیلی نیز پیشنهاد کرد تقدیر از ۲۲ نفر از برگزیدگان بدون در نظر گرفتن موضوع صورت گیرد.

همچنین جواد محقق پیشنهاد کرد بهتر است در جشنواره امسال، روال پیشین را دنبال کنیم و آثار شاعران پیشکسوت شهرستانی را که تا کنون اثرشان به چاپ نرسیده است به چاپ برسانیم.

علی شجاعی صائین، مدیرعامل خانه کتاب، دیگر عضو شورای سیاست گذاری نیز گفت: بخش بین الملل در دوره های پیشین چندان جدی نبوده است که باید در جشنواره سوم این حوزه نیز تقویت شود.

وی همچنین پیشنهاد کرد از دوره چهارم، به جای توجه به شاعر، به اثر توجه شود و به سوی انتخاب شعر برگزیده و شعر برجسته پیش روییم.

محمود سالاری، نیز که تجربه دبیری دوره پیشین این جشنواره را در کارنامه اجرایی خود دارد، با اشاره به این که ادبیات جهان بر اساس محتوا شکل گرفته است، گفت: برنامه ریزی و داوری بر اساس محتوا که طی دو سال گذشته تاکنون روند رو به رشدی طی کرده، نباید به دست فراموشی سپرده شود، بلکه باید با حفظ روند گذشته، زیرشاخه های موضوعات را گسترش دهیم.

موسی بیج، دبیر علمی این جشنواره نیز گفت: افزایش جوایز از ارزش اثر خواهد کاست. همچنین با تجلیل نمی توان شعر را به پیش برد و شاعر را شناساند؛ بلکه نیازمند اقداماتی اساسی تر در این حوزه ایم.

به گزارش ایبنا در پایان این مراسم علی معلم دامغانی دبیر جشنواره شعر فجر هم خاطر نشان کرد: طبقه بندی سه دهه شعر انقلاب اسلامی در انواع و اصناف مختلف، با توجه به ویژگی های اهل فن، می تواند پایه ای برای آیندگان و برگزاری دوره های بعد این جشنواره باشد.



به گفته اکرامی، جشنواره شعر فجر شامل سه بخش ادبیات آیینی، مقاومت و امام (ره)، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و نیز بخش های آزاد و اجتماعی است. همچنین افزایش تعداد جوایز به جای تعداد افراد، شایسته تر است.

پس از سخنان اکرامی پرویز بیگی حبیب آبادی با ارائه دو پیشنهاد، تجلیل از ۱۰ تا ۱۵۰ نفر از برگزیدگان این عرصه و ادامه پیدا کردن روال موضوعی دو سال گذشته را در این دوره خواستار شد.

سپس، محمدرضا عبدالملکیان، از دیگر اعضای شورای سیاست گذاری شعر فجر با اشاره به این که ایران شناسنامه هنر جهان است، درباره روند شناساندن آثار و شاعران کشور مالزی گفت: در این جشنواره که به صورت دو سالانه برگزار می شود، ۱۰۰ شاعر از اقصی نقاط جهان به این جشنواره دعوت می شوند و در گروه های چند نفره از مناطق مختلف این کشور بازدید می کنند.

وی افزود: همچنین آثار این شاعران به دو زبان مالی و انگلیسی ترجمه می شود و این روند در معرفی شاعران و آثار ادبی این کشور بسیار موثر واقع شده است.

عبدالملکیان با بیان این که ایران با داشتن سابقه کهن تاریخ و ادبی، مهد شعر محسوب می شود، پیشنهاد کرد: ما می توانیم برای شناساندن آثار و

سومین جلسه شورای سیاست گذاری جشنواره شعر فجر هفته گذشته با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. در این جلسه فاضل نظری به عنوان دبیر علمی این جشنواره منصوب و حکم دبیری اجرایی نیز به نام مصطفی امیدی مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت ارشاد صادر شد.

محمد حسین صفار هردی در این جلسه با اشاره به این که در این جشنواره از کسانی که طی ۳۰ سال گذشته در حوزه تولید و نشر شعر انقلاب فعالیت داشته اند، تقدیر خواهد شد گفت: شعله بیداری جهان در حوزه فرهنگ باید از سوی ایران برافروخته شود؛ چرا که ایران بانی این تحول در جهان اسلام بوده است و تغییراتی که اتفاق می افتد، باید به صورتی ارزشمند بازتاب داده شوند تا ایران را با آثار و شاعران ۵۰ سال گذشته نشاناسند.

وی افزود: لوح تقدیر، گواهی نامه و سندی است که برای ارزش نهادن به ۳۰ سال فعالیت در حوزه شعر فارسی اهدا می شود.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با گلایه از برخی شاعران جوان که در گفت و گو با رسانه ها اعلام کرده بودند قرار بوده آثار برگزیده در شمارگان بالا منتشر شوند و حق التالیف بالا به آن ها تعلق بگیرد، گفت: اصلاً چنین تصمیمی گرفته نشده است.

دکتر محسن پرویز با اعلام این که آثار برگزیده در ۳۰۰۰ نسخه و با پرداخت ۱۰ درصد حق التالیف به شاعران جوان به چاپ خواهند رسید، افزود: چاپ آثار شاعران جوان از سوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دلیل معرفی شاعران برگزیده به جامعه در کنار اهدای جوایز مالی بود.

در این جلسه همچنین دبیر اجرایی سومین جشنواره شعر فجر اعلام کرد: بر اساس تصمیماتی که پیش از این در شورای سیاست گذاری گرفته شده بود، مجموعه اشعار یک شاعر برگزیده از هر استان، با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می شود که از ۱۲۰ اثر، تاکنون ۲۴ اثر به چاپ رسیده اند و باقی آثار نیز از سوی موسسه نشر فصل پنجم چاپ و منتشر خواهند شد.

محمود اکرامی، دبیر پیشین این جشنواره نیز در سخنان کوتاهی گفت: در جلسات پیشین این جشنواره اعلام شد آثار جوان ترین شاعران هر استان با پرداخت حق التالیف و در شمارگان متعارف به چاپ می رسد.

نقد دهخدا با قلم دستغیب

به چند اثر ترجمه اش نیز اشاره کرد و گفت: به تازگی سه نمایشنامه از «آسترن برگ»، نمایشنامه نویسی معروف سوئدی را نیز به فارسی ترجمه کرده ام. مضمون یکی از این نمایشنامه ها که بیشتر خانوادگی اند، درباره یک خانواده ورشکسته است.

به گزارش ایبنا دستغیب همچنین گفت: این روزها کتاب «خوانش انتقادی زا که اثری از ژیل دولوز»، ریاضیدان معروف فرانسوی است نیز به فارسی برگردانده ام. این کتاب که به موضوعات پست مدرن می پردازد و مفاهیم پست مدرن را در فلسفه و ادبیات مطرح می کند، به زودی مراحل چاپ را در نشر نوید شیراز به اتمام می رساند و به احتمال زیاد در بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ارائه می شود.



جدید ترین کتاب عبدالعلی دستغیب با عنوان «نقد آثار دهخدا»، هم اکنون مرحله حروف چینی را پشت سر گذاشته و به احتمال زیاد در بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه خواهد شد.

این منتقد با اعلام این خبر گفت: این کتاب هم اکنون از سوی انتشارات «نوید شیراز» در حال چاپ است و فکر می کنم تا نمایشگاه کتاب سال آینده منتشر شود.

دستغیب در عین حال از تجدید چاپ آثار جمال زاده نیز خبر داد و اضافه کرد: در مراحل تجدید چاپ کتاب «نقد آثار جمال زاده» هم اکنون در حال انجام است و به زودی وارد بازار می شود.

خالق «برمی گردیم گل نسترن می چینیم» در ادامه

۲۴ آذرماه جاری صورت می گیرد

قدردانی از برگزیدگان

ششمین دوره کتاب فصل

همزمان با ایام ولادت حضرت امام هادی (ع)، مراسم تجلیل از برگزیدگان ششمین دوره کتاب فصل با حضور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و اهل قلم و اندیشه، یکشنبه ۲۴ آذرماه در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار می شود.

در این مراسم، از حدود ۳۰ برگزیده و شایسته تقدیر در ۹ حوزه فلسفه، کلیات، دین، علوم و فنون، علوم اجتماعی، هنر، کودک و نوجوان، تاریخ و جغرافیا و ادبیات قدردانی می شود. در مراسم تجلیل از برگزیدگان ششمین دوره کتاب فصل (ویژه فصل تابستان) که به همت موسسه خانه کتاب برگزار می شود، دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی شجاعی صائین، مدیرعامل خانه کتاب، مدیران و مشاوران معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمع بسیاری از اهالی قلم حضور خواهند داشت.

کتاب‌های خارجی چاپ جدید در نمایشگاه ۲۲

دبیر شورای سیاست‌گذاری بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ارائه چاپ جدید کتاب‌های خارجی در نمایشگاه بیست و دوم و مکانیسم‌ها برای اعلام فهرست منابع خارجی مورد نیاز جامعه علمی و دانشجویی کشور را از محورهای اصلی جلسه شورای سیاست‌گذاری عنوان کرد.

محمد الهیاری با بیان این که جلسات این شورا پس از پایان بیست و یکمین نمایشگاه کتاب تهران بلافاصله و به صورت مستمر برگزار شده است، گفت: بخش بین‌الملل بیست و دومین نمایشگاه کتاب تهران، مهم‌ترین موضوع مورد بحث جلسات شورا است، ضمن اینکه نمایندگان از گروه‌های شرکت‌کننده در نمایشگاه به عنوان اعضای غیر ثابت برای شرکت در جلسات شورا دعوت خواهند شد. وی تهیه گزارشی از سال انتشار کتاب‌های خارجی را - که در نمایشگاه بیست و یکم ارائه شده‌اند - مهم‌ترین محور جلسات اخیر شورا مطرح کرد و گفت: با توجه به این نکته که اقشار مختلف مردم از تهران و شهرستان‌ها و دانشگاه‌های کل کشور کتاب مورد نیاز خود را از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران خریداری می‌کنند، تنها کتاب‌های چاپ جدید مجاز به عرضه در نمایشگاه‌ها نیستند، همچنین کتاب‌هایی باید در بخش یارانه‌ای این نمایشگاه ارائه شوند که چاپ اول باشند. وی با بیان این که از اعضای انجمن فرهنگی ناشران بین‌المللی در جلسه آینده شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه دعوت خواهد شد، اعلام کرد: نمایندگان ناشران خارجی در بخش یارانه‌ای برای حضور در جلسه آتی شورا دعوت خواهند شد تا از نظرات کارشناسان شان در برنامه ریزی نمایشگاه



بیست و دوم استفاده شود.

ثبت نام ۸۲ ناشر خارجی

در بیست و دومین نمایشگاه

در عین حال به گفته مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، از مهرماه سال جاری تاکنون، ۲۲ ناشر عربی و ۶۰ ناشر لاتین در بخش فروش غیر یارانه‌ای، برای حضور در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اعلام آمادگی کرده‌اند. احسان الله حاجتی در این باره گفت: با انتشار فراخوان بین‌المللی برای ثبت نام در بیست و دومین نمایشگاه کتاب تهران در اواخر مهرماه، تاکنون ۸۲

ناشر خارجی برای حضور در این نمایشگاه بین‌المللی اعلام آمادگی کرده‌اند. بر این اساس، ۲۲ ناشر عربی و ۶۰ ناشر لاتین در بخش فروش غیر یارانه‌ای ثبت نام و در مجموع، یک هزار متر مربع، غرفه در خواست کرده‌اند. شایان ذکر است در میان داوطلبان، اسامی ناشرانی چون John Wiley, Routledge، دارالعلم العربی، دارالعلم الملائین، دارالزهراء، بیت الافکار، طریق المعرفه، دارالباق، دار الاحیاء التراث العربی، دارالفکر المعاصر، عالم الکتب، دارالمدار و دارالنهضة العربیه، به چشم می‌خورد.

برنامه‌های سرای اهل قلم

سرای اهل قلم در ادامه برنامه‌های خود، این هفته نیز میزبان علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی است. در اولین برنامه این هفته که از ساعت ۹ امروز - شنبه - آغاز می‌شود فتح‌الله بی‌نیاز و احسان عباسلو به آموزش نقد ادبی برای اهالی آموزش و پرورش منطقه ۱۷ تهران خواهند پرداخت. کارگاه ترجمه با حضور دکتر عباس پژمان دیگر برنامه این هفته سرای اهل قلم است که از ساعت ۱۷ امروز آغاز می‌شود. دکتر منصور ثروت و دکتر محمود عبادیان نیز امروز از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ نقد دانشجویی "سیرماتیسیم در ایران" خواهند پرداخت. فردا - یکشنبه - نیز فتح‌الله بی‌نیاز به بررسی "زمان نو و ادبیات معناپختگی" خواهد پرداخت. این نشست از ساعت ۱۶:۳۰ آغاز خواهد شد. نقد و بررسی مجموعه شعر "پاره خط" سروده سینا علی محمدی دیگر نشست این روز سرای اهل قلم است که از ساعت ۱۸ و با حضور فتح‌الله بی‌نیاز، ضیاءالدین ترابی، دکتر محمود اکرامی و دکتر مژگان عباسلو برگزار می‌شود. کارگاه ترجمه با حضور دکتر پژمان روز دوشنبه نیز از ساعت ۱۶:۳۰ برپا خواهد شد. نقد و بررسی داستان "سلام ستاره" نوشته الهه صالحی دیگر برنامه روز دوشنبه سرای اهل قلم است که در آن علی‌الله سلیمی، سارا عرفانی و حسن حبیب زاده سخنرانی خواهند کرد. این نشست از ساعت ۱۵:۳۰ آغاز می‌شود. نقد کتاب "قواعد ایمان: تبیین جنبه انسانی دین" هم روز چهارشنبه ساعت ۱۷ برگزار می‌شود. در این نشست دکتر حسن محدثی سخن خواهد گفت. پایان بخش برنامه‌های این هفته سرای اهل قلم نقد کتاب "تماشاخانه اساطیر" اثر نغمه ثمنی است که با حضور نویسنده و لاله خسروی از ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار می‌شود.

از سوی موسسه خانه کتاب صورت می‌گیرد

راه‌اندازی بانک اطلاعات مترجمان

مدیر سرای ترجمه مؤسسه خانه کتاب از راه‌اندازی بانک اطلاعات مترجمان و کتاب‌های ترجمه شده تا پایان سال جاری در شبکه اینترنت خبر داد. به گفته احسان عباسلو، تاکنون اطلاعات کتاب‌ها و مترجمان در بیش از ۲۰۰ صفحه جمع‌آوری شده است و در بانک اطلاعاتی که سرای عالی ترجمه تدارک دیده علاوه بر درج اطلاعاتی درباره مترجمان و سوابق کاری آن‌ها تلاش می‌شود کتاب‌های ترجمه شده نیز خود مترجمان شناسانده شود. عباسلو افزود: یکی از امتیازات بانک اطلاعات ترجمه در صورت راه‌اندازی آن در درازمدت می‌تواند جلوگیری از دوباره کاری‌ها در ترجمه متون باشد.

اعضای جدید هیأت مدیره صادرکنندگان صنعت چاپ

مجمع عمومی اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ، هفته گذشته با حضور جمعی از چاپخانه‌داران در سالن اجتماعات این اتحادیه برگزار شد.



اعضای اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ، پنج عضو جدید هیأت مدیره این اتحادیه را انتخاب کردند. رییس اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ و بسته‌بندی با اعلام این خبر افزود: در مجمع عمومی این اتحادیه، غلامرضا شجاع به عنوان عضو هیأت مدیره، و احمد محررخوانساری و مهدی خجسته صفا به عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب شدند.

تشکیل گروه مشاوران صنعت چاپ و بسته‌بندی
در عین حال به گفته رضایی گروه مشاوران صنعت چاپ و بسته‌بندی توسط اتحادیه صادرکنندگان و خدمات صنعت چاپ ایران تشکیل می‌شود.

به گفته وی با توجه به جوان بودن صنعت چاپ و بسته‌بندی و شتاب‌زدگی افراد سرمایه‌گذار متأسفانه در برخی رشته‌های این صنعت انباشتگی و رکود و در برخی دیگر از زمینه‌ها خلاهای وسیع و کمبودهای فراوان دیده می‌شود. رضایی افزود: این گروه و تشکیل جدید می‌تواند با اتکا به تجربه و اشراف دقیق در هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و گروندگان این صنعت، راهنمایی و مشاوره صحیح به علاقه‌مندان ارائه دهد.

رضا رضایی ادامه داد: همچنین حسین قنبرزاده در سمت بازرسی اصلی و مهدی صاحب‌الزمانی به عنوان بازرسی علی‌البدل از سوی شرکت کنندگان در مجمع برگزیده شدند. وی با بیان این که اعضای اصلی هیأت مدیره، یازده نفرند، گفت: پیش از این در انتخابات اردیبهشت ماه، اعضای اصلی انتخاب شده بودند و پنج عضو باقی‌مانده در آخرین مجمع انتخاب شدند.

مدیرکل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی خبر داد

تأسیس بخش ویژه انقلاب اسلامی در کتابخانه‌ها

شایان ذکر است بخش ویژه انقلاب اسلامی در مرحله اول در کتابخانه‌های مجلس، ملی، آستان قدس رضوی و کتابخانه‌های مرکزی استان‌ها راه‌اندازی خواهد شد و معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمادگی دارد که این طرح را در کتابخانه دانشگاه‌های دولتی و آزاد که از درجه اهمیت بیشتری برخوردارند (به شرط اعلام آمادگی و تمایل به تأسیس این بخش) به اجرا درآورد.

اهدای ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار جلد کتاب به آموزش و پرورش

مدیرکل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت ارشاد در عین حال از اختصاص ۵۰ میلیارد ریال اعتبار در قالب ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار جلد کتاب به مدارس سراسر کشور از سوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد.

امیدی در این باره گفت: معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی سال‌های گذشته، با وزارت آموزش و پرورش برای تجهیز کتابخانه‌های مدارس همکاری مستمری داشته که از آن جمله می‌توان به اختصاص ۵۰ میلیارد ریال اعتبار به این وزارتخانه در سال ۸۶ اشاره کرد. وی افزود: امسال نیز همزمان با هفته کتاب، تفاهم‌نامه‌ای میان وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به امضا رسید که بر اساس آن، اعتباری معادل مبلغ سال گذشته (۵۰ میلیارد ریال) برای خرید کتاب به وزارت آموزش و پرورش اختصاص یافت. امیدی درباره چگونگی تجهیز کتابخانه‌های مدارس کشور گفت: در سال‌های گذشته نمایندگان مدارس با مراجعه به انبار کتاب و با در نظر گرفتن نظرات کارشناسان آموزش و پرورش، به انتخاب کتاب‌های مورد نظر خود اقدام می‌کردند.

مدیرکل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی از راه‌اندازی بخش ویژه انقلاب اسلامی در کتابخانه‌های مهم سراسر کشور از جمله دانشگاه‌ها خبر داد و گفت: از ناشران حوزه‌های انقلاب، امام خمینی (ره) و ایران درخواست شده تا نسبت به ارسال آثار برای خرید و استفاده در این کتابخانه‌ها اقدام کنند.

مصطفی امیدی افزود: معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز آمادگی خود را برای خرید و اهدای کتاب‌هایی با موضوع‌های ایران، انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) اعلام کرده است. وی تصریح کرد: از ناشران کتاب‌های با موضوع انقلاب، امام خمینی (ره) و ایران درخواست شده است یک نسخه از آثار منتشر شده خود را به دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی ارسال کنند تا پس از بررسی کارشناسانه نسبت به خرید آثار برتر برای کتابخانه‌های مورد نظر اقدام شود. وی با بیان این که دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی مجری طرح راه‌اندازی بخش ویژه انقلاب اسلامی در کتابخانه‌های مهم کشور است، اعلام کرد: تاکنون ۶۰ عنوان کتاب در حوزه‌های مورد نظر به این دفتر رسیده است که نتایج خرید آن‌ها پس از بررسی کارشناسی اعلام خواهد شد.

به گفته امیدی راه‌اندازی بخش ویژه انقلاب اسلامی به پیشنهاد رسول جعفریان، رییس کتابخانه مجلس و روسای کتابخانه‌های مهم کشور انجام می‌شود. وی خاطر نشان کرد: انجام این پیشنهاد منوط به ایجاد فضایی مناسب و فراهم شدن تجهیزات و لوازم مورد نیاز کتابخانه‌ای در کتابخانه‌های مهم سراسر کشور است.

۳۰۰ ناشر در جشن کتاب گلستان



در معرض دید علاقه مندان قرار گرفته است و نزدیک به ۲۵۰ میلیون تومان بن کتاب با تخفیف ۲۰ درصد در اختیار بازدیدکنندگان قرار می‌گیرد. وی در پایان خاطر نشان ساخت: «نمایشگاه سال گذشته فروشی نزدیک به ۳۰۰ میلیون تومان داشت که امیدواریم این نمایشگاه با استقبال خوب و گسترده مردم استان مواجه شود و ما شاهد استمرار این حرکت سبز فرهنگی در استان باشیم».

با این تفاهمنامه ۵۰۰ آموزشگاه و ۱۰۰ کتابخانه در استان تجهیز خواهد شد. وی افزود: «در عین حال در ماه‌های گذشته معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قریب به ۱۰ هزار جلد کتاب در اختیار اهل سنت استان قرار داده است که اقدامی بی سابقه است».

به گفته منتظری نمایشگاه امسال با حضور ۳۰۰ ناشر از سراسر کشور در ۱۷۰ غرفه و با تخفیف ۲۰ درصد

صد و سی و ششمین نمایشگاه کتاب استانی و سومین نمایشگاه کتاب گرگان با حضور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استاندار گلستان، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان و جمع کثیری از علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی در مصلاهی این شهر افتتاح شد.

در ابتدای این مراسم معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن ابراز خرسندی از برگزاری نمایشگاه در گرگان گفت: حضرت امام (ره) با دید وسیع و نافذی که داشتند دو نکته را به ما تذکر دادند اول این که نگذارید پیشکسوتان خون و شهادت خانه نشین شوند و کنار گذاشته شوند و دومین رهنمود ایشان این بود که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامرحمان بیفتد. با این حال برخی ها مدعی پیروی از حضرت امام (ره) هستند و گاهی توجهی به اتفاقات پیرامون خود نمی‌کنند.

دکتر محسن پرویز افزود: «برگزاری نمایشگاه در دو دوره گذشته در شهر گرگان با استقبال خوبی مواجه شده است و امیدواریم که این نمایشگاه نیز با استقبال گسترده مردم این استان روبه‌رو شود».

دکتر منتظری مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان نیز در این مراسم گفت: «برگزاری نمایشگاه کتاب باعث دستیابی راحت‌تر علاقه مندان به کتاب می‌شود».

وی در ادامه به امضای تفاهمنامه‌ای بین استانداری و معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اشاره کرد و افزود:

فراخوان جایزه کتاب فصل

دبیرخانه جایزه کتاب فصل با انتشار فراخوانی از ناشران، مولفان، مترجمان و مصححان کشور خواست آثاری را که برای نخستین بار در پاییز امسال منتشر کرده‌اند برای داوری به این جایزه ارسال کنند.

در این فراخوان آمده است: دبیرخانه جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب‌های برتر و تشویق مولفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی هفتمین دوره جایزه کتاب فصل را برگزار می‌کند.

بر اساس این فراخوان اهالی فرهنگ و نشر تا پانزدهم دی ماه فرصت دارند تا آثار خود را به دبیرخانه جایزه ارسال کنند.

بر اهالی قلم می‌تواند آثار خود را به نشانی خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران مظفر و خیابان فلسطین جنوبی، شماره ۱۱۷۸، موسسه خانه کتاب، طبقه دوم ارسال کنند.

شایان ذکر است تلفن ۶۶۹۶۶۲۱۹ پاسخگوی سوالات اهل قلم درباره چگونگی برگزاری این دوره از جایزه کتاب فصل است.

تازه‌ترین شماره «کتاب‌های اسلامی»



شماره‌های ۳۰ و ۳۱ فصلنامه کتاب‌های اسلامی همراه با مجموعه احادیث شیعی و کتاب‌شناسی فهارس منتشر شد.

در بخش‌های از سخن سردبیر این فصلنامه که به

صاحب امتیازی موسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع و تهیه‌کنندگی پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی (پارسا) منتشر می‌شود آمده است: بدون تردید، هر نوع تحقیق و پژوهش خلاقانه و مبتکرانه بدون اطلاع از پیشینه آن، کاری فاقد ارزش و گناه اتلاف وقت و سرمایه است.

این سطر اشاره‌ای به نوع نگرش پژوهش محور این فصلنامه است که سال‌ها است در حوزه کتاب‌های اسلامی به فعالیت مشغول است. شایان ذکر است علاقمندان می‌توانند در نشانی WWW.I-B-Q.COM مطالب این فصلنامه را مطالعه کنند.

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در نامه‌ای به رئیس سازمان صدا و سیما خواستار شد

مشارکت رسانه ملی در گسترش مطالعه مفید

است، خواهان مساعدت هر چه بیشتر این وزارتخانه در تحقق اهداف توسعه‌ای کتابخانه‌های عمومی و نظارت بر پرداخت نیم درصد درآمد شهرداری‌ها به کتابخانه‌ها شد. واعظی در نامه خود به وزیر کشور، بر نقش تاثیرگذار و سازنده این وزارتخانه در توسعه کتابخانه‌های عمومی از طریق اخذ مطالبات کتابخانه‌های عمومی تاکید کرده است. بر اساس قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور مصوب هجدهم فروردین سال ۱۳۸۲، استانداران، ریاست انجمن کتابخانه‌های عمومی استان خود را برعهده دارند و از این طریق می‌توانند بر پرداخت نیم درصد درآمد کل شهرداری‌های کشور به حساب کتابخانه‌های عمومی که بخش قابل توجهی از بودجه نهاد کتابخانه‌ها را شامل می‌شود، نظارت کنند.



جذب نیم درصد درآمد شهرداری‌ها
در عین حال دبیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در نامه‌ای دیگر که مخاطب آن وزیر کشور

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، با ارسال نامه‌ای به رئیس سازمان صدا و سیما، مشارکت هر چه بیشتر رسانه ملی را در توسعه فرهنگ مطالعه مفید، خواستار شد.

دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در این نامه، با بیان این مطلب که یک هزار و ۸۰۰ کتابخانه عمومی تحت پوشش این نهاد عهده‌دار ترویج و توسعه مطالعه مفید در کشورند، فراهم آمدن شرایط و بستری مناسب را برای همکاری مشترک کتابخانه‌ها با رسانه ملی مفید ارزیابی کرد.

به گفته واعظی، دوره جدید فعالیت این نهاد، دوران نوآوری است. نوآوری در نهاد کتابخانه‌های عمومی نوآوری در هدف نیست بلکه ارتقای مطالعه مفید است.

اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران برگزار می‌کند:
دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت
صنعت نشر

در پایان دوره به شرکت‌کنندگان گواهینامه اعطا خواهد شد.

علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی بیشتر از شرایط و موضوعات دوره‌ها و ثبت نام در دوره‌ی جدید (دی ماه ۸۷) با شماره تلفن‌های ۷۷۵۳۷۷۲۲ - ۲۱ - ۷۷۶۳۷۰ تماس بگیرند.

تهران، خیابان انقلاب، پیچ شمیران، کوی شهید عباسی اصفهانی،
کوچه شریف، شماره ۵۹
تلفن: ۷۷۶۳۷۰۲۱ - ۷۷۵۳۷۷۲۲ - ۲۱ - ۷۷۵۱۲۵۹۹

قابل توجه ناشران کتاب‌های محرم و انقلاب اسلامی

فراخوان کتاب‌های چاپ اول
۱۳۸۰ - ۱۳۸۷

در موضوع محرم، عاشورا، انقلاب اسلامی
تاریخ دریافت نمونه آثار جهت بررسی و انتخاب لغایت آذرماه

حدافل موجودی از کتابهای برگزیده ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ جلد

آدرس: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه خیابان شهید نوری، شماره ۱۱
طبقه هفتمکد واحد ۱۱ تلفن ۶۶۶۶۶۵۸ - ۶۶۶۶۶۵۹ - ۶۶۶۶۶۶۰
موسسه فرهنگی قدر ولایت
با همکاری ستاد عاشورتنان فجر اولین

اصلاح آیین نامه چاپ



تجهیزات و منابع چاپی در شهر تهران متمرکز شده و ما شاهد توسعه نامتوازن این صنعت در کشور بوده و هستیم، در حالی که برخی از استان ها از نظر تکنولوژی دچار فقرند و تهران تمامی امکانات را در

در چهارمین نشست کارشناسان دفتر امور چاپ و سومین نشست تشکل های صنفی و کارشناسان چاپ و نشر کشور که با هدف تداوم وفاق و همدلی در میان مجموعه چاپ کشور برگزار شد، کارشناسان بر لزوم همکاری بخش خصوصی و دولتی در این حوزه تاکید کردند.

مدیرکل دفتر امور چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این مراسم گفت: «در سالیان گذشته، بین شاغلان بخش های خصوصی و دولتی در حوزه چاپ شکافی وجود داشت که برگزاری این نشست ها، یکی از راه های پرکردن این خلأ است. «جلال ذکایی» با بیان اینکه تلاش می کنیم مسایل و مشکلات صنعت چاپ را در فضایی آرام، منطقی و کارشناسانه تجزیه و تحلیل کنیم افزود: «با توجه به ضعف اطلاع رسانی و پراکنده بودن شبکه چاپ کشور، برای اینکه بسیاری از فعالیت ها و خدمات در طول سال به نحو مطلوب انجام شوند، باید از تفکر تهرانی دیدن و تهرانی تصمیم گرفتن فاصله بگیریم.»

وی در ادامه صحبت هایش در باره توسعه نامتوازن صنعت چاپ در کشور، تصریح کرد: «تمامی امکانات،

انتشار کتاب شناسی

دفاع مقدس در سال آینده

مراسم تقدیر از داوران دوازدهمین دوره جایزه کتاب سال دفاع مقدس هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد. حسین نصرالله زنجانی - مدیر ادبیات معاونت ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس - در این مراسم، با ارزیابی مثبت از روند داوری آثار در این دوره گفت: امسال از همه گروه های داوری خواستیم آثار بررسی شده در هر بخش را در مقاله ای تحلیلی مورد ارزیابی قرار دهند تا با کم و کیف و نقاط ضعف هر بخش آشنا شویم و ان شاء الله توجه به رویکرد تحلیلی آثار دفاع مقدس را در سال آینده نیز ادامه می دهیم و همچنین تصمیم بر انتشار کتاب شناسی آثار دفاع مقدس در سال آینده داریم.

افتتاح کتابخانه

مهدی آذریندی

کتابخانه مهدی آذریندی در محدوده آزادشهر یزد با هفت هزار جلد کتاب افتتاح شد. چهار هزار جلد از کتابهای این کتابخانه از مجموعه کتابهای مهدی آذریندی و بقیه کتابهای موجود نیز از سوی نهاد کتابخانه های عمومی تامین شده است. کتابخانه آذریندی دارای بخشهایی چون کتابهای مرجع، سالن پژوهش خواهران و برادران با ظرفیت ۴۰ نفر و سالنهای مطالعه آنها با ظرفیت ۱۶۰ نفری است.

کتابخانه آذریندی پیش از این در بلوار باهنر یزد به صورت استیجاری مشغول به فعالیت بود که پس از دو سال، ساختمان آن در آزاد شهر به پایان رسید و کتابخانه به این منطقه منتقل شده است. هدف از انتخاب منطقه آزاد شهر به عنوان محل دائمی این کتابخانه، جمعیت کثیر این منطقه همچنین نبودن کتابخانه در این منطقه است.

بخش ویژه انقلاب اسلامی در جایزه جهانی کتاب سال

به مناسبت سی سالگی انقلاب اسلامی تصویب شد

تأثیرگذار بودند، قدردانی کردند. جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی هر ساله در «دهه فجر» با حضور رئیس جمهور برگزار می شود. این جایزه ۱۶ سال پیش در کنار جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی راه اندازی شد تا به داوری آثاری بپردازد که در زمینه ایرانشناسی و اسلام شناسی در خارج از ایران منتشر می شوند.

آثاری که در ۳۰ سال اخیر در زمینه انقلاب اسلامی در خارج و داخل کشور منتشر شده اند، امسال در بخش ویژه جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران داوری می شوند. سال گذشته بخش ویژه این جایزه به مطالعات مربوط به مولانا و انسجام اسلامی اختصاص داشت. برگزارکنندگان این جایزه سال گذشته همچنین از چندین شخصیت داخلی و خارجی که در زمینه اتحاد ملی و انسجام اسلامی

قابل توجه
ناشرین محترم

تحویلی نو در عرصه چاپ کتاب
با خدمات چاپ و انتشارات کتاب شمس
انجام کلیه امور کتاب از مجوز و حروفچینی تا صحافی را بصورت کامپیوتری (بدون لیتوگرافی)
بالاترین کیفیت و کمترین قیمت
یکجا تجربه کنید

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۲۹۷۴۱
۰۹۱۲۲۱۵۹۰۷۲

راهنمای کتاب هفته

تلفن: ۲۲۲۵۵۲۴۶
فاکس: ۲۲۹۰۲۷۷۷

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخ تفسیر قرآن (جلد اول) علی اکبر بابایی ۵۹۰۰۰۰ ریال

نظریه حقوقی ناب ترجمه دکتر اسماعیل نعمت الهی ۲۳/۵۰۰ ریال

ارای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مسائل آن (ج ۱) فیض کاشانی محمد بهشتی ۵۰۰۰۰۰ ریال

ترتیب مقایسه اللغه کتاب لغت ۶ جلدی ابن فارس در یک ج ۱ مسگری و مسجدی ۱۵۰۰۰۰ ریال

مؤسسه امام صادق (علیه السلام) الموعز فی اصول الفقه تألیف حضرت آیت الله العظمی جعفر سبحانی قم - میدان شه آ - انتشارات توحید
تلفن: ۰۲۵۱۷۷۴۵۴۵۷
جمراه: ۰۹۱۲۱۵۱۹۲۷۱

تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۰۶۰۳۰
سایر: ۰۲۵۱-۲۹۰۹۳۱۰
www.rdhul.ac.ir

مجموعه کتابهای کاربردی

کلید

آموزش بیش از چهل نرم افزار کاربردی بصورت قدم به قدم، مصور و پروژه ای

انتشارات کلید آموزش
تلفن: ۶۶۹۵۲۰۷۲
www.Kelid.ir

Excel, PowerPoint, 3D MAX, آیفیش

مجموعه آثار استاد بزرگ الزمان سعید نور

«رسائل نور»
مجدد و بیدارگر بزرگ جهان اسلام

تاکنون پنج اثر از آثار استاد نورسی با زبان کردی به چاپ رسیده است.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۲۰۷۲

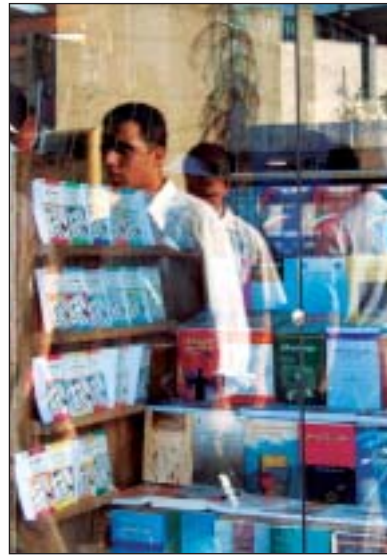
در گفت و گو با کتاب هفته عنوان شد

پیشنادهای ناشران برای تدوین آیین نامه صنفی

برای صنف نشر نباشد اما با توجه به تعداد قابل ملاحظه ناشران، کتابفروشان و لوازم التحریر فروشان گسترده کار آنها در تهران، نیاز به تشکیل اتحادیه های مستقل مملوس است. وی همچنین یادآور شد: در قانون امور صنفی موادی وجود دارد که بر مبنای آن اختلاط اصناف در اتحادیه ناشران و کتابفروشان غیر قانونی است؛ به خصوص که در حال حاضر از سوی ناشران نسبت به اختلاط اتحادیه شان با صنف کتابفروشان و لوازم التحریر فروشان حساسیت به وجود آمده است و با جدیت در پی تشکیل اتحادیه ای خاص خود هستند. او از مجموع مباحث خود این گونه نتیجه گیری می کند تشکیل دو اتحادیه مستقل برای ناشران و کتابفروشان هم قانونی است و هم عاقلانه. مدیر انتشارات پیام آزادی بر این باور است که از این استقلال، کتابفروشان نیز سود خواهند برد. چرا که کار مدیریت بر صنف کتابفروشان بر عهده خودشان گذاشته خواهد شد. محمدرضا علیان تاکید کرد که کار تاسیس اتحادیه های مستقل باید به گونه ای باشد که اگر پیش از این صنفی از حمایتی برخوردار بوده، همچنان مورد حمایت واقع شود و برای رسیدن به این مقصود بهتر است از همان ابتدای کار در طرح تاسیس تداپیری لحاظ شود تا بلافاصله پس از تشکیل آنها با مجموعه هایی کامل، هدفمند و منسجم و برخوردار از مدیریت توانمند روبه رو باشیم؛ نه آن که پس از تشکیل اتحادیه های مستقل به فکر تهیه آیین نامه و طرح و برنامه بیفتیم به همین منظور باید هر چه زودتر مقدمات کار تاسیس اتحادیه صنف نشر آغاز شود.

ادامه به وضعیت ناشران در دیگر نقاط دنیا اشاره می کند و توضیح می دهد: در همه جای دنیا ناشران هویت مستقلی دارند. چگونه می توان پذیرفت که تولید کنندگان کارت پستال با ناشران کتاب هویت صنفی و حرفه ای یکسانی دارند؟ وضعیت کنونی اتحادیه ناشران تهران این تلقی را ایجاد می کند که کار ناشران و تولید کنندگان کارت پستال از خصوصیات حرفه ای مشترک برخوردار است، که البته اشتباه است.

مدیر انتشارات پیام آزادی نیز تفاوت ماهوی کار ناشران و کتابفروشان را به تفاوت کارکرد و نوع فعالیت آنها مرتبط می داند و بحث خود را با تعریف وظیفه هر یک از این اصناف آغاز می کند. به باور محمدرضا علیان ناشران را می توان به عنوان یکی از ارکان تولید آثار مکتوب به شمار آورد. حال آن که کتابفروشان اساساً در حوزه ای غیر از تولید و در بخش عرضه کتاب فعالیت می کنند. یکی دیگر از دلایلی که به زعم علیان می تواند حجتی بر تاسیس اتحادیه مستقل ناشران باشد، نوع تسهیلاتی است که دو صنف کتابفروش و ناشر در جهت پیشبرد اهداف حرفه ای خود به آن نیاز دارند؛ چرا که نوع این تسهیلات کاملاً متفاوت است و مدیران دولتی نمی توانند تسهیلاتی از انواع متفاوت و مربوط به صنف های مختلف را به یک اتحادیه اختصاص دهند. علیان ضمن اشاره به خدشه دار شدن جایگاه ناشران در اتحادیه کتابفروشان و ناشران تهران تصریح کرد که شاید در برخی شهرستان ها به خاطر محدود بودن تعداد کتابفروش ها و ناشران احتیاج به تاسیس اتحادیه مستقل



صرف نظر از آمیختگی کتابفروش و صنف تولید کنندگان و فروشندگان کارت پستال این اتحادیه باید بیشتر به امور صنفی و خدمات رسانی به خادمان نشر توجه می کرد. عطایی می افزاید: ناشر می تواند و حق دارد که گرایش سیاسی داشته باشد و با توجه به گرایش خود آثاری را چاپ کند، اما چتر حمایتی اتحادیه باید صرف نظر از گرایش های ناشران بر سر همه فعالان حوزه نشر گسترده باشد؛ نه آن که اگر ناشری به لحاظ سیاسی با اتحادیه همسو نبود مورد بی مهری قرار گیرد و از حمایت ها برخوردار نشود. وی همچنین فعالیت تولید کنندگان و فروشندگان کارت پستال را فعالیتی متفاوت با نوع کار ناشران می داند و می گوید: بدیهی است که ناشران تأثیری عمیق بر متن و بطن فضای فرهنگی دارند و از این حیث کارشان شباهتی به تولید کنندگان و فروشندگان کارت پستال ندارد. تولید کنندگان کارت پستال بر حاشیه فضاهای فرهنگی تأثیر می گذارند و نمی توان از ماهیت متفاوت صنف ایشان با ناشران چشم پوشی کرد.

سیدمجتبی نبوی مدیر انتشارات کتاب یوسف نیز مانند دیگر همکاران خود بر پیشنهاد تشکیل اتحادیه مستقل ناشران تاکید دارد، هر چند او قضیه را از منظر کتابفروشان می نگرد. به زعم مدیر انتشارات کتاب یوسف، ناشران و کتابفروش گرچه هر دو با کتاب سروکار دارند اما در فرآیند کار خود سبب کاملاً متفاوتی را می بینند و تاسیس اتحادیه مستقل برای هر یک از دو صنف نه تنها در جهت منافع ناشران به نفع کتابفروش نیز هست؛ چرا که کتابفروش نیز می تواند نیازهای خاص خود را به صورت جداگانه و با قدرت بیشتری پیگیری کند. وی در عین حال نسبت به اهمیت کار کتابفروش در فرآیند کتابخوانی اشاره می کند و می گوید: نباید کاری کنیم کتابفروش احساس کند مورد بی توجهی قرار گرفته اند؛ بنابراین آنها هم باید اتحادیه مستقل خود را داشته باشند.

او تاسیس اتحادیه مستقل ناشران را در جهت تخصص گرایی ارزیابی می کند و بر این باور است که گرچه تاسیس تفکیک اتحادیه گامی در جهت تخصصی شدن حوزه نشر است، اما نباید در همین مرحله باقی بمانیم؛ بلکه فرآیند تاسیس اتحادیه مستقل باید به لحاظ فکری هم هدایت شود. نبوی تسلط گرایش های سنتی بر حوزه نشر را مهم ترین علت تأخیر در تشکیل اتحادیه مستقل ناشران می داند.

به گمان این فعال حوزه نشر، فعالیت های چنین اتحادیه ای باید کاملاً جدی و تأثیرگذار باشد و همه دست اندرکاران حوزه نشر را با خود همراه کند. وی در

نبود اتحادیه ای مستقل برای توجه و رسیدگی به دغدغه های صنف نشر و آمیختگی اتحادیه ناشران و کتابفروش و صنف تهران با اصنافی چون تولید کنندگان و فروشندگان کارت پستال، لوازم التحریر فروشان و کتابفروش، چندی است که به دغدغه اصلی ناشران کشور تبدیل شده است. طرح مستقل مطالبات صنفی، خروج از دیدگاه های سنتی و تمرکز برای ارتقای شاخص های حرفه ای صنعت نشر از مهم ترین محورهای است که طرح تاسیس اتحادیه ای مستقل و صنفی را از سوی ناشران کشور رقم زده است. در شماره گذشته کتاب هفته، شماری از فعالان نشر کشور همچون مدیران انتشارات اساطیر، گاج، مبتکران، بوستان کتاب و نماینده انتشارات تیمه در ایران، نظرات خود مبنی بر تاسیس اتحادیه مستقل ناشران را تشریح کردند. در این شماره نیز شماری دیگر از ناشران از پیش بینی وظایف و کارکردهای این اتحادیه طی فرآیند کارشناسی و تدوین آیین نامه آن سخن گفته اند.

جمشید مظاهری نیا با بیش از ۲۸ سال سابقه فعالیت حرفه ای در حوزه نشر، مدیر مسئول انتشارات علمی و فنی است که کتاب های دانشگاهی تولید و منتشر می کند. مظاهری نیا در گفت و گو با کتاب هفته ضمن اظهار تاسف از اتحادیه ناشران تهران با صنف تولید کنندگان و فروشندگان کارت پستال و پوستر می کند و این وضعیت را به منزله تحریب جایگاه صنفی ناشران دانست و گفت: وقتی ناشران اتحادیه مستقل ندارند، در واقع جایگاه و اعتبار اثر مکتوب مورد بی توجهی است. حال آن که دین و فرهنگ ما بارها و بارها بر اهمیت، گستره و عمق تأثیر کتاب صحه گذاشته است. مظاهری نیا در ادامه با اشاره به ضرورت تاسیس اتحادیه مستقل ناشران کشور به برخی از ویژگی های خاص حرفه نشر اشاره می کند و می گوید: ناشر باید به لحاظ کارشناسی بتواند آثار گوناگون را بررسی و درباره چاپ یا عدم چاپ آثار تصمیم گیری کند. حال آن که کتابفروشی که البته حرفه ای بسیار گرامی، قابل احترام و تأثیرگذار است به ویژگی ذکر شده نیازی ندارد. وی همچنین تأخیر در تشکیل اتحادیه مستقل صنف نشر را به زیان ناشران دانست و افزود: مادر زندگی روزمره مان عادت کرده ایم که با تعارف احترام یکدیگر را نگه داریم، حال آن که در تعارفات برخی از موضوعات مهم مطرح نمی شوند و به همین دلیل بسیاری افراد از جمله خودمان متضرر می شویم.

مظاهری نیا در انتها با تأکید بر این که ناشر و کتابفروش و موزع لازم و ملزوم یکدیگر و هر سه صنف بسیار محترمند، تصریح کرد: این حرفه ها به جهت تفاوت ماهوی شان، علی القاعده نمی توانند در یک اتحادیه جمع شوند. کما این که بسیاری از مطالبی که در حال حاضر در جلسات اتحادیه ناشران تهران مطرح می شود با دغدغه های ناشران به کلی متفاوت است.

مدیر انتشارات قدر ولایت، دیگر ناشری است که معتقد است در مورد طرح تاسیس اتحادیه مستقل ناشران باید کار پژوهشی و فکر کارشناسانه دقیقی صورت داد و ابعاد آن را سنجید اما قدر مسلم آن است که اتحادیه یک شکل صنفی است و قاعدتاً افرادی که صنف مستقل باید در آن عضویت داشته باشند. عطایی با انتقاد از اتحادیه ناشران و کتابفروش تهران گفت: گرچه اتحادیه تنها باید به امور صنفی مشغول باشد، اما متأسفانه اتحادیه ناشران و کتابفروش تهران عملاً یک طیف خاص فکری و سیاسی است که تنها از همفکران خود حمایت می کند. بنابراین نمی توانیم وارد جمع آنها شویم و از گرایش های سیاسی آنها پیروی کنیم. مدیر انتشارات قدر ولایت برنامه های کنونی اتحادیه ناشران و کتابفروش تهران را غیر صنفی می داند و معتقد است

کتاب دین و پژوهش های بتو

به منظور تجلیل از پژوهشگران، اندیشمندان و اهل قلم در حوزه دین و فرهنگ اسلامی از همه ی نویسندگان و محققان صاحب اثر، کتاب و یا پژوهش و نیز ناشران گرانقدر دعوت می شود با معاونت پژوهشی و آموزشی جشنواره کتاب دین و اسلام، در سومین جشنواره کتاب دین و اسلام، موضوعات کلی آثار:

- علوم قرآنی و حدیث
- فقه و مبانی حقوق اسلامی
- تاریخ و تمدن اسلامی
- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
- تاریخ علم و ادب اسلامی
- تاریخ علم و ادب اسلامی

سال انتشار: از بهمن ۱۳۸۵ تا بهمن ۱۳۸۷
مهلت ارسال آثار: ۲۰ اسفند ۱۳۸۷

www.pajohic.ir



مدیر کل کتابخانه های مساجد در گفت و گو با کتاب هفته خبر داد

دو هزار کتابخانه باز زیر نور گلدسته ها



افتتاح دو هزار کتابخانه باز در مساجد کشور همزمان با هفته کتاب، یکی از اخباری بود که پیش از آغاز این هفته فرهنگی، از سوی مدیر کل کتابخانه های مساجد کشور اعلام شد. پیش از آغاز هفته کتاب با سید ابوالفضل هاشمی، مدیر کل کتابخانه های مساجد کشور درباره افتتاح این کتابخانه ها گفت و گویی انجام دادیم که به دلیل حجم بالای مطالب و گزارش های برنامه های هفته کتاب در شماره قبل موفق به انتشار آن نشدیم. هاشمی معتقد است که وجود ۹۵ هزار مکان مذهبی در سراسر کشور، امکانات زیادی را برای توسعه فرهنگی در اختیار ما می گذارد و یکی از سویه های این توسعه، توجه به کتاب و کتابخوانی است. مسجد به عنوان مکانی مذهبی، قابلیت های بسیاری در جذب مردم به کتابخوانی و دیگر فعالیت های فرهنگی دارد، به همین دلیل توجه به کتابخوانی در مساجد، بی شک تأثیر قابل توجهی در توسعه آن دارد.

به گفته مدیر کل کتابخانه های مساجد کشور هم اکنون ۹۵ هزار مکان مذهبی در کشور وجود دارد که ۷۰ هزار آن مساجد هستند.

او می گوید: هم اکنون ۱۸۰۰ کتابخانه در مساجد کشور تحت پوشش اداره کل کتابخانه های مساجد هستند. اما با وجود ۹۵ هزار مکان مذهبی اعم از مساجد، حسینیه ها، زینبیه ها و حیدریه ها، می توان چشم انداز بسیار روشنی از توسعه فرهنگی مشاهده کرد البته این مسئله در گرو آن است که این امکان را با حفظ فضای مذهبی به عرصه فعالیت های فرهنگی و پژوهشی تبدیل کنیم. هاشمی ادامه می دهد: مسجد در نگاه مردم ما، یک مکان مذهبی صرف نیست. مردم ما به مساجد به عنوان خانه دوم خود نگاه می کنند و مسجد عملاً پایگاهی اجتماعی است. بنابراین سوق دادن مساجد به سوی فعالیت های فرهنگی و آموزشی، یکی از فعالیت های ثمربخش است.

او با تأکید بر پراکندگی مساجد در دهستان ها، روستاها، شهرهای کوچک و سایر نقاط کشور می گوید: با توجه به پراکندگی مساجد و حسینیه ها در دورافتاده ترین مناطق کشور، طرح کتابخانه های باز مساجد را تعریف کردیم و امیدواریم هر چه زودتر این طرح به نتیجه برسد.

مدیر کل کتابخانه های مساجد کشور درباره تفاوت نگاه مردم به کتابخانه های باز مساجد با دیگر انواع این کتابخانه ها می گوید: در حال حاضر در اماکن فرهنگی، اتوبوس ها و ایستگاه های مترو شاهد کتابخانه های باز هستیم اما متأسفانه مردم در نگهداری کتاب های این کتابخانه های باز، دقت چندانی ندارند اما با توجه به این که مساجد از لحاظ مذهبی برای مردم مقدس هستند، مردم در حفظ و نگهداری منابع کتابخانه های باز مساجد کوشش بیشتری خواهند داشت.

کتابخانه های باز در مساجد روستایی

موضوع دو هزار کتابخانه در مساجد کشور با اولویت مساجد روستایی طراحی شده است. هاشمی در این باره می گوید: این طرح، مساجد روستایی و دیگر مساجدی را پوشش می دهد که کتابخانه ندارند و اگر بتوانیم توسعه فرهنگی را به روستاها و مناطق دورافتاده بکشیم، موفق عمل کرده ایم. او از تخصیص دو قسه و ۳۰۰ عنوان کتاب به هر یک از دو هزار مسجد بدون کتابخانه خبر می دهد و می گوید: بیشتر کتاب های این کتابخانه ها صیغه مذهبی دارند که قرآن، نهج البلاغه، مفاتیح الجنان،

صحیفه سجاده و... از جمله آنهاست. هاشمی درباره دیگر کتاب ها نیز می گوید: کتاب های ادبی، دیوان شاعران بزرگ و کتاب های علمی از دیگر کتاب هایی هستند که برای این کتابخانه ها پیش بینی شده تا مردم بتوانند بعد از انجام عبادت، کتاب بخوانند. ضمن این که بسیاری از مردم کتاب های بلا استفاده ای دارند که اهدای آنها به کتابخانه های مساجد، بر حجم منابع می افزاید. به گفته او منابع این کتابخانه ها از طریق معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأمین می شود و هم اکنون ۶۰۰ هزار جلد کتاب برای تزیین به کتابخانه های باز آماده است. او در این باره می گوید: در سال های آتی به گونه ای برنامه ریزی خواهیم کرد که تعداد کتاب ها را افزایش دهیم تا کتاب های بیشتری وارد زندگی مردم شود.

تجهیز کتابخانه ها

اجرای طرح دو هزار کتابخانه باز در مساجد همزمان با هفته کتاب آغاز شده است. به گفته هاشمی بیشتر این کتابخانه ها در هفته کتاب تجهیز می شود. او در این باره می گوید: مطالعات لازم در استان ها انجام شده و امیدواریم تا پایان هفته کتاب بیشتر کتابخانه ها تجهیز شوند؛ اما اگر نتوانیم تمامی کارها را در این هفته به اتمام برسانیم، مناسب است که دهه

مساجد و کتابخانه های باز

حسن مرادنوری: مساجد از دیرباز به عنوان رکن فرهنگی - اجتماعی جوامع مسلمان عمل کرده اند. کشور ما نیز با سابقه دیرینه تمدن اسلامی، از این قاعده مستثنی نبوده است و خاستگاه بسیاری از رویدادها و انقلاب های مذهبی و اجتماعی را باید در مساجد جست.

چنین پیشینه ای مسلماً این ظرفیت را در مساجد ایجاد می کند که در راه توسعه فرهنگی کشور اثرگذار باشند از همین رو توجه به تأسیس کتابخانه ها در مساجد، ضرورتی غیر قابل انکار دارد.

هم اکنون در بسیاری از مساجد، کتابخانه های باز تأسیس شده است و اداره کل کتابخانه های مساجد هم تأسیس دو هزار کتابخانه باز با اولویت مناطق روستایی را در دستور کار خود دارد.

اما درباره چرایی وجود کتابخانه های باز - و نه نوع مخزن بسته - در مساجد باید گفت که کتابخانه های باز، امکان استفاده آسان از منابع را برای مراجعه کنندگان به وجود می آورند و مراجعه کنندگان چنین کتابخانه هایی می توانند بدون آداب و ترتیب خاص کتابخانه های مخزن بسته، به کتاب های مورد نظر خود دست یابند. از سوی دیگر با اختصاص فضایی خاص به کتابخانه در مساجد کشور، امکان برگزاری گردهمایی های فرهنگی و کلاس های آموزش نیز در مساجد فراهم می آید و همین امر سبب می شود که توجه جوانان به این فعالیت های فرهنگی جلب شود.

هم اکنون ۷۰ هزار مسجد در سراسر کشور وجود دارد و گستردگی مساجد در سطح کشور، این امکان را فراهم می آورد که این اماکن مذهبی بیش از پیش به کارکردهای اجتماعی خود نزدیک شوند. کتابخانه های باز مساجد به دلیل جذب مخاطبان از تمامی رده های سنی، راه را برای تبدیل مساجد به مکانی برای توسعه فرهنگی هموار می سازد. امید است که با همکاری تمامی نهادهای مرتبط، شاهد توسعه فرهنگی کشور باشیم و از این رهگذر به سوی توسعه هر چه بیشتر کتاب و کتابخوانی گام برداریم.

مستقل یا زیر نظر کانون های فرهنگی - هنری اداره می شوند و در ۱۸۰۰ کتابخانه، در حال حاضر شش هزار عضو ثابت و فعال وجود دارد. در این کتابخانه ها - بدون احتساب دو هزار کتابخانه ای که ان شاء الله تا پایان سال افتتاح می شود - هشت میلیون جلد کتاب وجود دارد و اگر تا پایان امسال دو هزار جلد کتاب دیگر نیز تزیین شود، با ۱۰ میلیون جلد کتاب، توانایی جذب بسیاری از جوانان را به مساجد خواهیم داشت. او در ادامه با اشاره به حمایت معاونت فرهنگی در خرید کتاب های کمک آموزشی می گوید: سال گذشته بیش از دو میلیارد تومان کتاب کمک آموزشی برای کتابخانه های مساجد تهیه شد و تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان به کتابخانه های مساجد جذب شدند که تقدیر اهالی مساجد را نیز در پی داشت. به گفته هاشمی هم اکنون ۸۳ درصد اعضای کتابخانه های مساجد را افراد زیر ۲۵ سال تشکیل می دهند. او می گوید: با توجه به جغرافیای جمعیتی، تلاش می کنیم در انتخاب کتاب ها به گونه ای عمل کنیم که امکان تغذیه فکری آنها فراهم شود. بنابراین کتاب های علمی، آموزشی، مرجع و به خصوص کودک و نوجوان در این کتابخانه ها جایگاه خاصی دارند. او البته از انجام فعالیت های ویژه برای تأسیس کتابخانه های کودکان در مساجد کشور نیز خبر می دهد.

برنامه های کانون های

فرهنگی - هنری مساجد

در هفته کتاب توسط کانون های فرهنگی - هنری مساجد برنامه هایی مانند برپایی نمایشگاه های کتاب، دیدار با ائمه جمعه، برگزاری جلسات انجمن کتابخانه های مساجد، برپایی جلسات نقد کتاب، خرید و ارسال نرم افزارها و لوازم کتابخانه ای اجرا شد.

هاشمی در این باره می گوید: قصد اداره کل کتابخانه های مساجد از این برنامه ها، علاوه بر کمک به توسعه کتابخانه های مساجد، اطلاع رسانی درباره فعالیت های کتابخانه ای به مردم و مسئولان بود به همین جهت از طریق سایت کتابخانه های مساجد به نشانی mosque.library.com و خبرگزاری شبستان، به انعکاس فعالیت های خود پرداختیم. ما تلاش می کنیم با ایجاد بسترهای مناسب و همچنین با حمایت مدیران کل ارشاد در استان ها و دبیران ستادی مساجد در سراسر کشور، فعالیت های خود را در دیگر ایام سال نیز گسترش دهیم.

اطلاع رسانی کتابخانه های مساجد

هاشمی می افزاید: مساجد همواره خاستگاه اصلی فعالیت های جامعه اسلامی بودند و در بطن توجه مردم قرار داشتند. از همین روست که ما تلاش می کنیم تا فرهنگ و آموزش را به مساجد بکشانیم و در این راه از استادان کتابداری برای نشان دادن راهکارهای بهتر دعوت به همکاری کرده ایم.

وی با تأکید بر نقش رسانه ها در معرفی کتابخانه های مساجد به مردم، از تأسیس شبکه اطلاع رسانی سراسری کتابخانه های مساجد خبر می دهد و می گوید: اگر تمامی برنامه های مورد نظرمان پیاده شود، قصد داریم در پنج سال آینده شبکه اطلاع رسانی کتابخانه های مساجد را در سراسر کشور طراحی کنیم تا امانت بین کتابخانه ای شکل بگیرد و اعضای هر کتابخانه بتوانند در سراسر کشور کتاب امانت بگیرند یا کتاب های به امانت گرفته شده را در مساجد هر نقطه کشور تحویل دهند. البته رسیدن به این جایگاه یک ایده آل است اما امیدواریم به آن دست یابیم.



بنفشه محمودی

رسانه ملی، با طیف گسترده مخاطبان خود، ظرفیت زیادی در اختیار دارد که با توسل به آنها می‌تواند در ترغیب مردم به کتابخوانی موثر واقع شود. یکی از این ظرفیت‌ها، برنامه «کتاب چهار» است که روزهای دوشنبه از شبکه چهارم سیما پخش می‌شود. محمود فاتحی تهیه‌کننده این برنامه درباره خود برنامه از «کتاب چهار» و امکانات رسانه ملی در پرداختن به کتاب و کتابخوانی می‌گوید. او معتقد است رسانه ملی به خاطر طیف وسیع مخاطبانش، می‌تواند در جلب توجه مردم به مقوله کتابخوانی، موثر واقع شود. فاتحی که متولد ۱۳۴۸ و کارشناس رشته نقاشی است، سابقه ۱۸ سال همکاری با رادیو و تلویزیون را در کارنامه دارد. او پیش از این تهیه‌کنندگی مجموعه «نگارستان» را بر عهده داشته و حدود یک سال و نیم است که تهیه‌کننده برنامه کتاب چهار است.

با محمود فاتحی، تهیه‌کننده برنامه «کتاب چهار»

نور، صدا، دوربین، کتاب

بله و اگر به این زیرساخت‌ها توجه شود، رسانه می‌تواند در نشان دادن راه به مخاطب کمک کند. اما صرف اینکه اشاره مستقیم شود یا برای این کار سمینار برگزار شود، کاری انجام نمی‌شود. باید در این زمینه فرهنگ‌سازی صورت بگیرد.

فکر می‌کنید در حال حاضر وضعیت پرداختن به کتاب در رسانه ملی، قابل قبول است؟

بد نیست اما هنوز هم کم است. در سال قبل موجی راه افتاده بود و همه شبکه‌ها در میان برنامه‌های خود به معرفی کتاب می‌پرداختند؛ اما مدتی است که این اتفاق نمی‌افتد. احساس شخصی من این است که چنین برنامه‌هایی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و مخاطب اندکی دارد. حتی در محیط‌های خانوادگی اگر برنامه‌هایی با این سبک و سیاق درباره کتاب از شبکه‌ای پخش شود، همه می‌گویند بزنید یک کانال دیگر! زمان بندی مجموعه‌های تلویزیونی هم به گونه‌ای است که مردم پشت سر هم باید کانال عوض کنند تا به سریال‌ها برسند.

در عین حال همین مجموعه‌های تلویزیونی ظرفیت خوبی برای اشاره غیر مستقیم به کتاب است. اما باید شیوه‌های جذابی برای این کار پیدا کنند. کار شعارگونه در این باره درست نیست. چون گاهی کاملاً مشخص است که دستورالعملی درباره پرداختن به کتاب وجود داشته است.

مثلاً می‌توان در پلان ساده‌ای، هنرپیشه نقش اولی را نشان داد که در خانه‌اش کتاب می‌خواند. تکرار این صحنه‌ها موثر است. در حال حاضر مجموعه‌های تلویزیونی خیلی رایج است و در همه منازل مخاطب دارد. احتیاجی هم نیست که حرفی درباره کتاب زده شود و فقط دیدن یک پلان در هر قسمت کافی است.

یک مجموعه تلویزیونی موفق باید رئالیستی باشد. اینکه مجموعه‌های طنز مورد توجه واقع می‌شود، به خاطر این است که مردم احساس می‌کنند شخصیت‌های آنها از جنس خودشان هستند. حالا اگر در چنین مجموعه‌هایی کتاب در زندگی مردم عادی دیده شود، قطعاً اثر مثبت و ماندگار خواهد داشت.

ما هم در برنامه کتاب چهار دقیقاً همین کار را می‌کنیم. البته در معرفی اجمالی کتاب‌ها به این شکل عمل می‌کنیم. اما اگر با پدیدآورنده صحبت کنیم، قطعاً به تمام زوایا می‌پردازیم.

به نظر شما تلویزیون چه قابلیت‌هایی برای کمک به توسعه کتابخوانی دارد؟

قابلیت‌های زیادی دارد چون به هر حال طیف وسیعی از مخاطبان را پوشش می‌دهد. اما توسعه کتابخوانی فقط این نیست که در رسانه‌ها به طور مستقیم به مردم گفته شود که کتاب رسانه باید به کمک بیاید. فکر نمی‌کنم صرف این که رادیو یا

تلویزیون مردم را به کتابخوانی تشویق کند، دردی را دوا کند. ما باید زیرساخت‌ها را هم درست کنیم. اگر این اتفاق بیفتد، آن وقت تلویزیون می‌تواند موثر باشد. البته معرفی و توصیه غیرمستقیم هم می‌تواند موثر باشد. مثلاً مجموعه کتابفروشی

هدهد از طرف خانواده‌ها مورد استقبال قرار گرفت و با وجود اشارات غیر مستقیمی که به کتابخوانی داشت، توانست بر مخاطبان اثر بگذارد. چون تشویق به کتابخوانی در لایه‌های زیرین آن درونی شده بود. بنابراین به نظر من چنین کارهایی، برد بیشتری دارد اما برنامه کتاب چهار یک برنامه تخصصی برای افراد کتابخوان است. ما در این برنامه هیچ وقت به مردم توصیه نمی‌کنیم کتاب بخوانند چون کسانی که این برنامه را می‌بینند، خودشان اهل مطالعه هستند.

تلویزیون می‌تواند به طور غیرمستقیم در لایه‌های ذهنی کودکان نفوذ کند. اگر فکری در ذهن بچه‌ها شکل بگیرد، فکر می‌کنم در آینده از آن استفاده کنند. نقش رسانه به نظرم الان بیشتر اطلاع‌رسانی است و اطلاع‌رسانی به وسیله همه رسانه‌ها می‌تواند جواب بدهد.

اما در توسعه کتابخوانی زیرساخت‌های دیگری باید وجود داشته باشد...

گفتن دارند. بنابراین با توجه به کمبود وقت، ترجیح ما این است که مصاحبه شونده بیشتر صحبت کند. اساس کار ما معرفی کتاب است و از پدیدآورنده می‌خواهیم در مدت زمان محدودی که در اختیار داریم، مطالب مهم مرتبط با کتاب را بگویند.

از سوی دیگر کتاب چهار شبیه یک مجله است و نمی‌شود گفت وگوهای گسترده و طولانی انجام داد. چون ضرباهنگ برنامه را کند می‌کند و مخاطب از دنبال کردن آن خسته می‌شود. بنابراین فکر می‌کنم معرفی کتاب از زبان پدیدآورنده مخاطب بیشتری داشته باشد. مگر در موارد خاصی که به

دلیل جذابیت موضوع، ۲۰ دقیقه از یک برنامه را به گفت وگو با آنها اختصاص دادیم.

در انتخاب کتاب‌ها برای هر قسمت ربط منطقی یا موضوعی وجود دارد؟

سعی ما بر این است که این ربط منطقی وجود داشته باشد. مثلاً اگر در

برنامه‌ای گزارش جلسه نقد و بررسی یک مجموعه درباره علم را داشته باشیم، چند کتاب مرتبط با آن را در جدول برنامه‌ها می‌چینیم تا ربط موضوعی ایجاد شود. ربط موضوعی در گوشه‌ای از ذهنمان هست و دوست داریم اتفاق بیفتد اما الزماً این طور نیست.

به عنوان کسی که در رسانه ملی در حوزه کتاب فعالیت می‌کنید، فکر می‌کنید معرفی کتاب در تلویزیون، باید چه تفاوت‌هایی با رسانه‌های مکتوب داشته باشد؟

به هر حال در تلویزیون امکاناتی در اختیار داریم که رسانه‌های مکتوب شاید به آن شکل نداشته باشند. ما می‌توانیم تصویر کتاب را نشان بدهیم. وقتی برای خرید کتاب به روبره روی دانشگاه می‌روید، وقت ندارید کتاب را بخوانید و بعد آن را بخرید. بنابراین آن را تورق می‌کنید و شناسنامه و فهرست مطالبش را می‌خوانید. احیاناً یکی دو پاراگراف آن را هم می‌خوانید تا با نثرش آشنا شوید.

کتاب چهار تا چه حد بر تازه بودن کتاب‌هایی که معرفی می‌شوند یا با پدیدآورندگان گفت وگو می‌شود تأکید دارد؟

در این برنامه در حد امکان سعی شده که کتاب‌ها تازه باشند البته باید مراحل اداری طی شود به گونه‌ای که کارشناسان باید کتاب را بخوانند و درباره آن مطلب بنویسند. بالحاظ کردن این مراحل، حدود یک تا یک ماه و نیم با بازار کتاب فاصله داریم چون برنامه کتاب چهار، یک مجموعه کار درباره کتاب است و فقط به معرفی صرف نمی‌پردازد. به جز معرفی اجمالی کتاب، به عوامل انتشار آن اعم از ناشر، نویسنده و مترجم هم پرداخته می‌شود که هماهنگی با آنها کار دشواری است. روند فیلمبرداری و مونتاژ هم زمان بر است. قرار نیست کتاب چهار، یک برنامه سردستی باشد و قصد داریم کمی عمیق‌تر به کتاب بپردازیم که به هر حال زمان می‌برد.

برنامه کتاب چهار تا چه حد بر انعکاس اخبار و گزارش‌های مرتبط با کتاب تأکید می‌کند؟

در هر برنامه حداقل گزارش یک نشست نقد و بررسی کتاب (اعم از نشست‌های سرای اهل قلم خانه کتاب یا شهر کتاب مرکزی) را به صورت کوتاه داریم و در مناسبت‌هایی مثل نمایشگاه کتاب هم ویژه‌برنامه‌هایی تهیه می‌کنیم.

آیا بخش گفت وگو با نویسنده و مترجم، بخش ثابت برنامه است؟

بستگی به زمان دارد. ما هر هفته نیم ساعت برنامه داریم و سعی می‌کنیم در این زمان، حتماً گفت وگو با نویسنده، مترجم یا ناشر را داشته باشیم. در بخش گفت وگو با نویسنده، محور کار، فقط معرفی کتاب از زبان مصاحبه‌شونده است یا گاهی درباره آن بحث هم درمی‌گیریم؟

قبلاً مجری با نویسنده یا مترجم مصاحبه می‌کرد اما بنا به دلایلی تصمیم بر آن شد که نویسنده یا مترجم به طور مستقیم و بی‌واسطه با مخاطب گفت وگو کند. از طرف دیگر زمان برنامه ما بیش از ۳۲ دقیقه در هفته نیست و مجبوریم گفت وگو را در ۱۰ دقیقه پخش کنیم و اگر قرار باشد درباره کتاب بحث شود، پرسشگر و مصاحبه‌شونده حرف‌های زیادی برای

به فردی می‌گویند که نوشتن را حرفه اصلی خود قرار داده است، باید تجربیات خود در نوشتن را به افرادی که عاشق نوشتن هستند، منتقل کند چرا که در زنگ انشا دانش آموز می‌تواند به نویسندگی فکر کند اما عملاً این اتفاق نمی‌افتد و بچه‌ها به زنگ انشا با توجه به شکل ساختاری و نحوه برگزاری‌اش، به عنوان ساعت تفریح نگاه می‌کنند و این زنگ اصلاً جدی گرفته نمی‌شود در صورتی که با استفاده بهینه از این کلاس می‌توان فرد علاقه‌مند به نویسندگی را به یک نویسنده بزرگ تبدیل کرد. تبدیل شدن زنگ انشا به زنگ نویسندگی مسیری را در اختیار دانش آموز می‌گذارد که او را با سرعت بیشتری به هدفش می‌رساند. در این کلاس به راحتی می‌توان به پرسش‌های درونی علاقه‌مندان به نویسندگی پاسخ داد و آنها را آوا داشت که به کاوش درونی بپردازند. زنگ انشا و زنگ داستان، زنگ تفریح نیستند.

این نویسنده می‌گوید: «باید نویسندگان را در زنگ‌های انشا دخیل کنیم تا چگونه نوشتن را به دانش‌آموزان آموزش دهند.»

البته این پایان ماجرا نیست چرا که پیش‌بینی می‌شود شاید نویسنده‌ها از این طرح استقبال نکرده و همراهی نکنند در نتیجه باید بررسی کرد که

این طرح پیشنهادی، منهای محاسنی که دارد، با معایبی نیز مواجه است و این معایب، نکته‌ای نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت. مصطفی رحماندوست، نویسنده حوزه کودک و نوجوان درباره این طرح معتقد است اگر اجرای این طرح مثل بسیاری از طرح‌های دیگر باشد که قبل از وقوع فراموش می‌شوند، بی‌فایده است.

او می‌افزاید: اگر قرار است این طرح به اجرا دربیاید باید مستمر باشد نه این که پس از برگزاری چند جلسه مسئولان آن را رها کنند. اصول نویسندگی و آموزش آن، هدف بسیاری از منتقدان این طرح است که برای عملی شدن آن تلاش می‌کنند اما این که نویسنده‌ها به این کار همت بگذارند و از طرفی مسئولان آموزش و پرورش، پذیرای آنان باشند بسیار اهمیت دارد.

محسن هجری از فعالان عرصه داستان‌نویسی در این خصوص می‌گوید: اگر آموزش و پرورش بپذیرد که درهای مدارس به روی نویسنده‌ها باز شود تا آنها بتوانند به بیان تجربیات نوشتاری خود پرداخته و آنها را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند، حرکت فوق‌العاده‌ای در انتقال مستقیم تجربه نویسندگی انجام شده است و با توجه به این که نویسنده

کارشناسان از طرح آشناسازی دانش‌آموزان با ادبیات معاصر می‌گویند

زنگ انشا؛ کلاس نویسندگی

مریم یغموری: به عقیده بسیاری از کارشناسان اگر نویسنده‌ها در مدارس حاضر شوند و پا به پای دانش‌آموزان داستان بگویند و آنها را با عناصر مختلف داستان‌نویسی آشنا کنند قطعاً آینده روشنی برای برخی از این دانش‌آموزان در پیش خواهد بود. در این صورت شاید بتوان از کلیشه‌های همیشگی گریخت و دل به تازه‌ها سپرد و دیگر به جای «می‌خواهید چکاره شوید؟» و «بهار را توصیف کنید» و چند موضوع سنجاق شده به دیوار کلاس‌های انشا، داستان نوشت، داستان خواند و داستان نقد کرد. با این همه این حرف‌ها همچنان در حد یک طرح باقی مانده و موافقان و مخالفان در حال بررسی آن هستند. این در حالی است که برخی از کشورها سالیان سال است که به این تعامل میان دانش‌آموزان و نویسندگان رسیده‌اند.



همایش جایگاه کتاب و نشر در میان هموطنان ارمنی، آشوری، زرتشتی و کلیمی طی سه دهه انقلاب اسلامی، ۲۸ آبان و در هشتمین روز از هفته کتاب با حضور دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمعی از مسئولان و اهالی قلم اقلیت های دینی در سرای دائمی اهل قلم برگزار شد. در این همایش که از سوی اداره کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی برگزار شده بود، علاوه بر سخنرانی روسا و نمایندگان انجمن های اقلیت های دینی از مولفان و مترجمان برگزیده این اقلیت ها قدردانی شد. آنچه در پی می آید، سخنرانی فرهاد افرامیان، رئیس انجمن کلیمیان درباره نزدیک به یک قرن فعالیت نشر هموطنان کلیمی در کشورمان است.

سخنان رئیس انجمن کلیمیان ایران در همایش جایگاه کتاب و نشر در میان اقلیت های دینی

یک قرن فرهنگ مکتوب کلیمیان ایران

مانند خبرنامه های انجمن کلیمیان شهرهای مختلف شروع به انتشار کردند. این نشریات بیشتر رویکردی درون گروهی داشت و به بیان و تحلیل مشکلات داخلی جامعه کلیمی و نظرات گروه های مختلف درون این جامعه در رابطه با راه حل مسائل می پرداختند.

در این مقطع مهاجرت از یک سو و مسائل مختلف پیش آمده از جمله جنگ تحمیلی باعث مشکلات عدیده ای در این عرصه شد، ولی در این مقطع تداوم انتشار نشریات و همچنین چاپ کتب متعدد دینی را این بار با رویکردی متفاوت شاهد هستیم. کتب دینی به وسیله انجمن کلیمیان در این دوره به چاپ رسید و همچنین کتب بینش و فرهنگ یهود در کنار دیگر کتب اختصاصی مدرسه جامعه کلیمی منتشر شد.

پس از مدتی انتشار نشریه تموز متوقف شد و پس از فاصله ای نزدیک به یک دهه نشریه ای به نام آفتاب بینا که این بار ارگان رسمی انجمن کلیمیان تهران بود منتشر شد. در واقع این نشریه ورود به مرحله جدید بود.

افق بینا با رویکردی متفاوت در قالب نشریه ای خبری، اجتماعی و فرهنگی به بیان مسائل جامعه ایرانیان یهودی و یهودیان جهان پرداخت.

در این فاصله بار اصلی نشریات جامعه کلیمی را خبرنامه ها و بولتن های داخلی سازمان های تحت پوشش انجمن کلیمیان برعهده داشتند.

نشریه آفتاب بینا از دو سال پیش رویکردی تحلیلی در رابطه با مسائل ایرانیان یهودی در پیش گرفته است و هم اکنون این نشریه تنها نشریه ای است که مسائل یهودیان ایران در جهان را محور اصلی خود قرار داده است. ایرانیان یهودی با وجود این که از نظر تعداد، اقلیت کوچکی هستند، اما پس از انقلاب حضور قابل قبول و نسبتاً فعالی در عرصه نشر داشتند. اگر چه پاره ای از اوقات به علت مشکلات اقتصادی و نبود ژورنالیسم حرفه ای در بین این جامعه، فعالیت روزنامه نگاری با رکود مواجه شده، اما حتی در آن زمان نیز ایرانیان یهودی در زمینه های علمی و تخصصی در حوزه نشر و تالیف کاملاً فعال بوده اند که از این میان می توان به تالیفات دکتر عربزاده در زمینه ریاضیات اشاره کرد.



یهودی با انقلاب و آشنایی بدنه اکثریت جامعه با مواضع موافق ایرانیان یهودی در راه انقلاب داشت. اکنون که پس از ۳۰ سال شرایط زمانه افشای نام پیشروان این قافله را ممکن ساخت، می توان از کسانی که به ویژه بعد از شهریور ۵۷ در امر این انتشار مخفیانه دخالت داشتند سپاسگزاری کرد و در این میان بیشترین قدردانی ها باید نثار روح مرحوم مهندس دانش راد شود.

با گسترش امواج انقلاب مردم ایران و شرکت فعال ایرانیان یهودی در جریان انقلاب، زمینه سازی برای نشر اعلامیه های پشتیبانی و همراهی جامعه کلیمی با انقلاب در سراسر ایران فراهم شد. در اینجا می توان به انتشار نشریاتی در شیراز و اصفهان در شهریور و آذر ۵۷ اشاره کرد.

این دوران تاپیروزی انقلاب اسلامی دوران رکود نشر جامعه ایرانیان یهودی است، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی این حرکت ها و نشریات پراکنده در قالب نشریه 'جامعه تموز' که ارگان رسمی نخبگان یهودی بود، تجلی یافت. این نشریه فعالیت ها و مسائل خاص جامعه ایرانیان یهودی را محور خود قرار داده بود و علاوه بر درج اخبار جامعه کلیمیان به موضع گیری های ضد صهیونیستی می پرداخت. همزمان با آن بولتن های داخلی موسسات کلیمی

مجوز نشر کتاب داشت و بعدها به عنوان مجله به چاپ رسید اشاره کرد.

در این دوران چاپ کتب به خط فارسی نمایانگر است. چاپ کتب اشعار یهودی و چاپ کتاب های فرهنگ دینی یهود شاکله نشر در این مقطع را تشکیل می دهد. در این دوران اعضای این جامعه فعالیت های کتابفروشی و انتشاراتی را شروع می کنند که از آن می توان به کتابفروشی بروخیم یاد کرد. همچنین به وجود آمدن چند مطبعه یهودی نیز از دستاوردهای این دوران است.

مرحله سوم: ۱۳۳۱ تا ۱۳۵۷

در این سال ها فضایی جهت جذب جوانان یهودی با مدارج علمی بالا که از دانشکده ها و آموزشگاه ها فارغ التحصیل شده بودند، در فعالیت های سیاسی و اجتماعی ایجاد شد.

در این مقطع جز دو نشریه داخلی به نام های گزارش و نشریه صندوق ملی که به مسائل داخلی جامعه ایرانیان یهودی می پرداختند، نشریه یهودی برای خوانندگان یهودی و به دست روزنامه نگاران یهودی عموماً نداشت. در عوض روزنامه نگاران یهودی به شمار نسبتاً بالا در نشریات و مطبوعات پرتیراژ کشور مسئولیت های جدی و کار حرفه ای بر عهده می گیرند.

در این دوران یهودیان به نگارش و نشر کتب تخصصی در زمینه های علمی، فنی، تاریخی و طب پرداختند. دورانی که در بستر خود فرهنگ نامه های سلیمان حیم و تاریخ یهود حبیب لوی و کتاب های حقوقی موسی عمید، کتب طبی همچون نوشته های ابراهیم بارل و کتب فنی، مهندسی ایرج طبیب نیا را به همراه دارد.

انقلاب اسلامی، آغاز مرحله جدید

در حین مبارزات مردم ایران گروهی از اندیشمندان یهودی با توجه به همراهی جدایی ناپذیر ایرانیان یهودی باقیه مردم ایران و با اعتماد به این که سرنگونی رژیم استبدادی باعث بهروزی تمام اقشار ایران از جمله ایرانیان یهودی خواهد شد، اقدام به نشر مخفیانه شب نامه هایی در ارتباط با اهداف انقلاب و مواضع مثبت جامعه ایرانیان یهودی نسبت به انقلاب اسلامی کردند که نقش مثبتی در همراهی بدنه جامعه ایرانیان

بررسی فعالیت های انتشاراتی در جامعه ایرانیان یهودی در کنار بررسی فعالیت های روزنامه نگاری این جامعه معنی بهتر و روشن تری را از روند فعالیت های فرهنگی این جامعه به خصوص در زمینه نشر در سده اخیر به ما نشان می دهد. چراکه تاثیر و اثر این دو از هم غیر قابل انکار است. از سوی دیگر مروری بر تاریخچه شرکت یهودیان در فعالیت های روزنامه نگاری در ایران فصل بندی تاریخی را در اختیار ما قرار می دهد و می توانیم با مرور آن روند نویسندگی و افکار حاکم بر فعالیت های مطبوعاتی و انتشاراتی این جامعه را مورد بررسی قرار دهیم.

این فعالیت ها از آغاز تا زمان انقلاب اسلامی به سه دوره متمایز و جداگانه و پس از انقلاب اسلامی تاکنون به دو دوره تقسیم می شود.

مرحله نخست: ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۳ شمسی

این مرحله با چاپ نشریه سالم شروع می شود؛ نشریه ای برای خوانندگان یهودی که به دست نویسندگان یهودی به چاپ رسید. سالم به معنی سلام و صلح، دق البابی بود و گشایشی در عالم روزنامه نگاری یهودیان ایران. این نشریه به زبان فارسی - یهودی (به زبان فارسی و خط عبری) چاپ می شد و دست اندرکاران آن جزو اولین گروه های فارغ التحصیل آلیانس در ایران بودند.

این نشریه به تشریح اندیشه های مذهبی یعنی آنچه در آن زمان شکل دهنده افکار و آرزوهای جامعه یهودیان بوده پرداخته است. سیاق نویسندگی این دوره، سبک نویسندگان سنتی و ادبای کلاسیک ایران است. در این دوره به چاپ کتاب به ویژه نشر کتب مذهبی پرداخته می شود و نیز اشعار شعری یهودی این سرزمین همچون مولانا شاهین، شیعیون انجام بخارایی و بابای بن لطف به چاپ رسیده است.

مرحله دوم: ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

در این ۱۲ سال جامعه اقلیت کلیمی وارد مرحله ای متفاوت می شود و یهود عمومی اوضاع اقتصادی و شرایط زندگی یهودیان ایران باعث همگونی اعضای این جامعه با بدنه اصلی جامعه ایرانی می شود. در این دوره نشریات متعددی از این جامعه به چاپ می رسد که از نشریات این مقطع می توان از راهنمای یهود، بنی آدم، نیان، سینا، دانیال و عالم یهود که

چه میزان بودجه باید به این امر اختصاص یابد.

اخیراً محافل مفیدی شکل گرفته است اما باید موانع و آسیب های این مسئله مورد بررسی قرار گیرد و ساماندهی شود.

محمدرضا یوسفی این موضوع را هدف اصلی طرح ادبیات کودکان می داند و می گوید: 'بچه ها باید از راه های مختلف با ادبیات آشنا شوند و این یکی از آن راه هاست. خیلی از نظریات در حد نظریه مفید به نظر می رسند اما هنگامی که اجرا می شوند فاجعه به بار می آورند.'

این باور که کتاب های درسی، دانش آموزان را با ادبیات کلاسیک آشنا نمی کند نیز از اعتقادات این نویسنده است. به نظر او آنچه که ما به عنوان ادبیات می شناسیم حواشی ادبیات است نه خود ادبیات. یوسفی با این همه اما از این طرح استقبال می کند: 'در این کلاس ها دانش آموزان با ادبیات کلاسیک آشنا شده و اگر به نویسندگی علاقه داشته باشند، به سمت آن کشیده می شوند. هیچ کس با پاس کردن چند واحدها دانشگاهی، ادیب و نویسنده نمی شود. ما تعداد زیادی دانش آموز داشته داریم که در این رشته تحصیل کرده اند اما ذره ای به آن اشراف ندارند. مدرک صرف، دلیل بر شعور ادبی و ادیب بودن نیست چون اساساً

این گونه کلاس ها قرار نیست ادیب تربیت کند، بلکه قرار است زمینه ادیب بودن را مهیا کند. بر این اساس، چنین کلاس هایی صرفاً چارچوب و معیار خاصی در اختیار علاقه مندان قرار می دهد تا در صورت تمایل به آن بپردازند به همین دلیل محتوای اصلی این طرح در کلاس های انشا باید ارزشیابی شود و ابزار آن در اختیار علاقه مندان قرار گیرد.

اگر ادبیات از طریق نویسنده که خالق ادبیات است و کتاب که بیانگر آن است، به کودک منتقل شود، مقوله ای موثر خواهد بود.

به گمان برخی کارشناسان این طرح به منابع مالی فراوانی احتیاج دارد اما چگونگی اجرا شدن آن مهم تر است. آموزش و پرورش، دانش آموزان را صرفاً از کانال بوروکراسی می شناسد و از منظر ادبی ارتباط نزدیک و ارگانیک با آنها ندارد. چون کارشان امور اجرایی است، به همین دلیل در برنامه ریزی ها باید از نویسنده استفاده شود، نه آموزش و پرورش، تا پایه و اساس این فعالیت، درست و مفید گذاشته شود. در غیر این صورت برنامه آموزش و پرورش در این راستا، کلاس دیگری می شود شبیه کلاس انشا که تنوع و چندگانگی نخواهد داشت و کسی از آن استقبال نخواهد کرد.

نغمه ثمینی اما نظری مخالف دارد. او می گوید: 'خوب با بد این کلاس ها می تواند موجب افزایش خلاقیت دانش آموزان شود. بچه ها در سنین کودکی و نوجوانی زمینه مستعدی برای بروز خلاقیت دارند که باید به خوبی پرورش یابد. استفاده از نویسندگان در زنگ انشا به جای استفاده از کلیشه های همیشگی می تواند مفید باشد، در صورتی که اساس کار نادیده گرفته نشود البته انتقال فنون، تکنیک ها و عناصر داستان نویسی به وسیله دست اندرکاران این حوزه نیز می تواند به رشد این خلاقیت، کمک قابل توجهی کند.'

سیدعلی کاشفی نیز این طرح را در صورت اجرا، اتفاق خوشایندی ارزیابی می کند و استفاده از تجربیات دیگران در مدارس و برای دانش آموزان را مفید می داند: 'استفاده از این تجربیات و این که آنها چگونه نویسنده شده اند بسیار خوب است و این همان نکته ای است که در همه جای دنیا به آن توجه می کنند.'

ارتباط رودرروی نویسندگان با دانش آموزان، یکی از اتفاق های خوب عرصه فرهنگ و ادب است مشروط بر این که پیش از اجرا، آسیب شناسی شود تا مشکلات عدیده بر سر راه آن به وجود نیاید.



سجاد صاحبان زند

بخش مهمی از هنر سینما به اندیشه‌هایی مربوط می‌شود که پدیدآورندگان آن در نظر داشته‌اند. از همین روست که نام و عنوان تهیه‌کننده و کارگردان مقدم بر سایر عوامل فیلم در عناوین پایانی ذکر می‌شود. در سینمای ایران این مهم همواره مورد توجه مدیران فرهنگی بوده است؛ چنان‌که محمدرضا جعفری جلوه؛ معاون سینمایی و سمعی بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کتاب خود با عنوان «سینمای ملی طرحی برای اکنون» بدان پرداخته است. گفت‌وگوی زیر به این کتاب اختصاص دارد، با این شرح که ذیل این گفت‌وگو، جعفری جلوه به شرح نظرگاه‌های سینمایی خود پرداخته که طی تجارب طولانی‌اش در عرصه مدیریت رسانه شکل گرفته است.

معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از کتاب «سینمای ملی؛ طرحی برای اکنون» می‌گوید - بخش اول

سینمای ملی از جاده تجربه می‌گذرد

بحث ارتباطات یا Communication به طور مشروح و دقیق به این نسبت، سیر و روابط متقابل پرداخته می‌شود. در آنجا بیان می‌شود که هدف از پیام‌رسانی، انتقال اطلاعات از سوی کسی است که به عنوان عرضه‌کننده و آفریننده پیام این سوی رسانه فعالیت می‌کند؛ به سوی مخاطبی که در آن سوی رسانه به عنوان مصرف‌کننده و بهره‌بردار کننده از پیام در صحنه است، اطلاعاتی منتقل می‌شود و به منظور ایجاد رفتار، بسته پیامی، قطعه‌ای و قصه‌ای خلق می‌شود و به مخاطبان عرضه می‌گردد تا با بردن و قرار دادن آنها در آن فضای خیال‌انگیز یا واقع‌گرا و در مواجهه با مجموعه حوادث و نحوه رفتار انسان‌ها در آن حوادث و نتایج آن فضاها و سیر رخداد‌های خبری، مستند یا داستانی بیرون و درون آن قطعه یا آن قصه، احیاناً نکته‌ای، عبرتی و نتیجه‌ای رفتاری برای مخاطبان حاصل شود تا آن را درون خود به یک باور تبدیل کنند. آن باور به افکار و رفتاری برای ادامه راه تبدیل شود و این مقصد و نهایت هر فعال فرهنگی، هنری و رسانه‌ای است. اگر هنرمند، قصه‌نویس و یا سینماگری، چنین مقصودی را از خلق اثر هنری خود نداشته باشد، به بیراهه رفته است. این به آن معناست که نمی‌توان سهل‌انگاره و بی‌هدف در صحنه تولید آثار فرهنگی و هنری بود و مقصدی برای اثرگذاری بر مخاطب نداشت. منظور از اثرگذاری بر مخاطب نیز مشخص است؛ افکارسازی، فرهنگ‌سازی و رفتارسازی. رسانه تنها وقتی فرهنگ‌سازی و رفتارسازی می‌کند که خود را در خدمت فعالیت‌های حیاتی یک جمعیت، جامعه و کشور قرار داده باشد. فعالیت‌های حیاتی یک جامعه کدام است؟ بخشی از هستند و در صنایع کوچک روستایی فعالیت می‌کنند و با زمین و طبیعت مانوس هستند. بخشی دیگر در صنعت فعالیت دارند و بخش‌هایی از جامعه در کار خدمات، تجارت، مدیریت، تعلیم و تربیت، دانشجویی و دانش‌آموزی و نهایتاً تولید علم، دسته‌ای در کارگری و دسته‌ای دیگر در کارفرمایی هستند، در صنوف مختلف با گونه فعالیت‌های متنوع و بسیار متکثری که در یک کشور مطرح است و رسانه در همه این عرصه‌های فعالیتی می‌بایست دغدغه‌مند و فرهنگ‌ساز باشد به ویژه هنر، صنعت، رسانه سینما که قوی‌ترین هنر-رسانه دنیای امروز است؛ هنر برتری که همواره روایتگر زندگی است و قصه‌های او چه مستند و چه فراواقع، قصه‌های زندگی است. و به نوعی با مختصات یک زیست‌بوم فرهنگی و ویژگی‌های حیات فردی و اجتماعی ساکنان آن پیوند و ارتباط برقرار می‌کند...



که هر ذی‌نفعی، در آن امری که سینما به او انتفاعی می‌رساند، دارای نقش‌هایی در سینما است. سینمای ملی ما که شرقی، دینی و ایرانی است، سینمایی است پاسخگو به طیف وسیع ذی‌نفعان در گستره کشور، جهان اسلام و حتی در کلیت جهان، و در عین حال خود، سینمایی است ماحصل تلاش‌ها، همگرایی‌ها و تشریک مساعی همه ذی‌نفعان که این بار به عنوان صاحب‌نقش و صاحب‌اثر و به تعبیری دارای قدرت سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی در این هنر، صنعت، رسانه مهم هستند. به این منظور می‌بایست حداقل در گام نخست و به عنوان خطوط کلی یک طرح مشترک و میان‌بخشی حاوی نقش‌های همه ذی‌نفعان از سینمای ایران طرح و برنامه‌ای نوشته و این ایده مکتوب می‌شود. کتاب «در مسیر سینمای ملی» با عنوان طرحی برای اکنون، به این منظور تنظیم و تألیف شد که از امروز در اختیار ماست و از امروز به بعد قابل اجرا و آماده‌ی پیاده‌سازی و پی‌گیری است و می‌تواند پاسخگوی طیف وسیعی از سوالات، ابهامات و انتظارات باشد.

شما در این کتاب به مسائل دقیق و جزئی پرداخته‌اید، برای مثال ذیل قسمتی که مربوط به حوزه قضایی می‌شود و در قسمت پزشکی قانونی، خلق فیلم‌نامه‌هایی با محوریت یک شخصیت پزشک ذکر شده است. به نظر می‌رسد رسیدن به چنین موارد جزئی و دقیق در یک طرح کلی و چیزی که ما را در مسیر یک برنامه قرار می‌دهد، احتیاج به تحقیق و پژوهش فراوانی داشته باشد. نگارش این کتاب چقدر به طول انجامید و آیا در مسیر آماده‌سازی آن با تیمی از پژوهشگران همکاری داشتید؟

۲۹ سال حضور متداوم در عرصه رسانه با محوریت حوزه نمایش، درام و سینما یک فرصت تماشای، رویت، گردآوری، پژوهش و تحقیق است که در اختیار بنده بوده است. تجارب مادر حوزه‌های مشخص رسانه‌ای این توان را ایجاد می‌کند که بتوانیم نسبت رسانه‌ها به ویژه هنر رسانه‌ها را با مجموعه فعالیت‌های کشور بفهمیم و بسنجیم. رسانه‌ها فرهنگ‌ساز، افکارساز و به تعبیر دقیق‌تر رفتارساز هستند در واقع ایجاد افکار عمومی می‌کنند تا رفتار عمومی را حاصل نمایند. در

مخاطبان شبکه و جشنواره‌های مختلف فیلم کوتاه، سینمای مستند و داستانی فراهم شده بود، پله‌پله و به تدریج پی‌گیری و در یکی از جشنواره‌ها جوایزی از طرف شبکه اول با این نگاه به آثاری که از طریق یک هیأت داور انتخاب شده بودند، اهدا شد. در آن جشنواره در عین حال بیانیه‌ای هم از سوی هیأت داور می‌ذکور تحت عنوان «سینمای ملی سینمایی شرقی، دینی و ایرانی» خوانده شد. طبیعی است وقتی با آن پس‌زمینه ذهنی و آن نگاه و تجربه‌ها و دغدغه‌ها به این صحنه آمدیم، مهم‌ترین برنامه‌ای که اعلام کردم حرکت در مسیر سینمای ملی بود. این که سینمای ملی امری قطعی است و وجود خارجی دارد می‌تواند فراتر از آنچه حاصل شده سینمایی اصیل و ایرانی داشت و این نه فقط یک آرزو و آرمان مطلوب که امری قابل وقوع و بسیار حیاتی و ضروری برای کشور است، که به میزانی محقق شده و با برنامه‌ریزی امروز ما به میزان بیشتر قابل تحقق است و کتاب در مسیر سینمای ملی خطوط کلی یک برنامه راهی است که اولاً سینمای ملی را رقم می‌زند و ثانیاً به رابطه میان ذی‌نفعان و ذی‌نقشان در سینمای ایران می‌پردازد و نسبت سینما و توسعه و پیشرفت همه جانبه کشور را بیان می‌کند.

در واقع شما برای این که به این آرمان و هدف برسید، به نوعی خواهان مشارکت نهادهای مختلف شده‌اید.

همین‌طور است، برای پاسخ به نیازهای متقابل سینما و همه عرصه‌های فعالیت در کشور، چرا که سینمای ملی شاکله، مبانی و مقاصدی دارد که به نیاز ملی پاسخ می‌دهد و فضایی اصیل مسئولیت‌شناسانه، اخلاق‌گرایانه و پهلوانانه را در کشور گسترش خواهد داد. یعنی هم به نیازهای جامعه ایرانی و همه عرصه‌های فعالیت‌اش پاسخگو خواهد بود و همچنین فضایی هویت‌بخش و انگیزه‌آفرین را شکل خواهد داد. سینمای ملی نه تنها دارای چنین ویژگی‌هایی است بلکه در نحوه بیان، زبان، مضامین و مفاهیم نسبت به همه منابع و امکانات و همه دستگاه‌ها، فعالیت‌ها و کسانی که در این سرزمین از سینما مطالباتی دارند یا از آن ذی‌نفع هستند یک فراگیری دارد. بدیهی است

با توجه به دغدغه‌های شما در عرصه مدیریت و سیاست‌گذاری سینما و کارهای اجرایی که به انجام رساندید، چه انگیزه‌ای باعث تألیف این کتاب شد؟

بسم الله الرحمن الرحیم. در دورانی که بنده در رسانه ملی فعال بودم، چه در مقطعی که در رادیو مسئولیت داشتم و چه زمانی که در تلویزیون حضور داشتم دو دغدغه که امروز دغدغه‌های اصلی ماست در بنده شکل گرفت و به غایت خود رسید. در واقع، با توجه به قرابت ویژه‌ای که کار من با حوزه درام، فعالیت‌های نمایشی و ادبیات دراماتیک داشت، تقریباً از سال ۶۰ تا به امروز همواره در همین حوزه کاری قرار داشتم و امروز با حضور در سینمای کشور به تعبیری مسئول آن هستم. این تمرکز در حوزه فعالیت‌های نمایشی و حوزه ادبیات و هنرهای دراماتیک و به تعبیری حوزه‌ای از نمایش تا سینما که یک حوزه به هم پیوسته، همگون و در توالی و امتداد هم است، از همان سال‌های نخست این دغدغه‌های نگاه ملی، نگاه ایرانی و اسلامی و نسبت هنر و رسانه ملی با توسعه همه جانبه کشور را در ذهن من پدیدآورده است. ابتدا این دغدغه که در عرصه نمایش، ادبیات دراماتیک و سینما جایگاه هنر ملی کجاست؟ یعنی آیا ما در بازار جهانی در این عرصه‌ها صرفاً یک مصرف‌کننده هستیم و حداکثر یک تولیدکننده شبیه‌ساز؟ و آیا تنها ادبیات ترجمه‌ای داستانی، دراماتیک و فعالیت‌های نمایشی و سینمایی تقلیدی و ترجمه‌ای سهم ماست؟ یا در این عرصه‌ها ما هم می‌توانیم ادبیات داستانی، نمایش و سینمای اصیل، بومی، ایرانی با به تعبیر جامع‌تر نمایش، تئاتر و سینمای ملی داشته باشیم؟ نظر من این است که در همه این عرصه‌ها، ما صاحب‌ایده، سبک و مکتب خاص خود هستیم و می‌توانیم با برخورداری از یک گفت‌وگو و مبانی نظری خودی، اصیل، ایرانی، اسلامی و متعلق به منش و مشرب مشرق‌زمینی خودمان داعیه دار باشیم. دغدغه‌های ذهنی من همواره در عرصه جستجوی ردپای گونه‌های نمایشی اصیل ایرانی، ادبیات داستانی و نمایشی اصیل و بومی و آنچه متعلق به ما بوده و هست شکل گرفته و در این زمینه تلاش‌هایی را در رسانه انجام دادیم، هم در رادیو و هم در تلویزیون در شبکه‌های یک، دو و چهار این مسیر دنبال شد. به ویژه از مقطعی که من به صورت جدی‌تر با سینما پیوند داشتم، تقریباً از اواخر سال‌های دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ و به خصوص زمانی که در معاونت فرهنگی بنیاد سینمایی فارابی بودم این دغدغه‌ها رفته‌رفته به سوی سینما کشیده شد و این پرسش که سینمای ملی چیست؟ آیا سینمای متعلق به ما وقوع خارجی و بیرونی دارد یا می‌تواند داشته باشد؟ وقتی می‌دیدیم که فیلم‌ها و آثاری وجود دارند که هم به لحاظ ظرف و هم مظهر، یعنی هم به لحاظ نحوه ارائه، شکل و وجهه سمعی و بصری بومی، خودی و ایرانی‌اند و هم در مفاهیم و مضامین از اصالت‌های جدی برخوردار هستند، بر این باور جدی‌تری شدیم، تا این که در این اواخر یعنی سال‌های آغازین دهه ۸۰، از شبکه اول سینما از طریق فرصت‌هایی که در اختیار رسانه ملی و شبکه بود رسماً مفهومی تحت عنوان سینمای ملی را برای توجه و نزدیک شدن به سینما و صدازدن فعالان در این عرصه، دنبال کردیم و بحثی را تحت عنوان «در جستجوی سینمای ملی» از طریق تعاملاتی که بین

و روستا نیز. هر کسی به گونه‌ای قصه‌ای، حالی، حرفه‌ای و شغلی دارد و هنر رسانه مواجهه با این طیف جمعیت خود را در همه این عرصه‌ها و نحوه‌های زندگی فرهنگ ساز و افکار ساز می‌داند. یک رسانه درست و دقیق رسانه‌ای است که برای کشوری که مزیت آن مقوله شیلات است و با دسترسی به سواحل وسیع و آب‌های آزاد می‌تواند از یک صنایع پیشرفته دریایی برخوردار باشد، حتماً این وظیفه را انجام می‌دهد که قصه‌های مردان دریا را بیشتر از سایر رسانه‌های رقیب و حریف خود روایت کند و برای مردم از این عرصه‌های مهم و حیاتی سخن بگوید، آنها را به سوی دریای حادثه و زدن به سینه امواج ترغیب کند و موانع کارشان را در عرصه صعب و دشوار دریا سهل بنماید، به آنها انگیزه بیشتری بدهد و صبوری و دلآوری را ترویج کند. قصه دریا و دریانوردی را در دستور کار خود داشته باشد و بیش از پیش به آن توجه کند و این مسئله را تا جایی پیش برد که کشتی‌های صیادی قاره‌پیمای آن کشور پهنه آب‌های دور دست را در نورند و از همه جهان سهم و حق خویش را فرا چنگ آورند. کاری که ژاپنی‌ها امروز در آب‌های اقیانوس آرام و اطلس می‌کنند. یا کره‌ای‌ها یا ملت‌های دیگر. اگر از یکی دو کشور مثالی می‌زنیم به این معنی نیست که دیگران در این عرصه حضور ندارند. ما هم در این صحنه بوده‌ایم.

به نظر شما در سینمای امروز ایران چه مصادیقی از این رویکرد داریم؟

ما امروز در سینمای ایران مشغول ساختن یک فیلم عظیم دریایی هستیم به نام «راه آبی ابریشم» که آقای «محمد بزرگ‌نیا» به دنبال کارهای خوب دریایی پیشینی که داشته‌اند، کارگردانی آن را بر عهده دارند. این ایده‌ای بود که من از شبکه اول سینما با خود داشتم. قصه زندگی «ناخدا سلیمان بن سیراف» معروف به ابن سیراف که در قرن چهارم از آب‌های جنوبی ایران و از بندر تاریخی سیراف به قصد دور دست‌ترین نقاط شرق حرکت می‌کند و برای اولین بار از عمق آب‌های به ظاهر ظلمانی و دریا‌های ناشناخته و از اقیانوس هند می‌گذرد و به دریای چین می‌رسد، مالزی، اندونزی و فیلیپین امروز را پشت سر می‌گذارد و در سواحل شرقی چین پهلو می‌گیرد و ابریشم را از طریق دریا به سوی مغرب زمین به حرکت درمی‌آورد و راه بسته ابریشم زمینی را از راه دریا باز می‌کند. یک مرد بزرگ، حکیمی دلاور، ماجراجویی دور اندیش که چنین حضوری موثر و کاربردی در پهنه آب‌ها و دریاها داشته و راه آبی ابریشم را به نام ایران و ایرانی رقم زده است تا بعدها با روایت قصه او در سینما، دریایی که ما هم در دریا بوده‌ایم و امروز هم می‌توانیم فراتر از آن باشیم، هم در کار با دریا، هم در تمدن‌سازی، هم در ماجراجویی‌های تاریخ ساز و هم در خود باوری و اعتماد به نفس یک رسانه هوشمند و موثر و در حال کار درست در جایگاهی است که چنین نسبت‌هایی را با تک‌تک فعالیت‌ها و موضوعات مطرح در توسعه همه جانبه کشور برای خود فرض می‌کند و برای آن طرح و برنامه دارد. طبیعتاً تجربه ما در صدا و سینما عمیقاً برای چنین نگاهی که در کتاب در مسیر سینمای ملی آمده است دستمایه‌ای جدی و حیاتی بود و از آن جا که سینما یک هنر - رسانه برتر و فوق‌العاده قدرتمند و ای بسا قدرتمندترین آنهاست، همین طرح و ایده، البته در سطحی عالی تر، برای سینما نیز مطرح بود. لذا شما در این کتاب می‌بینید که در جزئیات تک‌تک فعالیت‌ها و طیف وسیع دستگاه‌ها پیشنهادهایی به عنوان مضامین و موضوعات کار مشترک در سینما مطرح شده است. یعنی اگر ظرف سینماست، ما باید برای سینما مظهرهای بسیار کلیدی و متنوعی را شناسایی و پیشنهاد کنیم ما در این کتاب طیف وسیعی از این پیشنهادها را ارائه کرده‌ایم. برای هر دستگاهی، مأموریت‌هایی و برای هر فعلیتی تعدادی از پیشنهادات از سوی مدیریت سینمای کشور بر روی کاغذ آمده است و به گستره فعالان عرصه تجارت، صنعت، معدن، کشاورزی، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، امنیت ملی و اجتماعی و حوزه‌های بسیار مختلف تقدیم شده است. طرحی که هم برای امروز است و هم تا فردا قابل تداوم خواهد بود یعنی

یک برنامه قابل انطباق کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را دارد و شاکله‌ای برای یک طرح بزرگ فراگیر برای فرادست. پیشنهاد یا ایده مهمی که در این کتاب ملحوظ است و در پایان مورد اشاره قرار گرفته، اقدامی برای تدوین قانون ملی سینماست. قانونی که همه این نقش‌ها را از همه ذی‌نفعان سینمای ایران مطالبه و آنها را الزام آور می‌کند. یعنی برای بخش صنعت، مأموریت‌هایش را الزام آور می‌کند. برای بخش کشاورزی نیز همین‌طور و برای حوزه نفت، نیرو و یا کلا حوزه انرژی این وظایف را به تکالیف تبدیل می‌کند. البته نه به صورت تکالیفی که دیکته‌وار از یک مرکزیتی به همه ابلاغ یا بخش‌نامه شود. بلکه در یک تشریک مساعی و تعامل دو سویه و در قالب طرحی متین، منطقی و نرم که حتماً باید کارشناسی‌های دو سویه در آن نقش داشته باشند.

شما در این کتاب به ضرورت تشریک مساعی خانواده سینما با سایر نهادها اشاره کرده‌اید. سینما چگونه می‌تواند متقابلاً با دیگران تعامل برقرار کند و چه خدماتی می‌تواند برای نهادهای دیگر داشته باشد؟

دیدار برکت زای سینماگران کشور با مقام معظم رهبری نقطه عطفی بود که موجب شکل‌گیری ریشه اصلی و تدوین نهایی این کتاب شد. در این دیدار ایشان بعد از مقدماتی فرمودند که کلید توسعه و پیشرفت کشور به میزان زیادی در دستان شما کارگردانان سینمای ایران است. در واقع شما می‌توانید پدید آورنده فرهنگ، افکار و رفتاری شوید که کشور برای رسیدن به چشم‌انداز به آنها نیازمند است. به هر حال حرکت به سوی یک چشم‌انداز قبل از هر چیز به یک توجیه عمومی نیازمند است. قبل از هر چیز، پذیرش این نکته که ما باید به چنان چشم‌اندازی برسیم و خواهیم رسید، یعنی اعتماد به نفس و دوم این که در آن چشم‌انداز، مختصاتی واقعی است که از همین امروز باید توصیف شود و بعد پذیرش نقش‌های تک‌تک آحاد جامعه است. هر دسته، گروه، صنف و جمعیتی نقشی برای رفتن در این مسیر مشترک دارد و باید قدمی بردارد. بیان خطوط آن چشم‌انداز و بیان ممکن‌الوقوع بودن آن، افزایش اعتماد به نفس ملی، ایجاد یک انگیزه فراگیر ملی و افزایش امید به فردا پارامترهایی است که فعالیت هر رسانه‌ای و هر هنر رسانه‌ای در دستور کار خود دارد. رسانه‌ها انگیزه‌های پیشرفت را از طریق کار رسانه‌ای در یک کشور می‌کاهند یا افزایش می‌دهند. امروز رسانه‌هایی در جهان مشغول کاهش انگیزه پیشرفت در بعضی جوامع هستند. بعضی رسانه‌های خارجی می‌کوشند انگیزه پیشرفت را در جامعه ایران بکاهند، اما یک رسانه ملی تلاش می‌کند انگیزه پیشرفت، امید به فردا و باور به خود و خوداتکایی را افزایش دهد. این جاست که ما درمی‌یابیم بعضی آثار تولید شده در فعالیت‌های هنری، فرهنگی و سینمایی کشور گاه چگونه سهل‌انگارانه در جهت کاهش این امید و اعتماد به نفس و انگیزه پیشرفت حرکت می‌کنند و ناخواسته در مسیری قدم بر می‌دارند که طرح و نظر حریفان است. افزایش امید و ضریب انگیزه پیشرفت، شتاب حرکت است. استراتژی یعنی همان شتاب حرکت که می‌توان آن را کند یا تند نمود. در همان دیدار مقام معظم رهبری فرمودند شما می‌توانید امید و انگیزه پیشرفت را در این کشور بیفزایید یا حیثاً در مسیر کاهش آن قدم بردارید. بنابراین ترسیم خطوط کلی آن چشم‌انداز



می‌بایست خطوط کلی یک طرح مشترک و میان بخشی حاوی نقش‌های همه ذی‌نفعان از سینمای ایران مکتوب می‌شود. کتاب «در مسیر سینمای ملی» به این منظور تنظیم و تألیف شد

و به حرکت درآوردن جامعه در آن سو و نقش‌پذیر کردن تک‌تک آحاد جامعه در این برنامه هماهنگ و مشترکی که فراراه همه است از وظایف فعالان عرصه فرهنگ، هنر و رسانه است و یک عنصر هوشمند در این زمینه باید برنامه راه یا طرحی برای اکنون داشته باشد.

این راهبرد چگونه و با چه سازوکاری باید تدوین شود؟

ما به سهم خویش و بر اساس میزان بضاعت و دریافت خود کوشیدیم این طرح حرکت را بنویسیم و یا حداقل در کلیت آن را بر کاغذ بیاوریم و خطوط کلی از یک برنامه راه را تنظیم و ترسیم کنیم که امروز هم قابل ملاحظه و مطالعه و هم قابل اجراست و حتی بخش‌هایی از آن در حال اجراست. ما در یک تفاهم میان بخشی با طیفی از دستگاه‌هایی که در این کتاب به آنها اشاره شده است و با بعضی سازمان‌ها و وزارتخانه‌های فعال یا رقیب یا حاضر به صورت موازی در این صحنه مثلاً بعضی نهاد‌های انقلابی مانند حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی کار مشترکمان را تعریف کرده‌ایم یا می‌کوشیم تعریف کنیم. امروز ما در عمل در عرصه بازسازی نود سالن سینمای در اختیار حوزه هنری مشترکاً در کاریم که این بازسازی‌ها چه در سطح سینماهای در اختیار نهاد‌های دولتی و چه سینماهای بخش خصوصی می‌تواند منجر به رونق اقتصادی و تحولات فرهنگی ناشی از چنین رونق اقتصادی شود. ما در حال اجرای چنین طرح‌های مشترک یا به تعبیری اجرای چنین تفاهم‌نامه‌های مشترکی هستیم که گاه بر روی کاغذ نوشته شده و گاه در حال عمل هستند.

محورها و اجزای این طرح‌های مشترک کدامند؟

این کار مشترک در چهار طرح جامع قابل جمع بندی است. طرح جامع تولید، طرح جامع فناوری و تجهیزات تولید و پخش سینمای ایران، طرح جامع فضای نمایش و سالن‌های سینما در کل کشور و طرح جامع اکران یا حمایت از مخاطب. این چهار طرح جامع ذیل آن سه کلان برنامه منتهی به فیلم خوب، سالن خوب و اکران خوب مطرح هستند. در طرح جامع تولید، تشریک مساعی مجموعه فعالان و مؤسساتی مطرح است که می‌توانند در سینمای ایران در سرمایه‌گذاری مشترک یا مستقل برای تولید اقدام کنند. چه مؤسسات فرهنگی و هنری، مثل حوزه هنری، کانون پرورش فکری و امثالهم و چه نهاد‌هایی همچون وزارت نفت که می‌تواند در عرصه بسیار گسترده صنایع نفت، تاریخ نفت و سر نوشت نفت و انرژی، تولیدات سینمایی ارزشمندی داشته باشد. همین تلاش می‌تواند در تشریک مساعی بین سینماگران و متولیان عرصه تجارت و راه ... هم باشد. اخیراً در جشنواره‌ای تحت عنوان جشنواره راهبران به مقوله‌هایی چون فیلم‌های جاده‌ای توجه شده بود. یا در مقوله امنیت روانی فیلم‌های پلیسی مطرح می‌شود. حتی برای داشتن یک پلیس تراز مطلوب در جامعه اسلامی می‌توان تولیداتی جهت دهنده و برانگیزاننده در عرصه سینمای پلیسی داشت و کار مشترک مدیریت سینمای کشور و نهاد انتظامی و نیروی پلیس در این عرصه منشاء اثر است. این ماجرا به طیف بسیار گسترده و متنوع دیگری در عرصه‌های مختلف فعلیتی در کشور قابل تسری است و طرح جامع تولید می‌تواند دربرگیرنده چنین برنامه‌های تعاملی دو سویه‌ای باشد. اگر همین نگاه را به طرح جامع فناوری و تجهیزات سینما بریم، درمی‌یابیم که تجهیزات و فناوری‌های جدید به خصوص فناوری دیجیتال و حوزه CGI و DI امروز برای یک سینمای معقول و مطلوب لوازم و عناصری حیاتی هستند که اگر دیروز می‌توانستیم نسبت به آنها تردید و تأملی داشته باشیم؛ امروز تأمل و تردید بسیار نابخاست و هر چه سریع‌تر باید به این فناوری‌های جدید دیجیتال، تجهیزات فیلمبرداری و لوازم جدید حرکتی مجهز شد؛ چرا که امکان خلق فضاهایی را به سینماگران می‌دهد که در برخی از گونه‌های سینمایی اثر گذار خارجی می‌بینیم و وقتی ما فاقد آن لوازم باشیم، نمی‌توانیم چنان اثرگذاری را چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی شکل دهیم و پدیدآوریم.

معرفی کتاب

کاوه رحمانی

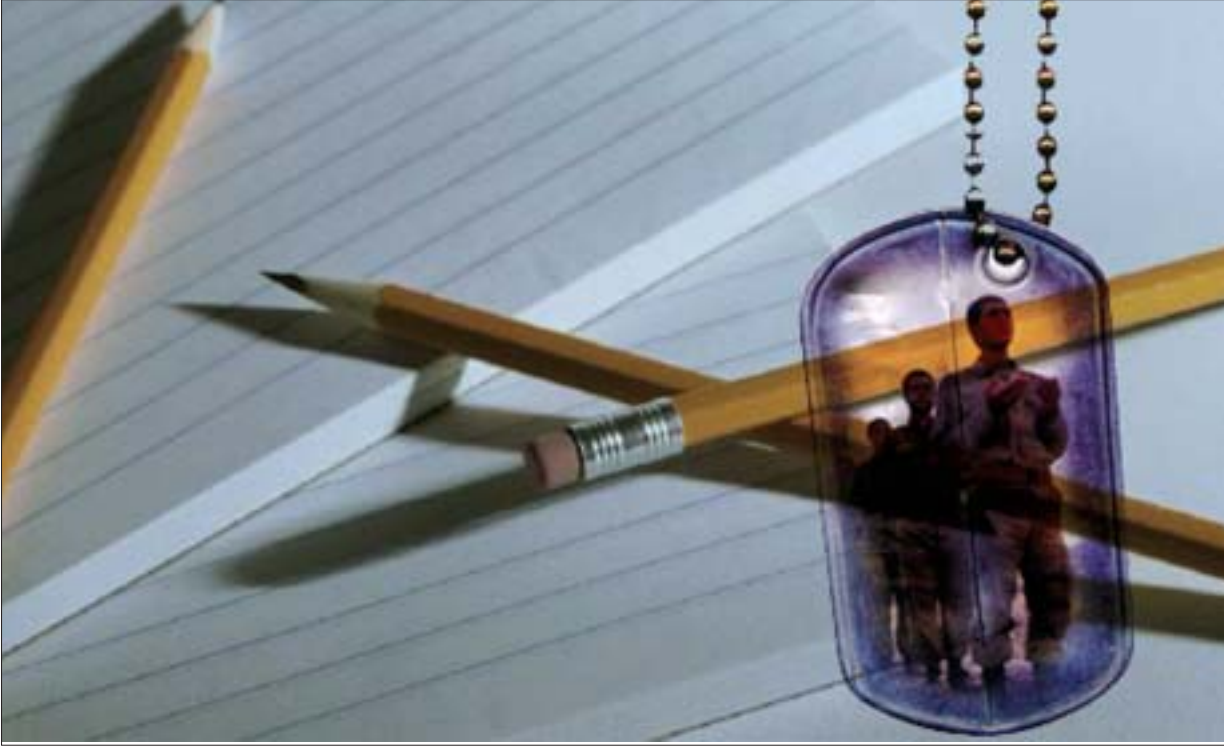
طرحی برای اکنون

بر کسی پوشیده نیست که سینمای امروز ایران، بیش از آن که به سرمایه‌گذاری نیاز داشته باشد به دانش، تخصص و برنامه‌ریزی وابسته است اما نکته آنجاست که کمتر کسی می‌تواند در این عرصه به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بپردازد چون کمتر کسی را می‌توان یافت که در هر دو عرصه تئوری و عملی صاحب اندیشه و نظر باشد. محمدرضا جعفری جلوه، یکی از مدیران ارشدی است که با تجارب خود در عرصه سینما و رسانه و در کنار آن با تجاربی که در عرصه تئوری پردازی داشته‌می‌تواند نظریاتی کاربردی در عرصه سینما عرضه کند و کتاب «در مسیر سینمای ملی» شهادی بر این مدعا است. وی در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: امروز سینمای ایران نیازمند طرح و برنامه توأمان فرهنگی و اقتصادی به منظور خروج از شرایط نرم افزاری و سخت‌افزاری است. این سینما خسته از افراط و تفریط‌ها، سعی و خطاهای غیرضروری و راه طی شده دو قطبی یعنی هنری سازی روشنفکرانه و تجاری سازی عامه‌پسند، که در سال‌های اخیر چه بسیار اولی‌ره به انحطاط و سیاه‌نمایی سپرده و دومی به حیطه عوام‌زدگی و ابتذال فروغلیته است، در انتظار طرحی نو است و هوایی تازه می‌طلبد.

در مسیر سینمای ملی در واقع در دو بخش عمده شکل گرفته است: در بخش اول، مولف به ارائه همه نهادها و مراکز می‌پردازد که وابسته به سینما هستند و در بخش دوم علاوه بر ذکر جزئیات این ارتباط دو طرفه به بیان راهکارهایی می‌پردازد که چگونه می‌توان در یک تعامل سازنده، سینما را به بهترین شکل ممکن مورد استفاده قرار داد. وی در بخش اول ارتباط ارگانیک سینما را با مراکز و نهاد‌های دیگر در چهار سطح تعریف می‌کند. در سطح اول این تعامل فرهنگی، نهاد‌هایی قرار دارند که در واقع بدنه فرهنگی سینما را تشکیل می‌دهند که بنیاد سینمایی فارابی، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، انجمن سینمای جوان ایران، موسسه رسانه‌های تصویری، بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای، موسسه سینما شهر، موزه سینما و خانه سینما از جمله این نهادها به حساب می‌آیند. در سطح دوم به مراکز پرورنده شده که به شکلی غیرمستقیم با سینما در ارتباطند و انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، بنیاد شهید و امور ایثارگران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بخشی از نهاد‌هایی هستند که مولف به آنها پرداخته است. در سطوح سوم و چهارم نیز به سازمان‌ها و نهاد‌هایی اشاره شده که بسترهای فرهنگی جامعه را شکل می‌دهند و آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه، فرهنگستان هنر، خبرگزاری‌ها، سایت‌های خبری و مطبوعات و در نهایت دو قوه قضاییه و مجریه از جمله مراکز است که در این دو سطح از آنها یاد شده است. وی در سطح پنجم به عوامل و سازندگان آثار سینمایی و نقش آنها برای رسیدن به سینمای ملی پرداخته است.

اما آنچه در بخش دوم خودنمایی می‌کند و نشان از تجربه مهندس جعفری جلوه در دو حوزه تئوری و اجرا دارد، توجه او به ریزبرنامه‌هایی است که در تعامل در هر کدام از این نهادها مطرح می‌شود. به عنوان نمونه وی در ذیل عنوان وزارت امور خارجه ۹ عنوان آورده است که کمک به صادرات سینمای ایران و ارتباط موثر با بازارهای مصرف جهانی اعم از اکران سینمایی و نمایش خانگی بر اساس اولویت سیاست خارجی سینمای ایران و همکاری موثر در طرح، برنامه‌ریزی و ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی، هنری و سینمایی برای جمعیت ایرانی مهاجر یا مقیم کشورهای خارجی خاصه آمریکا و کانادا تنها دو عنوان از این فعالیت‌ها به شمار می‌آید.

خط شکنی در نقد



پخش دیدگاه‌های منتقدان حوزه ادبیات در خصوص ادبیات دفاع مقدس از طریق صدا و سیما دلیلی شد تا نقدی بر نقد این نوع ادبیات رقم بخورد. آسیب شناسی ادبیات دفاع مقدس شاید اندیشه جدیدی نباشد اما پرداختن به آن به رغم تکراری بودنش این فایده را دارد که موجب شکل‌گیری اندیشه‌های جدید در این راه شده و بر اهمیت توجه بیشتر بدان صحنه می‌گذارد. در این نوشتار روی سخن حقیر متوجه منتقدان حوزه ادبیات دفاع مقدس است؛ نکته‌ای که به زعم بنده پیش از پرداختن به این نوع ادبیات باید مورد توجه قرار گیرد. واقعیت این است که ذات ادبیات دفاع مقدس به گونه‌ای است که اقتضا می‌کند منتقد آن نیز خود از اهالی جبهه و جنگ باشد. مفاهیم نهفته در پس برخی واژگان و عبارات، به وسیله افرادی که از جنگ دور بوده‌اند قابل ادراک نیست. این امر به ویژه در ادبیات دفاع مقدس نمود و مصداق فراوانی دارد چرا که دفاع هشت ساله ما یک دفاع ارزشی و معناگرا بوده است؛ دفاعی که در معانی خاصی نظیر تکلیف، ایثار، شهادت، بسیج و... نهفته است. طبیعی است افرادی که از این معانی به دور بوده‌اند قادر نیستند روح آن را درک کنند و بنابراین در تعبیر و تفاسیر شخصی خویش از موقعیت داستان و به خصوص شخصیت‌های داستان دچار مشکل می‌شوند.

از دیدگاه رومن جاکوبسن زبان‌شناس و منتقد نامدار روسی، نقش‌های شش‌گانه زبان عبارتند از: نقش عاطفی (emotive)، نقش ترغیبی (conative)، نقش ارجاعی (referential)، نقش فرازبانی (metalingual)، نقش همدلی (phatic) و نقش ادبی (poetic). بدیهی است که دریافت کامل برخی از این نقش‌ها در متون مستلزم ایجاد یک رابطه متناسب با این نقش‌هاست. به عبارتی لازم است برای درک مفهوم، منتقد لایه‌های معنایی را کنار زده و در دل نقش رسوخ کند چون نقش‌های عاطفی و به خصوص نقش‌های فرازبانی در ادبیات دفاع مقدس رنگ و بوی خاصی دارند.

برای نمونه اصطلاحی چون "تک‌زدن" در عین حالی که در فرهنگ جبهه و جنگ اصطلاحی جنگی است و متضاد پاتک قید می‌شود، برای اهالی جبهه یادآور شوخی‌های رزمندگان در جبهه‌ها نیز هست و تک‌زدن از تدارکات زنده‌کننده احساس خاصی در این عزیزان است. اصولاً روح شوخی‌های جبهه‌ای با شوخی‌های غیر جبهه‌ای متفاوت است. البته منظور این نیست که منتقد معنای تک‌زدن را درست نخواهد فهمید بلکه منظور آن حال و هوا و احساس خاص بسیجی نهفته در پس این فعل است.

در شمار زیادی از نقدهای فعلی به عمل آمده از

راه یافت. جبهه و جنگ ما نیز فرهنگ خاص خود را داشته است به گونه‌ای که بدون بهره‌مندی از این فرهنگ نمی‌توان به درون زبان جنگ نفوذ کرد.

متأسفانه در حوزه نقد ادبیات دفاع مقدس، کمبود منتقد کیفی باعث شده تا فضای نقد این نوع ادبیات به جایگاه شایسته خود نرسد. در این راستا اولین گامی که می‌تواند در اصلاح و رفع این معضل برداشته شود آن است که از منتقدان ادبیات دفاع مقدس که خود در جبهه‌ها حضور داشته‌اند دعوت به عمل آید تا در نشست‌های گوناگون برای خروج از وضعیت موجود چاره‌اندیشی کنند و راهکارهای مناسب برای ارتقای کیفی این گونه ادبیات را با همفکری یکدیگر جست‌وجو کنند. همچنین می‌توان کانون یا نهادی را به نام این منتقدان شکل داد که به این منظور نقش سازمان‌ها و موسسات دولتی در حمایت از چنین تشکیلی راهگشا خواهد بود.

در مجموع هم‌اندیشی و همدلی منتقدان ادبیات دفاع مقدس به همراه مساعدت‌ها و همیاری‌های دولتی برای برون‌رفت از معضلات گریبانگیر ادبیات دفاع مقدس راهگشا خواهد بود. امید است که با شکل‌گیری وفاق لازم در این راه شاهد تحقق این مهم باشیم.

شخصیت‌شناسی در داستان رجوع کنیم، یعنی شناخت شخصیت براساس آنچه که می‌گوید، آنچه که انجام می‌دهد و آنچه که در مورد او گفت می‌شود، چنین می‌توان نتیجه گرفت که ناتوانی در ادراک گفته‌های فرد (یا همان کنش‌های کلامی) به منزله ناتوانی در کشف کامل شخصیت فرد است و بنابراین منتقدی که تلقی صحیحی از سخن رزمنده‌ای نداشته باشد قادر نیست به لایه‌های زیرین شخصیتی او به طور کامل راه یابد. برای نمونه واژه "تکلیف" از آن دست واژگانی است که تلقی دقیق از آن برای ناآشنایان با ساحت فرهنگی این واژه آسان نیست. رزمنده‌ای که به رغم تمامی مشکلات شخصی خود یا برعکس به رغم برخورداری از تمام لذایذ و خوشی‌ها، سر از جبهه درآورده، برای تبیین عمل خویش به واژه "تکلیف" اشاره می‌کند؛ اما این واژه شاید نتواند از سوی منتقد ادبی نامأنوس با فرهنگ دفاع مقدس درک شود. درک چنین شخصیتی برای هر کسی ممکن نیست مگر آن که خود با این واژه پیوند داشته باشد و لااقل به مقصود از "تکلیف" پی برده باشد.

در حوزه زبان‌شناسی همواره این ادعا وجود داشته است که زبان یعنی فرهنگ و بدون برخورداری و آشنایی با فرهنگ یک زبان نمی‌توان به بطن مورد نظر

سوی منتقدان، به ویژه آنانی که در جبهه حضور نداشته‌اند، نقش‌های عاطفی، فرازبانی و ارجاعی یا به میزان وسیع و یا به طور کامل نادیده گرفته شده و تاکید عمده آنها بر نقش ادبی بوده است.

به نظر من منتقد ادبیات دفاع مقدس باید خود از اهالی جبهه و جنگ باشد چون تحقق نیافتن این مسئله باعث شده تا این نوع ادبیات جایگاه شایسته خود را هنوز هم نیافته باشد. البته کمبود منتقد در این حوزه نیز طبیعتاً بر پیچیده‌تر شدن معضل دامن می‌زند چرا که نویسنده ادبیات دفاع مقدس الزماً منتقد نیست و ما به رغم وجود نویسندگان خوب در حوزه ادبیات دفاع مقدس با نبود منتقد کافی در این حوزه روبه‌رو هستیم. قصد نگارنده نفی توانمندی‌های منتقدان نیست بلکه اعتقاد دارم جنبه‌هایی از مفاهیم از سوی همگان قابل ادراک نیست. جنبه‌های احساسی به خصوص جنبه‌هایی هستند که دریافت کامل آنها نیازمند حصول شرایط خاصی است.

ادراک کامل معنا، بخش قابل ملاحظه‌ای از کارکردهای لازم در دریافت اثر و مدخل اصلی جهت نقد به شمار می‌رود. از سویی معنای مورد نظر گاه در کنش‌های فعلی نهفته است و گاه در کنش‌های کلامی. حال اگر به همان راه‌های سه‌گانه

و معنوی بین فرزندان و همسران شاهد با خواهران مددکار اشاره دارد. آرزوی شهادت در جبهه، جست‌وجوی مادر و دختری که در دوران جنگ تحمیلی همدیگر را گم می‌کنند و انتظار و صبر همسران آزادگان در بازگشت آنها از اسارت نیز به ترتیب در خاطرات "باغ شهادت"، "در جست‌وجوی ستاره" و آن سوی پنجره" روایت می‌شود. اعزام به جبهه و مقاومت و ایستادگی مادران شهید نیز در خاطرات "جای پای رود"، "نیدار سبز" و "شیرزن" مورد توجه قرار گرفته است. در واقع خاطرات روایت شده در این کتاب، هر یک زوایایی پنهان از دفاع مقدس را دنبال می‌کنند که شنیدن آنها می‌تواند برای هر مخاطبی تازه و جذاب باشد زیرا با وجود این که زنان هم به اندازه مردان در جنگ سهم داشتند خاطرات کمتری از آنها نقل شده و این کتاب از این منظر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. "زد پای لاله" از سوی انتشارات هزاره فتنوس و با حمایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در شمارگان ۲۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۵۰۰ تومان به بازار عرضه شده است.

دخترم"، "کوه‌های سفیدپوش"، "سرود پیروزی" و "آشک شوق" به دنبال نکته‌های عمیق و آموزنده‌ای بوده و ارتباط فرزندان و همسران شاهد با شهدا را در عالمی غیرمادی دنبال می‌کنند. برخی از خاطرات هم‌شکلی نمادین داشته و به ترسیم راه‌های سختی که شهدایان برای زنده نگه داشتن آرمان‌های اسلامی پیموه‌اند، می‌پردازد. از جمله این خاطرات می‌توان به "بارش توت‌های رسیده" و "زد پای لاله بر گنبد سبز" اشاره کرد. مقاومت و تلاش جانبازان و ایثارگران و فراگیری دانش و معرفت و کسب مدارج عالی تحصیلی و شغلی موضوعی است که خاطره "خواستم و توانستم" با روایت زندگی دختری که دو پای خود را بر اثر بمباران رژیم یعنی از دست داده است، دنبال می‌شود و چنین نمونه‌هایی در بین جامعه ایثارگران و جانبازان و خانواده شهدا کم نیست همچنین کشته شدن کودکان بی‌گناه در جنگ و ترسیم جنایات وحشیانه رژیم یعنی عراق به خوبی در خاطره "گهواره ارغوانی" مورد توجه قرار گرفته است. خاطرات "عطر مهربانی" و "سنگ صبور مهربان" نیز به رابطه عاطفی

سفر در مسیر لاله‌ها



"زد پای لاله" عنوان کتابی نوشته ابوالفضل طاهر خانی است که ۱۷ خاطره از زبان مسئولان و بنیاد شهید و امور ایثارگران را در دیدار آنها از خانواده‌های شاهد و ایثارگر روایت می‌کند. اگرچه این خاطرات در یک مقطع و برهه زمانی خاص نقل شده‌اند، اما از آنجا که واقعی هستند، دارای نکته‌های آموزنده بسیاری است که در رشد فکری و اجتماعی ما نقشی سازنده ایفا می‌کنند. توجه به عواطف انسانی و برقراری ارتباطی صمیمی با شهدا مهم‌ترین پیامی است که خاطرات کتاب به دنبال آن است. البته نویسنده در خاطرات راویان دخل و تصرفی نداشته و تنها سعی در روان کردن نثر خاطرات داشته است. گنجینه شکوفه‌های سبب، هدیه‌ای برای



محمدرضا عبدالملکیان از جایزه قیصر امین پور می گوید

شاعران آینده



انجمن شاعران ایران و زیر مجموعه های آن از جمله دفتر شعر جوان در سال های فعالیت خود، حرکت های گوناگونی در این عرصه داشته است. از جمله این فعالیت ها می توان به چاپ مجموعه شعرهایی از شاعران جوان در کنار کارگاه های آموزشی یاد کرد. یکی از آخرین فعالیت های دفتر شعر جوان، برگزاری جایزه کتاب سال شعر جوان است که دومین دوره آن، چندی پیش برگزار شد. این جایزه که در این دوره به نام قیصر امین پور نام گرفت، فعلا به صورت دوسالانه برگزار می شود. محمدرضا عبدالملکیان مدیر عامل انجمن شعر جوان و دبیر این جایزه، در گفت و گویی که در پی می آید به جزئیات این جایزه اشاره کرده و برنامه های آتی این انجمن را شرح داده است.

کتاب سال شعر جوان چگونه شکل گرفت؟

در بررسی تاریخ سرایش شعرهای شاخص شاعران بزرگ معاصر، متوجه این نکته می شویم که اغلب این آثار در مقطع سنی بیست و چند تا سی و چند سالگی شاعران سروده شده است. به اشاره می توان به آثار شاعرانی چون اخوان ثالث، سهراب سپهری، سلمان هراتی، قیصر امین پور و... اشاره کرد.

با توجه به این نکته مهم، به یک معنا می توان گفت جوانی، نه به عنوان نقطه آغاز، بلکه عموماً می تواند به معنای مرحله شکوفایی و بالندگی شعر بسیاری از شاعران مطرح باشد. به همین سبب دفتر شعر جوان و کتاب شعر جوان از اهمیتی متفاوت و ممتاز برخوردار است. ما به عنوان دفتر شعر جوان نمی بایست از این موضوع مهم غافل می مانیم. چنین شد که مقدمات اجرای طرح کتاب سال شعر جوان در سال ۱۳۸۵ فراهم شد و پس از بحث و بررسی محتوای طرح طی چندین جلسه، مراحل اجرای آن برنامه ریزی و کار شروع شد. در نخستین دوره سقف سنی ۳۰ سال برای سراینده اثر، چاپ نخست مجموعه و انتشار اثر در طول دو سال قبل از سال اجرای طرح (سال های ۸۳ و ۸۴) عمده ترین شرایط شرکت شاعران در کتاب سال شعر جوان بود.

در نخستین دوره، به جای کتاب های منتشر شده در یک سال، به چه دلیل طرح به صورت دوسالانه اجرا شد؟ مهم ترین دلیل آن، توجه به کیفیت آثار بود. نگران آن بودیم که آثار منتشر شده در یک سال، در مجموع دارای کیفیت قابل انتظار نباشند، حتی به خاطر دارم که زنده یاد امین پور، برای دوره نخست، آثار منتشر شده در چهار سال یا سه سال را پیشهاد کرد اما پس از وصول و بررسی آثار به این نتیجه رسیدیم که آثار یک سال هم می توانست به کیفیت مورد انتظار نزدیک باشد.

با این همه دوره کتاب سال شعر جوان هم به صورت

دوسالانه برگزار شد.

بله. مهم ترین دلیل این موضوع، مسائل مالی دفتر شعر جوان است. دفتر شعر جوان هزینه اجرای طرح و برنامه هایش را باید از طریق کمک دستگاه های فرهنگی دولت یا مجموعه هایی نظیر شهرداری و اشخاص حقیقی و حقوقی تامین کند. دوره اول این طرح با حمایت عمده سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران اجرا شد. دفتر شعر جوان قصد داشت دومین دوره طرح کتاب سال شعر جوان را در یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۸۶ اجرا کند اما با تغییر معاون هنری سازمان فرهنگی - هنری شهرداری مکاتبات و پیگیری ها برای اجرای مشترک طرح در سال ۸۶ بی نتیجه ماند. مجموعه این مسائل موجب شد که برای دومین دوره هم اجرای سالانه طرح میسر نشد و همانند دوره قبل ناچار شدیم کتاب سال شعر جوان را به صورت دوسالانه برگزار کنیم.

با این تفاوت که در دومین دوره، نام قیصر امین پور، به عنوان جایزه اضافه شد.

بله. قیصر در اولین دوره کتاب سال شعر جوان با ما و در کنار ما بود. متأسفانه به ناگاه این چهره عزیز و نجیب و ماندگار در عرصه شعر معاصر و به بیان روشن تر یکی از شاعران بزرگ تاریخ ادبیات ایران از میان ما پر کشید. به سبب نقش تاثیرگذار قیصر در شکل گیری

دفتر شعر جوان و با توجه به حضور ۸ ساله قیصر در این مجموعه، تصمیم بر آن شد که کتاب سال شعر جوان به نام قیصر مزین شود و از دومین دوره، این طرح به عنوان جایزه قیصر امین پور نامگذاری شد.

استقبال شاعران از دومین دوره کتاب سال چگونه بود؟

پس از اعلام فراخوان در اوایل سال جاری تا پایان مردادماه ۸۷ جمعاً ۱۸۰ کتاب شعر از شاعران جوان که در سال ۸۵ یا ۸۶ منتشر شده اند به دبیرخانه رسید که پس از بررسی مقدماتی و کنار گذاشتن حدود ۳۰ کتاب که واجد شرایط لازم نبودند، مرحله اول داوری با همکاری آقایان سعید بیابانکی، دکتر میربازل، محمود سنجر و شهرام مقدسی انجام شد. در پایان این مرحله در مجموع ۲۰ کتاب به مرحله نهایی داوری رسیدند که در این مرحله آقایان مفتون امینی، محمود معتقدی، موسی بیدج و خانم راکعی مسئولیت داوری را عهده دار بودند. پس از چند جلسه بررسی آثار، در مجموع هفت کتاب به عنوان برترین های کتاب سال مشخص و بدون رتبه بندی به عنوان کاندیداهای کتاب سال معرفی شدند.

چرا رتبه بندی در این مرحله اعلام نشد؟ یکی از تفاوت های دومین دوره کتاب سال شعر جوان با دوره اول که شاید بتوان آن را به عنوان یک



نوآوری برشمرد، همین نکته است که در این جایزه، تصمیم بر آن شد که قبل از مراسم نهایی و معرفی آثار برتر، هفت کتاب که دارای بیشترین امتیاز داوری شده اند، به مناسبت هفته کتاب در جلساتی جداگانه مورد نقد و بررسی قرار گیرند به همین سبب از تاریخ ۲۱ تا ۲۷ آبان طی هفت جلسه ویژه این آثار با حضور شاعران صاحب اثر، منتقدان و علاقه مندان در محل خانه شاعران معرفی و مورد نقد و بررسی قرار گرفتند.

اعتبار مالی این جایزه و هزینه برگزاری مراسم آن از چه طریق تامین شد؟

معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ستاد هفته کتاب، بیشترین سهم را در تامین اعتبارات و هزینه های مالی این طرح عهده دار بودند. ضمن آن که موسسه فرهنگی هنری دارینوش علاوه بر اعطای سه سکه بهار آزادی به برگزیدگان اول تا سوم و چهار نیم سکه بهار آزادی به شاعران تقدیری، بخشی دیگر از هزینه های این طرح را عهده دار شدند. همچنین از طرف شهرداری تهران به هر یک از هفت شاعر برگزیده، یک میلیون ریال بن خرید هدیه داده شد. خانه کتاب هم دو مجموعه صوتی شاهنامه و مثنوی مولوی به هر یک از هفت شاعر برگزیده اهدا کردند که از عنایت و حمایت همه آنان سپاسگزاریم. همچنین از همکاری بی دریغ مدیر عامل محترم خانه هنرمندان و خبرنگاران رسانه های عمومی در پوشش خبری این مراسم، صمیمانه تشکر می کنیم.

جنون های عقل آفرین و الهامات لاهوتی نیز با ذکر مثال ذکر شده است. مولوی برای ما ایرانیان و فارسی زبانان عظمتی ویژه و محبوبیتی ممتاز دارد و مقام عرفانی شاعرانه یا شعر عارفانه او در بلندا و اوجی است که بسیار فراتر از شاعران دیگر جهان قرار دارد.

یک دهان خواهیم به پهنای فلک

تا بگویم وصف آن رشک ملک

با این وجود از دیدگاه پژوهش های ادبی و ویژگی های ظاهری و این جهانی، مقایسه آن شاعر بزرگ با شاعران و عارفان بزرگ دیگر جهان خالی از اشکال است. با این امید که این گونه پژوهش ها با احتیاط و ژرف نگری دقیق و جامع الاطراف صورت گیرند و محملی برای مقایسه بزرگان دیگرمان چون حافظ، سعدی و... با شاعران ممتاز کشور های دیگر فراهم شود. کتاب حاضر در ۱۹۴ صفحه تهیه شده و در پایان ۱۲ نقاشی از ویلیام بلیک - که رنگ و بویی عرفانی و معنوی دارند - آورده شده است.

کتاب حاضر اولین بخش از مجموعه ای شش جلدی است که با محوریت تخیل منتشر می شود و دفترهای دیگر با عناوین وحدت، تجلی، تضاد، عشق، ظلم ستیزی، مبارزه با نفس، تلاش و انفعال، عقل، علم، حواس، روان شناسی، عرفان، الهام، مرگ و... منتشر خواهند شد. در دفتر اول که به معرفی آن خواهیم پرداخت تخیل از دیدگاه مولانا و ویلیام بلیک شاعر نام آور انگلیسی که به نقاشی و حکاکی نیز اشتغال و شهرت داشته مورد بررسی قرار گرفته و وجوه شباهت اندیشه و تخیلات این دو - هر چند فاصله زمانی و مکانی بسیاری دارند - مورد بررسی و بازنمایی قرار گرفته است. مولف که به این دو ارادتی ژرف دارد، اندیشه های عالی انسانی، خدا باوری، عرفان گرایی و عوالم مشترک شاعری و خردورزی آن دو را با شواهد و نمونه های مشابه نشان داده است. علاوه بر مشترکات، مولفه های ساختاری شعر مانند صور خیال (تشبیه، استعاره، نماد، تمثیل، تشخیص، (شخصیت انسانی دادن به اشیاء)، آشنایی زدایی و شوریدگی ها، بیخودی ها،

مولانا در کنار ویلیام بلیک



سید محمود سجادی: ادبیات تطبیقی شاخه جدیدی از نقد ادبی است که در ایران به طور مشخص با پژوهش های زنده یاد دکتر فاطمه سیاح آغاز شد و پژوهشگران دیگری در محیط دانشگاهی و غیر دانشگاهی راه او را ادامه دادند تا جایی که اینک خوشبختانه یک فصلنامه معتبر با سردبیری مهدی ممتحن در دانشگاه جیرفت در این حوزه تهیه می شود. خانم سهیلا

صلاحی مقدم از پژوهشگرانی است که در سال های اخیر به این مهم پرداخته و چند مقاله و سخنرانی در این زمینه به یادگار گذاشته است. مولف در کتاب «تخیل» کوشیده است فرهنگ جوامع انسانی را بررسی کرده و وجوه اشتراک آنها را باز نماید.



گذری بر اثر پروانه آگروپری با ترجمه عباس پژمان

نقشه سیاره شازده کوچولو

و چهارتا خار پرپرک برای دفاع کردن از خودش در برابر دنیا دارد. تنها نشانی که مار از خودش باقی می‌گذارد، فقط درخششی زرد در کنار قوزک پای شازده کوچولو است و نه چیز دیگر و رنگ زرد در فرهنگ مسیحیت، آنچنان که مترجم گفته است، نماد مرگ است. شازده کوچولو، آرام همچون درختی بر زمین افتاد و با این که گفته بود، جسمش سنگین است و نمی‌تواند آن را با خود به سیاره‌اش ببرد، اما با طلوع صبح، نشانی از آن بر زمین نمانده بود، همچون کالبد جسمانی سنت آگروپری که هرگز پیدا نشد.

آنتوان دوست آگروپری، ماهیتی آسمانی و پری وار از شازده کوچولو ارائه می‌دهد، شاید هم به آفرینش انسانی رویایی و فراواقعی از خود می‌پردازد. پس اگر یک روز به آفریقا و به صحرا سفر کردید، خواهش می‌کنم عجله نکنید، اندکی درست زیر آن ستاره منظر شوید. آن وقت اگر کودکی به طرف شما آمد و اگر خندید و اگر موهای طلایی داشت و اگر سوال‌ها را جواب نداد حتماً حلس خواهید زد که او کیست. آن وقت محبت کنید و نگذارید که من اینقدر غمگین بمانم، زود به من بنویسید که او برگشته است...

ترجمه عباس پژمان از این اثر را کتاب‌های کیمیا، وابسته به نشر هرمس در ۵۰۰۰ نسخه و به قیمت ۳۸۰۰ تومان منتشر کرده است.

باور مترجم در جای جای کتاب به چشم می‌خورد. به عبارتی کتاب با نقد دنیای آدم بزرگ‌ها که در واقع همان دنیای عقل و تفکر منطقی است آغاز می‌شود؛ آدم‌هایی که همه چیز را باید برای آنها توضیح داد، آنها به ویژه از زبان تصویر، یعنی زبان دنیاها، سوررئالیستی سر در نمی‌آورند. فقط بچه‌ها می‌دانند که دنبال چه هستند. آنها کلی وقت برای یک عروسک پارچه‌ای صرف می‌کنند و این عروسک، خیلی برایشان مهم می‌شود و اگر آن را از بچه‌ها بگیری به گریه می‌افتند...

نویسنده شازده کوچولو، حتی مرگی دیگر را برای قهرمان قصه‌اش که دوست دارد کودک بماند و از دنیای بزرگسالان، گریزان است رقم می‌زند؛ مرگی که با عقل و منطق جور در نمی‌آید. شازده کوچولو می‌خواهد به سیاره‌اش بازگردد، چرا که یک سال از ورودش به زمین گذشته و مار، تنها کسی است که می‌تواند او را به سیاره‌اش برساند. از سوی دیگر خیال شازده کوچولو راحت است که نقص فنی هواپیمای دوستش، برطرف شده و او هم می‌تواند صحرای کبیر را ترک کند و به مملکتش برود؛ دوست خلبانی که راوی داستان هم هست و دلش نمی‌خواهد شازده کوچولو او را تنها بگذارد اما شهريار کوچک داستان ما، باید برود چرا که مسئول گلی است که خیلی ضعیف و ساده لوح است

خواهند کرد... یا تاجری که سرگرم تجارت ستاره‌ها بوده و... اما مار، موجودی است که او را به شگفتی می‌آورد؛ ماری که هر فرد از خاکیان را لمس کند، او را به خاک برمی‌گرداند اما با شازده کوچولو که پاک است و از سیاره دیگری آمده چنین نمی‌کند. فقط به او می‌گوید: اگر دلت یک روز هوای سیاره‌ات را کرد من می‌توانم کمکت کنم. من می‌توانم... و وقتی شازده کوچولو از او می‌پرسد: چرا همه‌اش با معما حرف می‌زنی؟ پاسخ می‌دهد: همه‌شان را حل می‌کنم، یعنی تو را با حقیقت مرگ آشنا می‌کنم. آن گونه که پژمان می‌گوید: معما به آن چیزی می‌گویم که معنی آن آشکار نیست مار بود که مرگ را هم، همراه دانایی، نصیب بشر کرد و حالا فقط انسان‌ها هستند که می‌دانند می‌میرند و نه حیوانات!



روبه از شازده کوچولو می‌خواهد که او را اهلی کند، تا هم او را بهتر بشناسد و هم زندگی‌اش را از یکنواختی نجات دهد؛ فقط چیزهایی را می‌شود شناخت که اهلی‌شان کنی. آدم‌ها دیگر وقت برای شناختن هیچ چیز ندارند. همه چیز را حاضر و آماده از فروشندگی‌ها می‌خرند. اما چون هیچ فروشنده‌ای نیست که دوست بفروشد، آنها دیگر دوستی ندارند. اگر دوست می‌خواهی مرا اهلی کن!

کوچک شمردن عقل از دیگر مواردی است که به

زیبایی ستاره‌ها از گلی است که نمی‌بینیمش... چیزی که صحرا را زیبا می‌کند این است که در جایی از خودش چاهی پنهان کرده است... بی‌گمان زیبایی شازده کوچولو، شاهکار آنتوان دوست آگروپری نیز به زیبایی‌هایی است که در خود پنهان کرده؛ ظرافت‌هایی که بی‌گمان، همه خوانندگان را شگفت زده می‌کند و به اندیشیدن وامی‌دارد.

آنتوان دوست آگروپری سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳ را در آمریکا گذراند و در آخرین سال حضورش در این کشور، شازده کوچولو را نوشت و در همان جا به انتشار اثری پرداخت که از آن زمان تاکنون، پس از انجیل، پرخواننده‌ترین کتاب دنیا بوده است؛ کتابی که اگر چه به خاطر وجود رگه‌هایی از طنز می‌تواند برای کودکان هم دلنشین و خواندنی باشد اما مخاطب حقیقی آن، نه کودکان بلکه بزرگسالانی هستند که نماد و ادبیات نمادین را می‌شناسند.

عباس پژمان، شازده کوچولو را اثری سوررئال دانسته و پس از تعریف مکتب سوررئالیسم، به بیان مفاهیم مهم و اساسی آن پرداخته است. پژمان، رد اومانیسیم و تحقیر شدید عقل و همه آن چیزهایی که تحت سیطره عقل هستند، علاقه شدید به شگفتی‌ها و رازهای زندگی، طرد واقعیت عادی و توجه به سوررئال و پرهیز از شرح و توصیف و جایگزین کردن آنها با تصویف‌های کلامی یا بصری را از مبانی اصلی سوررئالیسم دانسته و آورده که همه این موارد در شازده کوچولو هم هست.

به باور پژمان، نویسنده در آغاز روایت، تصویری کشیده از مار بویایی که حیوانی را می‌بلعد و آن را بسیار زیبا توصیف کرده است، منظور از این زیبایی نه زیبایی ظاهر، که زیبایی از نوع دیگری است. در حقیقت آگروپری از ظاهر می‌گذرد و به کنه هر چیز می‌رسد. او بسیاری از زیبایی‌ها را تصویر نمی‌کند؛ تصویر چاهی که آبی در عمق آن هست و دیده نمی‌شود، تصویر ستاره‌ای که گلی در آن هست و دیده نمی‌شود و یا جعبه دربسته‌ای که گو سفندی در داخل آن است، بدون آن که دیده شود و شگفت آور آن که این گوسفند، همان گوسفندی است که شازده کوچولو آن را می‌خواهد. به عبارت دقیق‌تر این همان چیزی است که قهرمان داستان با تخیل خودش به آن شکل می‌دهد و منطبق با آرمان و آرزوی اوست.

آن گونه که پژمان می‌گوید، راز، یکی از مفاهیمی است که در سرتاسر کتاب، تکرار می‌شود: 'خانه ما رازی را در خود پنهان کرده بود. یا وقتی که برگشتی خدا حافظی کنی رازی را به تو هدیه خواهیم کرد.' سراسر کتاب شازده کوچولو، سرشار از مفاهیم رازآمیز است. مار، نخستین موجودی است که شازده کوچولو با او ملاقات می‌کند. اگر چه در راه، پادشاهی را دیده که به همه چیز حکومت می‌کرده و می‌پنداشته قدرت در درجه اول به عقل تکیه دارد. اگر به ملت دستور بدهی که بروند خود را به دریابیندازند شورش

نامه‌هایی به نشانی آسمان



خدا یا از تو به خاطر این که مرا دوست داری، متشکرم. از تو به خاطر خانواده‌ام که آنها نیز مرا دوست دارند متشکرم... خداوند، خیلی خوب است که تو می‌خواهی با من دوست باشی! من می‌خواهم یاد بگیرم که چگونه دوست خوبی برای تو باشم.

هر کس به روشی، متفاوت با دیگری خدا را صدا می‌زند و خواسته‌هایش را با او در میان می‌گذارد. شاید از این روست که گفته‌اند از هر کس به خداوند راهی هست و اوست که از رگ گردن به انسان‌ها نزدیک‌تر است. بچه‌ها نیز به زبان و روش خود، با آفریدگار خویش راز و نیاز می‌کنند و او را شریک خوشی‌ها و ناخوشی‌های خود می‌دانند.

باسهاف به بچه‌ها می‌آموزد هر چه در جهان وجود دارد آفریده خداوند است و او همه این نعمت‌ها و زیبایی‌ها را آفریده و در اختیار ما انسان‌ها گذاشته تا همدیگر را دوست داشته باشیم و راحت زندگی کنیم در عوض خدا هم از ما خواسته کارهایی انجام دهیم و با این روش شکرگزار نعمت‌هایش باشیم. برای مثال، یکی از وظایفی که بر عهده ماست، این است که دیگران را دوست داشته باشیم و به آنها کمک کنیم. ما باید کارهای خوب انجام دهیم و از بدی‌ها دوری کنیم و ... کتاب 'خدا و من' ۳۶۵ دعا برای ۳۶۵ روز سال را دربرمی‌گیرد: 'خدا یا به خاطر این روز نو از تو متشکرم. امروز، روز بازی، شادی و کارهای زیادی است که باید انجام داد. خدا یا در همه کارها به من کمک کن. امروز با من باش.' و به دیگر مسائلی می‌پردازد که کودکان با آن سروکار دارند. حسین فتاحی، نویسنده کودک و نوجوان، ویرایش این کتاب را به عهده داشته است.

سال‌ها پیش، انتشارات میترا، کتابی با عنوان 'نامه‌های بچه‌ها به خدا' با ترجمه دل‌آرا قهرمان منتشر و روانه بازار کرد؛ کتابی که بیش از کودکان، بزرگترها را تحت تأثیر قرار داد. بچه‌ها در این کتاب، به خدا نامه نوشته و خواسته‌ها و نگرانی‌های خود را با او در میان گذاشته بودند؛ بدون آن که بخش‌هایی از گفته‌های خود را نادیده بگیرند و اینک، پس از سال‌ها کتاب‌های بنفشه واحد کودکان و نوجوانان موسسه انتشارات قدیانی به انتشار کتابی با عنوان 'خدا و من' پرداخته است. پنی باسهاف نویسنده و طاهره بهادران مترجم کتاب 'خدا و من' هستند؛ کتابی که می‌کشد به کودکان کمک کند تا به خدا فکر کنند. درباره او چیزهای زیادی یاد بگیرند و با او ارتباط برقرار کنند. نویسنده بر آن است تا به کودکان یاد بدهد که با دقت به اطراف خود نگاه کنند به درخت‌ها، گل‌ها و میوه‌ها، زمین و آسمان، پرند ه‌ها، حیوانات اهلی و وحشی، دریا و ماهی‌های رنگ‌به‌رنگی که در آن شنا می‌کنند و ...



متأسفانه به رغم نزدیکی به دوران ما، مورخان در مورد شناسایی «میرزا» نه تنها گشاده دستی نکرده‌اند، بلکه اطلاعات اندکی از وی به ما رسانیده‌اند. گرچه دوران قاجار از لحاظ منابع تاریخی، مدارک، اسناد، خاطرات و سفرنامه‌ها بسیار غنی است و هر پژوهشگری در هر زمینه‌ای قادر است به منابع مورد اطمینان و قابل توجهی دست یابد، اما همین تاریخ، جز یادداشت‌هایی پراکنده، ناقص و اشارات اندک درباره سرآمد تعزیه سرایان ایران، اطلاعاتی در اختیار پژوهشگر قرار نمی‌دهد. کتاب «میرزا کاشانی در قلمرو تعزیه» که به همت سمانه کاظمی و از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده تلاش کرده است با وجود قلت منابع درباره زندگی و شیوه کار میرزا، پرده‌های تاریخی را کنار زند و میرزا را به مثابه یک هنرمند مذهبی و ملی معرفی کند.

سمانه کاظمی از «میرزا کاشانی، در قلمرو تعزیه» می‌گوید

تعزیه، سرمشق پیر بروک



و کل ارض کربلا است. مجلس ترکمن زوار امام رضا(ع) دارای چه ویژگی‌های دراماتیک و رویکردهای اجتماعی است؟

مجلس ترکمن زوار یک نسخه خلاقه است و در میان نسخه‌های دیگر تعزیه از ویژگی‌های اجتماعی عصر خویش بهره‌مند است که موضوع آن، نبود ثبات و امنیت اجتماعی، سلطه راهزنان در تمامی نقاط کشور است که حتی از زائران امام رضا(ع) نیز نمی‌گذرند.

میرزا با نشان دادن و اجرای این تعزیه در حضور ناصرالدین شاه تلویحا خواست بگوید، مملکت دستخوش ناامنی است و حتی زائران خراسان نیز از یورش راهزنان در امان نیستند. در عین حال خواست بگوید، فریادرس نهایی امام هشتم(ع) است، نه سلطان صاحبقران.

میرزا قصدش آن بود تعزیه‌ای اجرا کند که تعزیه‌خوآنان تهران آن را ندیده باشند. این تعزیه چون نو و تازه بود، تعزیه‌خوآنان تکیه دولت را مبهوت کرد اما میرزا نمی‌دانست با نمایش آن، خشم سلطان صاحبقران را علیه خویش برخواهد انگیزخت و برای همیشه از تکیه دولت اخراج خواهد شد و ناگزیر خواهد بود دارالخلافه ناصری را ترک گفته و به گوشه انزوی خود در کاشان بازگردد.

تعزیه‌های میرزا را از چه منبعی یافتید؟ بیش از سه سال با مرحوم استاد فیاض در ارتباط بودم و برای تدوین پایان‌نامه ساعت‌های طولانی طی جلسات مداوم با او گفت و گو می‌کردم. پس از آن نیز رابطه خود را با ایشان حفظ کردم و نسخه‌های میرزا را با کسب اجازه کتبی از خود ایشان گرفتم و با نظارت ایشان اصلاح و منتشر کردم. البته باید بگویم خواندن و ویرایش نسخه‌ها به علت کهنه و فرسوده بودن آنها، کار بسیار طاقت‌فرسایی بود.

را می‌فهمند و با آسودگی خاطر با آن رابطه برقرار می‌کنند. ارزش‌های هنر تعزیه نیز در عظمت شهادت و دلآوری شخصیت‌های محبوبش نهفته است چون شما پایان آن را می‌دانید اما به رغم این دانایی مشتاقید که صدها بار آن را تماشا کنید و مویه سر دهید. در تعزیه، موضوع مبهم، مجهول و ناپیدایی که شما را وادار به کشف آن کند، وجود ندارد. تراژدی است و تکلیف تماشاگر با آن یکسره است. افزون بر این استفاده از موسیقی و گوشه‌های غم‌انگیز و آوازهای خوش با تحریرهای خیال‌انگیز و صداها رسا و ضرباهنگ موسیقی ماتم‌زا و حماسی، به عظمت آن مدد می‌رساند.

علاوه اینکه مردم در تمام طول زندگی اجتماعی خود، شخصیت‌ها را در طول سال در میان خود می‌بینند و تا سال آینده که عاشورای دیگری برپا شود، با آنها هم‌نشین هستند. هر آبادی در هر کجای ایران می‌کوشد به اعتلای این هنر با حضور دائمی خود چه به عنوان شبیه‌خوان و چه به عنوان تماشاگر کمک کند.

نقش هاشم فیاض در اجرای تعزیه اصیل چگونه بود؟

استاد هاشم فیاض نابغه‌ای در هنر تعزیه بود. تعصبی که او به این هنر داشت غیرقابل توصیف است. او سوخته هنر تعزیه بود و اصرار داشت که هنر تعزیه نباید به راه آزمون و خطایفتد او در عین حال با هر بدعتی در هنر تعزیه مخالف بود. فیاض با اینکه در یگانگی‌ای در دریای هنر تعزیه بود اما خود را هیچگاه معین البکاء ندانست و می‌گفت: «من معین البکاء نیستم. من کارگردانم. طراح تعزیه‌ام.»

چرا پیش از ورود به مجلس شهادت حضرت سلطانعلی به بررسی تاریخی این واقعه پرداخته‌اند؟

خواستیم به این نتیجه دست یابیم که این نسخه منحصر به فرد دارای یک اساس تاریخی است و زاینده‌ذهن و تحلیلی آفریننده آن نیست. میرزا کوشیده است بر اساس واقعه تاریخی مربوط به هجرت حضرت سلطانعلی و وقایع آن، نسخه تعزیه‌ای ناب پدید آورد. جالب آن که این واقعه تاریخی نکته به نکته ملهم از واقعه تاریخی عاشورا در محدوده قلمروی دیگر است و این نشان دهنده برافراشته بودن پرچم سرخ قیام کربلا و تعبیر کل یوم عاشورا

در تمام طول تاریخ بشر، در هیچ کجای جهان هنری به گستردگی و تداوم هنر تعزیه نمی‌یابید. صدها هزار شبیه‌خوان و میلیون‌ها تماشاگر در صحنه بزرگی به وسعت ایران، از دورافتاده‌ترین روستاها تا کلان‌شهرها، همیشه این هنر ناب و تابناک را اجرا کرده‌اند، اجرا می‌کنند و اجرا خواهند کرد.

ریشه‌های روان‌شناسی تعزیه چیست؟ این پرسشی است که پاسخی مسوط می‌طلبد. اما به طور خلاصه باید گفت که خاندان نبوت از همان ابتدای طلوع اسلام مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، حتی در دوران حیات پیامبر اکرم(ص) و بعدها این ظلم را در آغاز دایره امامت می‌بینیم. می‌دانید که هانری کرین فرانسوی معتقد است که دایره نبوت از حضرت آدم آغاز و به حضرت محمد(ص) ختم می‌یابد و با ختم دایره نبوت، دایره ولایت و امامت آغاز می‌شود که مبحثی طولانی است.

می‌خواهم بگویم که دایره ولایت و امامت از همان آغاز مورد تهاجم و ضرب زورمداران و دنیاپرستان عصر خود بوده است. اوج این شقاوت و کینه‌ورزی در واقعه عاشورا خود در انجمن‌های می‌کند. هر چند اکثریت خاموش می‌دانند که حق به جانب کیست اما به واسطه خشونت حاکم بر جامعه جز صبوری، تحمل و سپس زاری و ندبه و تداوم آن، کاری از پیش نمی‌برند. مردم در درون خود همیشه با مظلومان و علیه ظالمان هستند. به ویژه ایرانیان، این ستم آشکار و تاریخی را بر نمی‌تابند و قیام‌های مردمی نشانگر مقاومت جمعی و شعله‌های خشم درونی ایشان است. حالا که مشت‌های ایشان تاب مقاومت در برابر شمشیرهای ظالمان را ندارد، هنر به فریاد می‌رسد و هنر تعزیه که خشم فراوان ملت ماتم‌زده است، از میان این بیداد، سر بر می‌کند و هیچ سدی نیز در برابر آن قادر به مقاومت نیست. بهتر بگویم سلاحی است که به شکل فریاد از گلو می‌رود مردم بر می‌خیزد.

زبان تعزیه دارای چه ویژگی‌هایی است و اساساً ارزش‌های تعزیه را در کجا باید جست؟

زبان تعزیه، ساده، روان، بی‌تکلف است و پیامش نیز این است خوب‌ها و بد‌ها در آن آشکار بوده و شیوه بیانش نیز سراسر است‌ترین شیوه ممکن در بیان هنری است. هیچ واژه یا تعبیر و ترکیبی در تعزیه نمی‌یابید که درک آن برای تماشاگر دشوار و غیرقابل فهم و درک باشد. از کودک، میانسال و پیر این زبان

با وجود اهمیت میرزا کاشانی چرا منابع تاریخی محدودی در مورد زندگی او در دسترس است؟

شاید هنرمندان عرصه تعزیه، چون از میان مردم برخاسته و به نان زراعت، قناعت می‌کرده‌اند و راهی به دربارها نمی‌جسته‌اند، فروتنانه از نام گذشته‌اند و جز شبی‌ای از خویش به جای نگذاشته‌اند. همچون نقالان بی‌شماری که در بستر تاریخ اجتماعی ایران، نقش مؤثری در احیای شاهنامه حکیم توس بازی کرده، اما نام و نشانی از آنها باقی نیست. چنین می‌نماید که تعزیه سرایان با سرودن تعزیه‌نامه‌ها و شبیه‌خوانی‌ها با کاروان عشق جاده‌های ایمان خویش به حرکت درمی‌آمده‌اند تا معبری در دل‌های مردم تشنه عدالت بجویند و جرس‌های مبارزه علیه ستم و ستمگران را در گوش تاریخ بنوازند.

میرزا که سرآمد ایشان است هم از این قاعده مستثنی نیست. به همین دلیل، همین قدر می‌دانیم که نامش سیدمصطفی اهل کاشان و مشهور به میرزا و تعزیه گردان تکیه دولت تهران در زمان ناصرالدین شاه بوده است و بیش از سیصد نسخه تعزیه از او باقی مانده و یا به او منسوب است. در عین حال اغلب تعزیه‌هایی که به ویژه در تهران خوانده می‌شود از سروده‌های اوست ولی از این نابغه تعزیه، حتی تذکره‌ها هم یاد نمی‌کنند و فرهنگ‌های لغت نیز یا نامی از او نمی‌برند یا مطلبی درباره‌اش ندارند.

چرا هنر تعزیه تا این حد در گستره هنرهای ملی ما شاخص است؟

اگر مردم، شاهنامه حکیم فرزانه توس را طی قرون و اعصار حفظ کرده‌اند، حماسه عظیم قیام و شهادت سرور آزادگان جهان حسین بن علی(ع) و واقعه بی‌بدیل عاشورا را نیز همچون ایمان خود، پاسداری کرده‌اند. هنر تعزیه به هیچ سبک، مکتب یا جریان ادبی و هنری شبیه‌ی او وابسته نیست. این هنر، مکتب مردم است که از مکتب عاشورایی سیراب می‌شود. شاعرانش - اگر چه با دایره واژگان محدود و احساسات رقیق - از مردم‌اند و نقش پوشان و شبیه‌خوانانش نیز از میان مردم عادی، اهل کسب و کار و پیشه زراعت برخاسته‌اند و تماشاگرانش نیز همان مردمی بوده‌اند که در پی مرهمی برای التیام زخم‌های تاریخی خویش بوده‌اند. زیرا قیام و شهادت حماسی حسین بن علی(ع)، یاران و خاندانش، بیرقی، علیه ظالمان و ستمگران به دست ایشان داده است که صدها سال در اهتزاز است.

زیبایی شناسی تعزیه

منوچهر لطفی زاد: در کشور ما هیچ هنری به اندازه تعزیه این چنین گسترده و تاثیرگذار نبوده است. بی‌گمان از این قدرت و نفوذ انکارناپذیر در رابطه تعزیه یا شبیه با شخصیت‌های مذهبی و به ویژه امام سوم شیعیان حسین بن علی(ع) است. آنچه سبب ماندگاری و پیشروی «شبیه» و دخالت اقبال بسیاری از مردم در این هنر ملی بوده، طلب اجر اخروی و ثواب آن جهانی از رهگذر اجرای تعزیه است. تاثیر قیام عاشورا بر فرآیند اجرای شبیه تنها به یک نسخه محدود نمی‌شود؛ این واقعه بزرگ تاریخی که به زعم هنرمندان شبیه‌نه‌تتها قیامی برای زمینیان بلکه برای آسمان‌زیست‌هاست، چنان بر مردم ما تاثیر گذاشت که هیچ نسخه تعزیه‌ای نیست که به نحوی از سرچشمه عاشورا ننوشیده باشد. در واقع، قیام امام حسین(ع) چون درخت تنومندی در مرکز هنر نمایش ملی ما قرار گرفته و تمام تعزیه‌ها نیز از

مدخل‌های قابل تاملی بر کاوش‌های فکری در زمینه تعزیه باشند. به عنوان مثال اولین فصل کتاب به روان‌شناسی تعزیه می‌پردازد و پس از آن گفت‌وگوهایی طولانی با مرحوم هاشم فیاض در کتاب آورده شده که حاوی اطلاعات فراوانی در مورد تعزیه‌های میرزا است. از دیگر نکات قابل توجه کتاب، جستارهایی است که در ابتدای هر تعزیه به توضیح راجع به نسخه مربوطه می‌پردازد. در این توضیحات به برخی از ویژگی‌های تاریخی، تناسبات اجتماعی و باورهای میرزا - در مقام سراینده نسخه - اشاره شده است. گرچه این توضیحات می‌تواند در نوع خود مفید واقع شود، اما نگارنده مشخص نکرده که این جستارها بر مبنای چه فکر، نظریه یا دیدگاهی استوار است. علاوه بر این، حتی نمی‌دانیم که در هر جستار دقیقاً چه اطلاعاتی طبقه‌بندی شده است، در واقع نویسنده در هر جستار اطلاعاتی را که لازم دیده ارائه کرده و در بررسی‌های خود وحدت رویه نداشته است.

همین درخت تنومند نشأت می‌گیرند. در میان صدها تعزیه‌سرای گمنامی که کوشیده‌اند به این واقعه بزرگ بپردازند، نام میرزا کاشانی، نامی درخشان و تاریخ ساز است و گرچه اطلاعات ما راجع به میرزا یا میرغم چنان اندک است که حتی مکان آرامگاهش را هم نمی‌دانیم، اما از لابه‌لای سطور تاریخ می‌توان از گستردگی شهرت او در تعزیه‌خوانی در عصر ناصری اطلاعاتی یافت. آوازه شهرت میرزا سبب شد که از کاشان به تهران بیاید و در تکیه دولت با تعزیه‌خوآنان تهران به سربرد. جالب آن که این هنرمند بزرگ گرچه مورد عنایت ناصرالدین شاه بود؛ اما از آنجا که مجلس ترکمن زوار را - که در آن گروهی راهزن به زائران امام رضا(ع) یورش برده و اموال ایشان را به غارت می‌برند - اجرا کرد، مورد غضب شاه وقت قرار گرفت.

کتاب «میرزا کاشانی» علاوه بر یافتن نسخه‌های اصیل میرزا و نقل آنها به طرح مباحث نظری کم سابقه‌ای نیز دست زده که می‌تواند



دکتر حمیرا زمردی از «نمادها و رمزهای گیاهی در شعر فارسی» می گوید

اساطیر سبز

نمادها و رمزهای گیاهی در شعر فارسی عنوان کتابی به قلم دکتر حمیرا زمردی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران است که اخیراً از سوی انتشارات زوار چاپ و منتشر شده است. حمیرا زمردی متولد ۱۳۴۷ تهران، دارای دکترای زبان و ادبیات فارسی است. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، به تحقیق و پژوهش در حوزه فرهنگ و ادبیات نیز می پردازد و تاکنون آثار متنوعی اعم از تالیف و ترجمه منتشر کرده است. وی «اسماعیلیه و قرامطه در تاریخ» را در سال ۷۷ از سوی نشر جامی و «متون نثر کارشناسی ارشد» را نیز از سوی انتشارات رزمندگان اسلام در سال ۸۰ منتشر کرد. نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق الطیر عطار و گزیده متون ادب فارسی وی نیز از سوی نشر زوار در سال ۸۲ به بازار آمد. حمیرا زمردی هم اکنون «تاریخ تحلیلی زبان فارسی» را در دست تالیف دارد که در آینده‌ای نزدیک منتشر خواهد کرد.



دوم کتاب به این موضوع پرداختم. مثلاً درخت همواره به عنوان صورت مثالی و نماد تجدید حیات و بازگشت به اصل واحد، آئینه تمام‌نمای انسان و انگاره منحصر به فرد نسب‌شناسی آدمیان محسوب می شده است. چنان‌که در مقدمه و در بخش رستاخیز آئینی نباتات و کتاب نقد تطبیقی ادیان و اساطیر نیز به تفصیل بدان پرداخته‌ام. نباتات نوعی حس همذات‌پنداری و یگانگی را در انسان به وجود می آورند. بزرگ‌ترین رمز قدسی درختان، درخت کیهانی است که همانند انسان ریشه در عالم بالا و سر در عالمی دیگر دارد و در واقع یادآور دستیابی به آسمان و گفت‌وگو با خداست و نیز نمودار گذر از عالم عین و شهادت به عالم غیب است یا نیلوفر در تفکرات قدسی و اساطیری ایران و آیین‌های هند و مصر، نماد برتر روشن بینی دل و تولد دوباره آن در پرتو نور خورشید است.

در واقع شما زبان نمادها و رمزها را یک زبان جهانی می‌دانید که میل به ایجاد وحدت و حذف کثرت‌ها دارند.

بله، به جهت این‌که نمادها و رمزها مرتب تکرار می‌شوند. ضمن این‌که در کهن‌الگوها شکل انحصاری پیدا می‌کنند. من برای اولین بار مطلبی را مطرح کردم درباره آئین زیر درخت نشستن، من در همان بخش باورهای عامیانه نباتی و آیین‌ها و باورهای اساطیری کتاب زیر درخت نشستن را یک آئین دانستم. در شعر سپهری می‌خوانیم که زارعان لبنانی زیر درخت محاسبه می‌کنند. حالا یا اعمالشان را یا میوه‌هایی را که به دست آوردند و... این نوعی تمرکز و اشراق به همراه دارد. این موضوع زیر درخت نشستن یک حالت رمزی و یک شکل کهن الگو پیدا کرده است. به رغم این‌که به آن به چشم یک کهن‌الگو نگاه نکرده‌بودند، من از کشف الاسرار و دیگر متون تفسیری استخراج کردم که در «بیعت الشجره» یا «بیعت الرضوان» رسول اکرم (ص) برای تجدید پیمان با مسلمانان زیر درخت حدبا گرد می‌آیند و بیعت می‌کنند.

چرا و در مسیر چه تطوراتی است که نماد موجب تکامل روحی انسان و پیشبرد او به سوی معنویت می‌شود و درکی زیبایی‌شناسانه به انسان می‌دهد؟ همان‌طور که از سطر هم به نظریه کارسازیس یعنی در واقع تزکیه نفس معتقد است که ادبیات نفس انسان را پالایش می‌کند، نماد هم همین‌طور است. نماد در درون انسان زندگی می‌کند. انسان هم با نماد زندگی می‌کند. همان‌طور که در آغاز مقدمه کتاب نوشته‌ام، گیاهان رمز روح هستند. همین درخت کیهانی که درختی واژگون است، در سنت یهودی و در بسیاری از آیین‌هایی که سراغ داریم، یک نماد ارتباط با خداست. کلاً در آیین‌های

مورد استفاده من در این تحقیق بودند اما آنچه که مهم است من از تفاسیر قرآن، تفسیر کشف الاسرار میبیدی و ابوالفتح رازی که بازتاب‌هایی از درختان مذهبی و درختان کیهانی و نمادهای تکوینی مربوط به آفرینش را مطرح کرده‌اند، استفاده کردم. بعد یک سلسله کتاب‌های مذهبی هندی مثل اوپانیشادها و گزیده‌های ریگ‌ودا و مهابهارات و رامویانا را تا جایی که مطالبی در باب مسائل تحلیلی گیاهی در آنها بوده، مورد استفاده قرار دادم.

سال گذشته یک استاد ژاپنی به نام تاواراتانی که استاد دانشگاه تهران است، کتابی به اسم «مار و کاج» منتشر کرده که نمادهای مشترک در فرهنگ ایران و ژاپن را مورد بررسی تطبیقی قرار داده بود. متأسفانه اطلاع نداشتم و چنین کتابی را ندیدم ولی حوزه‌ای که کار کردیم در آثار خانم دکتر پورخالقی چترودی تا حدودی آمده است. ایشان بعضاً به صورت پراکنده درباره گیاهان در ادبیات کار کرده و مقاله نوشته است. در مستندات کتاب خودم از ایشان نام بردم. موارد مشترک، فراوان است. مثلاً دکتر یاحقی هم به این مسائل اشاره کرده است ولی من نکته‌های تازه‌ای از متون مختلف کشف و استخراج کردم که شاید با کار دیگران تا حدودی متفاوت باشد. نام‌گذاری‌هایی که انجام دادم، جدید بود و الگوهایی که در این کتاب در باب مسائل گیاهی ارائه دادم خیلی متنوع و در عین حال منسجم است. یعنی در واقع می‌خواستم موارد کاربرد این گیاهان در ادبیات را به شکل الگویی نشان بدهم مثلاً تمام موارد طبی این گیاهان را نیاوردم. این گیاهان را به صورت مشت نمونه‌خروار و به عنوان الگو مطرح کردم.

البته کارهای تطبیقی فراوانی هست که قبلاً به صورت پراکنده انجام شده است. این تحقیقات معمولاً جهت‌گیری‌های خیلی تخصصی دارند. مثلاً فقط در باب اسطوره است یا در باب یک موضوع تطبیقی است اما من به مستندات پرداختم که مربوط به شعر و ادب فارسی باشد. یعنی اگر رمز یا نمادی در شعر فارسی بازتاب داشته مورد توجه قرار دادم. مثلاً کارم یک تحلیل سطحی و بی‌برنامه نیست. با توجه به تخصص خودم، تا رمز و نمادی مربوط به ادبیات نباشد، آن را در کار لحاظ نمی‌کنم چون به حوزه کاری خودم وفادارم.

شما معتقدید که نمادها و تمثیل‌ها همواره در تاریخ ادیان و اعماق ذهن و روان بشر از تداوم وحدت و ثبات خاصی برخوردارند. با چه مولفه‌ها و استنادی به این نتیجه رسیده‌اید؟

به خاطر این‌که الگوهایی که از جنبه‌های تصویری و تحلیلی در شعر فارسی وجود دارد، همگی به دنبال یکدیگر هستند یعنی در بخش اول و بخش

وارد این حوزه بشود سردرگم خواهد شد. چون ریزبینی شاعران این سبک بسیار زیاد و مضمون‌یابی در این سبک بسیار گسترده است. من نمی‌خواستم در این تحقیق بیش از حد به جنبه‌های ادبی پردازم چون این کار صرفاً حالت ادبی پیدا می‌کرد و کاربردهای ادبی تکرار می‌شد. در نتیجه حاصل کار کمی پیچیده می‌شد و گرچه احساس می‌کردم مقبول‌ترین دوره شعر فارسی از دوره رودکی (قرن چهارم) تا دوره شاعران بزرگ ایران (قرن هشتم) است.

یعنی از دیدگاه شما شعر فارسی دوران افول خود را طی می‌کند؟

واقعیت هم همین است. من احساس می‌کردم اوج شعر فارسی به لحاظ قدرت و کارکرد تصویر و به لحاظ بیان و مضمون پرداززی و جنبه‌های زیبایی‌شناسیک همین مقطع است. یعنی در فاصله قرن چهارم تا قرن هشتم است. بعد می‌رسیم به شعر معاصر که شعر معاصر هم کاملاً به لحاظ مویف‌ها و تصویرها با شعر کلاسیک فرق دارد و متنوع‌تر می‌شود. ما در شعر سبک هندی هم معمولاً ادامه سبک و سنت تصویری و فکری قرن هشتم به قبل را داریم، یعنی شعر معاصر از هر نظر با شعر کلاسیک فارسی تفاوت دارد و به همین دلیل پنج تن از شاعران معاصر را انتخاب کردم که نمایندگان برجسته گونه‌های مختلف شعر نو و نیمایی در دوران معاصر هستند.

در مقدمه کتاب اشاره کرده‌اید که برای تحقیق و پژوهش در این زمینه از منابع پیش از اسلام و بعد از اسلام بهره گرفته‌اید این منابع چه آثاری بودند؟ در بخش پایانی کتاب، منابع مورد نظر من نام بردم مثلاً متون پهلوی بودند که ترجمه شده‌اند و من از آنها استفاده کردم. یا منابعی مثل گزیده‌های زاداسپریم، روایت پهلوی و بندهشن که بعضاً در مباحث تحلیلی از آنها بهره گرفته‌ام. در این میان منابعی چون قرآن مجید، مجموعه رسائل شیخ اشراق، اوستا، فرهنگ اساطیر و بیشتر از جمله منابع

درخت همواره به عنوان صورت مثالی و نماد تجدید حیات و بازگشت به اصل واحد، آئینه تمام‌نمای انسان و انگاره منحصر به فرد نسب‌شناسی آدمیان محسوب می‌شده است

الان روی چه موضوعی کار می‌کنید و کتاب بعدی شما چیست؟

الان مشغول کار روی کتاب تاریخ تحلیلی زبان فارسی هستم و بیشتر وقت من صرف تحقیق و پژوهش برای تالیف این کتاب می‌شود. در واقع سعی دارم کتاب تاریخ تحلیلی زبان فارسی را زودتر از دیگر کتاب‌هایم منتشر کنم.

ظاهراً در زمینه تاریخ زبان فارسی اخیراً یک کتاب از سوی انتشارات زوار منتشر شده است.

درست است. این کتاب به قلم استاد دکتر خسرو فرشیدورد تالیف و منتشر شده است که از هر نظر با کتاب من فرق دارد. هر کدام از ما با رویکرد خاص خودمان به سراغ تاریخ زبان فارسی رفته‌ایم و در این میان من با رویکرد تحلیلی به تاریخ زبان فارسی پرداخته‌ام. من حدود ده سال است که تاریخ زبان فارسی را تدریس می‌کنم به همین دلیل بیشتر جنبه تحلیلی کار را مدنظر داشتم و بیشتر به لحاظ ادبی روی تاریخ زبان فارسی کار می‌کنم چون دیگران از منظر زبان شناختی به تاریخ زبان فارسی پرداخته‌اند.

اخیراً کتاب «نمادها و رمزهای گیاهی...» را منتشر کرده‌اید. چه شد که به سراغ چنین مضمونی در شعر فارسی رفتید؟

یک بخش از کتاب «نقد تطبیقی ادیان و اساطیر...» مسئله آفرینش بود که در قسمتی از این کتاب به موضوع نباتات پرداختم. البته خیلی مختصر به این موضوع پرداختم. یعنی فقط در سه اثر یعنی شاهنامه، مخزن الاسرار و منطق الطیر به این موضوع توجه شده است. در این فاصله به فکر رسیدن که تمام جنبه‌های مسئله تصویرگرایی را از نظر زیبایی‌شناسی که بخش دوم کار من است و کاربردهای ادبی و... را به صورت تحلیلی مورد نظر قرار دهم و پس از آن متون نظم و نثر مهم و تاثیرگذار ادبیات فارسی را - از رودکی تا شاعران معاصر - مورد توجه قرار دادم. البته یک سلسله کارهای جدید هم درباره نباتات دارم که با عنوان «رستاخیز آئینی نباتات» نگاشته شده است.

چرا محدوده تاریخی این تحقیق را از آغاز تا قرن هشتم در نظر گرفته‌اید؟ و بعد به دوران معاصر می‌پردازید؟ چون به این ترتیب نوعی خلأ از قرن هشتم تا دوران معاصر در این تحقیق به وجود آمده است.

به دلیل این‌که احساس می‌کردم اوج شعر فارسی از آغاز تا قرن هشتم هجری است. به لحاظ ذوق هنری من اشعاری را که تا قرن هشتم سروده شده می‌پسندم و اشعار سبک هندی چندان مورد علاقه‌ام نیست. شعر سبک هندی حوزه‌ای بسیار گسترده است که نیاز به تخصص دارد و اگر کسی بخواهد

دکتر احمد توکلی، مؤلف کتاب‌های روزنامه‌نگاری از تازه‌ترین آثارش می‌گوید

رسانه از حاشیه تا متن



خبرنگارانی را داریم که بدون سابقه چشمگیری ناگهان به عضویت تحریریه‌ها درمی‌آیند.

وقتی فرآیند روزنامه‌نگاری را در کشور بررسی کنیم، می‌بینیم همه این مسائل مثل یک زنجیره حیات به هم متصل هستند. یعنی شما نمی‌توانید روزنامه‌نگاری این گونه است یا چرا وضعیت خبرنگاران آن گونه است. چرا خبرنگاری پله‌های ترقی را طی نکرده به تحریریه یک روزنامه راه پیدا می‌کند. اینها همه به نوعی به یکدیگر مربوط می‌شوند. این طور نیست که بگویید چون دانشکده‌ها وضعیت خوبی ندارند روزنامه‌های خوب نداریم. برعکس این موضوع هم صادق است. من می‌خواهم بدانم روزنامه‌های ما از من استادان دانشگاه چه می‌خواهند تربیت کنم و به ایشان بدهم؟

نقش مدرسان روزنامه‌نگاری را در تربیت روزنامه‌نگاران چگونه تبیین می‌کنید؟ به خصوص که افرادی که هم تجربه عملی روزنامه‌نگاری داشته باشند و هم نظریه پرداز این عرصه باشند بسیار اندک هستند.

ما استاد کم نداریم. امروز استادان با سابقه و با تجربه که کار روزنامه‌نگاری هم کرده باشند کم نیستند. واقعیت این است که در دنیا هم این طور نیست که همه استادان دانشگاه‌های روزنامه‌نگاری درجه یک باشند. عده‌ای هم هستند که رفتند چند تا کتاب مطالعه کردند و همان‌ها را تدریس می‌کنند. ما در دانشگاه‌ها معجزاتی از همه استادان داریم. همین تعداد استادانی که در این رشته تدریس می‌کنند تا حدودی قابل قبول است. ما با توجه به کل روزنامه‌ها و رسانه‌ها مگر چقدر نیاز به خبرنگار و روزنامه‌نگار داریم که در سال این همه دانشجوی روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌های آزاد دولتی پذیرش می‌شوند؟ این تعداد فارغ‌التحصیل کجا باید مشغول کار شوند؟ وقتی تعداد دانشجویان زیاد شد باید به دنبال استاد هم باشید در نتیجه نمی‌توان برای همه، استادان درجه یک پیدا کرد. در کلاسی که پنج تاده دانشجویان باشد استاد می‌تواند به آنها بیشتر برسد، کار سفارش بدهد و کارها را مطالعه و تصحیح کند. اما وقتی در یک کلاس تعداد دانشجویان به پنجاه شصت نفر رسید، چه باید کرد؟ طبیعی است که سطح کیفی کلاس پایین می‌آید. در این عرصه فقط بحث استادان مجرب مطرح نیست چون خیلی از امکانات باید فراهم باشد تا حاصل کار مطلوب باشد.

آیناز محمدی: "خبرنویسی پیشرفته به زبان ساده" عنوان کتابی به قلم دکتر احمد توکلی است که در آستانه چاپ قرار دارد. دکتر احمد توکلی متولد ۱۳۳۶ طبرس دکترای مدیریت رسانه دارد و از سال ۶۰ تا امروز در عرصه مطبوعات کشور حضوری موثر داشته است. وی در عین حال سال‌هاست که در دانشگاه‌های مختلف به تدریس رشته روزنامه‌نگاری می‌پردازد. دکتر احمد توکلی تالیف چندین عنوان کتاب در حوزه رسانه و روزنامه‌نگاری مانند گزارش‌نویسی در مطبوعات، "ویراستاری و مدیریت اخبار"، "مصاحبه خلاق"، "مثلث طلایی نوشتن"، "مصاحبه حرفه‌ای" (با همکاری احسان بخشنده) و "زبان تخصصی برای روزنامه‌نگاران" (با همکاری دکتر وحید عقیلی) را در کارنامه دارد.

روزنامه‌نگاری به عقیده من شیوه درستی نیست. مثلاً یک دانشجوی رشته روزنامه‌نگاری تا سال سوم دانشگاه اصلاً نمی‌داند وارد چه رشته‌ای شده و چه باید بکند و هیچ شناختی نسبت به این حرفه ندارد. بنابراین این دسته از دانشجویان در زمان انتخاب رشته مرددند که رشته‌شان شناسی را انتخاب کنند یا رشته جامعه‌شناسی را یا رشته روزنامه‌نگاری را؟ در هر صورت عده‌ای از سر ناچاری وارد این رشته می‌شوند. طبیعی است که ما نمی‌توانیم چنین دانشجویی را در کلاس درس به یک روزنامه‌نگار خوش ذوق تبدیل کنیم. به هر حال در دانشکده سلسله آموزش‌هایی به دانشجو داده می‌شود و آنهایی که استعداد و علاقه دارند موفق می‌شوند و آنهایی هم که از ابتدا برای این حرفه ساخته نشده بودند دنبال کار دیگری می‌روند البته به نظر من ابتدا باید به این مسئله پاسخ داده شود که چرا یک نفر این رشته را در دانشگاه انتخاب می‌کند؟ آیا واقعا انتخابی در کار هست؟ یا وارد این رشته می‌شوند. برخی از این دانشجویان توانایی نوشتن یک انشای ساده را هم ندارند و شما اگر بهترین استادان رشته روزنامه‌نگاری را هم برای در نظر بگیرید باز هم بی‌فایده است.

با توجه به نشر الکترونیک و روزنامه‌های الکترونیک، آینده روزنامه‌نگاری را چگونه می‌بینید؟

آینده روزنامه‌نگاری الکترونیک بحثی است که در اغلب محافل و مجامع وجود دارد. برخی اعتقاد دارند روزنامه‌های چاپی منسوخ می‌شوند عده‌ای می‌گویند هرگز این اتفاق نمی‌افتد اما به نظر من در کشور ما اگر هم بخواید چنین اتفاقی در عرصه چاپ و نشر بیفتد فرآیندی بسیار طولانی خواهد بود. شاید در غرب به دلیل رشد صنعتی و فرهنگ استفاده از این ابزار و به خاطر عادت‌هایشان در استفاده از کامپیوتر و اینترنت و وسایل الکترونیک دیگر و پیشرفت‌های ناشی از این امکانات، روزنامه‌نگاری الکترونیک شتاب بیشتری پیدا کند اما در کشور ما با سرعت پایین اینترنت و کمبود ابزارهای لازم، روزنامه‌نگاری الکترونیک باید فرآیندی طولانی را طی کند. به هر حال فرآیندی که روزنامه‌نگاری چاپی می‌طلبد یعنی به لحاظ فکر کردن، به لحاظ نوشتن و به لحاظ تکنیک‌های تفاوت‌چندانی با روزنامه‌نگاری الکترونیک ندارد. فقط در بحث رسانه و نوع انتقال پیام ممکن است تغییراتی به وجود بیاید.

به نظر من این بحث حول فناوری روز وجود دارد. ولی کلیت این فرآیند مثل سبک خبررسانی یعنی همان سبک هرم وارونه که خیلی سنتی هم هست هیچ وقت منسوخ نمی‌شود. حتی اگر روزنامه‌نگاری الکترونیک هم در کشور ما گستره وسیعی پیدا کند، باز جای روزنامه‌های چاپی را نخواهد گرفت.

در کتاب "قدرت‌های جهان مطبوعات" خوانده‌ام که روزنامه‌نگاران در کشوری مثل ژاپن چگونه مدارج ترقی را طی می‌کنند تا به تحریریه یک روزنامه معتبر راه پیدا کنند؛ اما در کشور ما

آقای دکتر توکلی هفتمین کتاب شما در آستانه چاپ قرار دارد. این کتاب با چه عنوانی منتشر می‌شود؟

با عنوان "خبرنگاری کاربردی به زبان ساده" از سوی انتشارات ثانیه که مدیریت آن برعهده من است چاپ و منتشر می‌شود.

شما در این کتاب چه رویکردی دارید؟ چون در زمینه خبرنویسی کتاب‌های متعددی در بازار هست که هر کدام مخاطبان خاص خود را دارند.

تفاوت این کتاب به لحاظ شکل و محتوا و موضوعات در این است که من سعی کرده‌ام کاری متفاوت‌تر از آنچه که در بازار هست به مخاطب عرضه کنم. حقیقتش این است که من خودم هم اعتقاد ندارم که ما باید کارهای مشابه به موازات هم تولید کنیم. مثلاً کتاب "مثلث طلایی نوشتن" بیشترین مباحث آن درباره مقاله‌نویسی و یادداشت‌نویسی در مطبوعات است. شما وقتی این کتاب را با کتاب بسیار خوب "مقاله‌نویسی" آقای قندی مقایسه کنید می‌بینید مطالب این دو کتاب اساساً با یکدیگر تفاوت دارند. کتاب آقای قندی از منظری دیگر به موضوعات مورد نظر می‌پردازد و موضوعات مورد نظر من در کتاب "مثلث طلایی نوشتن" چیز دیگری است. در کتاب "خبرنویسی پیشرفته به زبان ساده" هم سعی شده مطالب بیشتر کاربردی باشد و با مثال‌های متعدد و با زبان ساده از چهارچوب‌های متعارفی که دیگران در کتاب‌های خود مطرح کردند فراتر برود. یعنی اگر دانش‌آموزی هم بخواهد با فرآیند و شیوه خبرنویسی آشنا شود بتواند از این کتاب حداکثر استفاده را ببرد یا کسی که در حال حاضر روزنامه‌نگار است و در نشریه‌ای فعالیت می‌کند این کتاب برایش نکات جدیدی داشته باشد. در این کتاب سعی شده مباحث جدید روزنامه‌نگاری حداقل در تدوین و تهیه خبر و مسائلی از این قبیل را توضیح بدهم. من نه‌این که بخواهم مدعی اکتشاف جدیدی در این عرصه باشم بلکه می‌خواستم کمبودهایی را که در حوزه خبرنویسی در منابع موجود احساس می‌شد را رفع کنم.

غالباً این سوال مطرح می‌شود که چرا دانشکده‌های روزنامه‌نگاری در تربیت نیروی کار و خبرنگاران خبره چندان موفق نبوده‌اند و اکثر روزنامه‌نگاران فعال در ایران فارغ‌التحصیل رشته ارتباطات نیستند، هر چند آمار شاغلان این عرصه هم این موضوع را تایید می‌کند. شما این مسئله را چگونه آسیب‌شناسی می‌کنید؟

به نظر من، در این زمینه نمی‌توان دانشگاه‌ها را مقصر اصلی قلمداد کرد. چرا که روزنامه‌نگاری حوزه عمل است نه حوزه شعار و حرف. از طرفی روزنامه‌نگاری نیاز به ذوق و خلاقیت دارد. به همین دلیل تاکید می‌شود که آن دسته از افرادی که در این رشته تحصیل می‌کنند، اگر بخواهند روزنامه‌نگاران خلاق بشوند و تولیدات خوبی داشته باشند، باید قبل از هر چیز نبوغ، خمیرمایه و سرشت روزنامه‌نگاری داشته باشند. متأسفانه در ایران شیوه گزینش دانشجویان از پایه و اساس غلط است. یعنی نحوه ورود دانشجو به رشته

خاور دور هم همین طور است و بالا رفتن از درخت یک مسئله نمادین است که برای راز و نیاز و گفت و گو با خدا صورت می‌گیرد. به هر حال اینها همه این تفکرات نمادین انسان را متوجه مسائل ماورایی می‌کند. چنان که به یونگ هم استناد کرده‌ام که یونگ به نحوی همین حرف را زده است. دنیای حیوانی به جز پرندگان نماد مسائل جسم هستند. شما می‌بینید که در اشعار پروین اعتصامی در منطق الطیر عطار و کلیده و دمنه حیوانات رمزا و الگوهای رفتاری انسان و صفات مختلف انسان هستند. اسب نمودار نجابت انسان است یا گاو نمودار شهوت است. یا مثلاً خوک نمادی از نفس پلید انسان است. تجسم این موارد در گیاه در حیوان و در پرندگان هر یک نمادی را تداعی می‌کند یا رمزی را ایجاد می‌کند که بشر به چیزی غیر از آنچه می‌بیند و محسوس است، فکر کند.

شما نماد شاعرانه را همواره تجسم و تیلور رازهای ناخودآگاه فردی و جمعی هر قوم و تمدنی معرفی کرده‌اید. گفته‌اید نمادهای ناب طبیعی از قدیم الایام دارای وجه‌های ماورایی بوده‌اند. آیا نماد شاعرانه و غیر شاعرانه داریم؟ یا...

منظورم این نبود که نماد را به شاعرانه و غیر شاعرانه تقسیم بندی کرده باشم. شاید منظورم این است که شاعران با زبان و بیان شاعرانه می‌توانند به حیات نمادها تداوم بخشند یا الگویی به وجود بیاورند که شاعر دیگری هم از آن استفاده کند. چون زبان و بیان شاعر در حالت الگویی و به نمادها انسجام می‌بخشد. الان در شناخت بسیاری از الگوها و نمادها به مستندات چون شعر حافظ ارجاع می‌دهیم ولی مثلاً از ادبیات شفاهی آنچه که مردم به زبان می‌آورند تنها گفتار و نقل قولی باقی می‌ماند. باید قبول کنیم در بیان شاعرانه نماد متعالی‌تر است، عمر طولانی تری دارد و بیشتر مورد قبول جامعه قرار می‌گیرد.

در حوزه نمادپردازی چه وضعیتی داریم؟ مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته و پژوهش‌هایی که منتشر شده در چه سطحی است و با چه کمبودهایی در حوزه این گونه پژوهش‌ها مواجهیم؟

این وادی، یک وادی گسترده و ظریف است و ورود به آن کمی دشوار است. خودم هم این را قبول دارم. پس از سال‌ها که سابقه مطالعه و تدریس در این زمینه دارم و تجربه‌ای که روی مباحث تطبیقی پیدا کردم شاید این موضوعات و مسائل در من درونی‌تر و نهادینه‌تر شده باشد. ولی اگر کسی بخواهد وارد این حوزه شود باید پذیرفت که وادی بسیار دشواری است و هنوز جای کار فراوان دارد. الان مثلاً در زمینه داستان‌های رمزی در ادب فارسی کار دکتر پورنامداریان و یا بعضاً نکته‌ها و اشاراتی در فرهنگ اشارات دکتر شمس‌ا و فرهنگ اساطیر دکتر یاقی، اینها به صورتی گنجانده شده است اما وضعیت شاخصی ندارد. غیر از دکتر پورنامداریان که کلاً موضوع رمز و داستان‌های رمزی در کارشان بسیار واضح است و کارشان خیلی متبحر هستند. کتاب دکتر پورنامداریان یک الگوی بسیار خوب برای مطالعات رمزی و ادبیات رمزی است. در زمینه نمادها کار چندانی صورت نگرفته است. خانم سودابه فضائلی نیز فرهنگ نمادها را کار کرده‌اند و تاکنون سه جلد آن را منتشر کرده‌اند. خودم از مقدمه این کتاب که مولف آن آقای ژان شوالیه و دیگران هستند، الگوبرداری کردم و یا در قسمت نمادها می‌بینم که فلاسفه و اهل عرفان خیلی بیشتر کار کرده‌اند اما آن تحقیقات ربطی به ادبیات پیدا نمی‌کند. ادبیاتی‌ها هم به نظر من باید از حوزه خودشان کمی فراتر بروند تا به نماد برسند و در این راستا باید آثار پیش از اسلام و آثار سهروردی و شیخ اشراق و ابن سینا و... را بیشتر مورد مطالعه قرار دهند. مطالبی در آثار این بزرگان هست که ذهن انسان را بیدار می‌کند. ولی این مطالب صرفاً ادبی نیست. شناخت بهتر و بیشتر نماد مستلزم این است که مطالعات ما صرفاً ادبی نباشد. اما پلی به سمت ادبیات داشته باشد تا بتوانیم در ادبیات یک کار نمادگرایی مختص ارائه کنیم.

مروری بر کتاب «سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام»

روایت یک استحاله

به عنوان یک گروه تروریستی که رسماً مورد حمایت دولت بعثی صدام قرار داشته است بخش‌های اصلی نخبگان سیاسی و افکار عمومی کشورهای غربی و خاورمیانه، متأثر از موفقیت‌های دیپلماتیک و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و هماهنگ با گسترش فضای جهانی ضدتروریسم در سال‌های اخیر، آن را مطرود و محکوم ساخته‌اند. حتی گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج کشور نیز سازمان مجاهدین را یک فرقه تروریستی با ایدئولوژی خون و خشونت توصیف می‌کنند. در چنین فضایی، انجام پژوهشی علمی با تأکید بر استناد به منابع و اسناد معتبر و نگرش تحقیقی به منظور واکاوی ابعاد گوناگون موضوع و پاسخ به نیاز پژوهشگران و علاقه‌مندان اینگونه مباحث سیاسی تاریخی، سودمند به نظر می‌رسد.

چنانکه دگرگونی‌های شگرف ارتباطی و رسانه‌ای و گردش انبوه و روزافزون داده‌ها و اطلاعات در مسیرهای یکسویه و متقابل فناوری‌های پیشرفته درباره تمامی موضوعات دانش و آگاهی بشری، اقتضائات و نیازهای جدیدی در جامعه جوان ایرانی پدید آورده است که ضرورت تدوین چنین آثاری را بیش از پیش نمایان می‌سازد. علاقه‌مندی نسل جوان و نخبگان کشور به آگاهی‌های دقیق و عمیق‌تر از رویدادهای تاریخ معاصر ایران که منابع مستند اندکی درباره آنها وجود دارد، در همین راستا قابل ارزیابی است.

تحقیقی جامع، مستند و تحلیلی درباره تاریخچه گروهک موسوم به مجاهدین خلق و حاصل پنج سال تلاش گروهی از پژوهشگران تاریخ معاصر و علوم سیاسی در موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی است. بسیاری از اسناد و تصاویر این کتاب برای اولین بار ارائه و منتشر شده است. «سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام» به کوشش جمعی از پژوهشگران موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی برای نخستین بار در زمستان ۱۳۸۴ منتشر شده و در پاییز سال ۱۳۸۶ به چاپ سوم رسیده است.



اقتضای مختلف مردم ضمن تقیید به تسمیه این گروه به نام «منافقین» و قرار دادن آن در کنار صدام، عامل تجاوز خونین به کشور و تحمیل جنگ، اعلام براءت از این گروه در شعارهای خود را وظیفه دینی و انقلابی می‌دانند. بسیاری از نظرسنجی‌ها به شیوه علمی نیز آشکار ساخته که در نظر اغلب مردم، منافقین به عنوان گروهی که برای دستیابی به قدرت، خون بی‌گناهان بسیاری را بر زمین ریخته‌اند، شناخته می‌شوند. علاوه بر این در فضای بین‌المللی، به ویژه پس از اعلام مواضع رسمی دولت آمریکا در آبان ۱۳۷۳ (اکتبر ۱۹۹۴) و مواضع مشابه چند کشور غرب اروپا و سپس اتحادیه اروپا مبنی بر شناسایی این سازمان

موضوع این پژوهش، بررسی و تبیین مستند تاریخی، ایدئولوژی، مواضع و عملکرد نیمه مخفی و مخوف گروهک موسوم به مجاهدین خلق ایران (منافقین) است. مجاهدین خلق به دلایل متنوع و مختلفی از دهه پنجاه شمسی به بعد در بین گروه‌ها و احزاب ایران مطرح شد. چگونگی داوری موجود درباره این گروهک به شرح ذیل قابل توصیف و دسته‌بندی است. در فضای نیروهای روشنفکری با تأکید بر وجه خشونت‌ورزی و شورشگری مسلحانه در هویت و استراتژی این سازمان، غالباً نسبت به آن از موضع نفی و مخالفت سخن می‌گویند و آن را مانع تعمیق و گسترش مردم‌سالاری در فضای سیاسی کشور برمی‌شمارند. از سوی دیگر افکار عمومی

کتاب سه جلدی «سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام» از آن دست کتاب‌هایی است که خیلی زود مورد توجه علاقه‌مندان تاریخ معاصر ایران قرار گرفت، چنان‌که در کمتر از سه سال به چاپ سوم رسید. این نکته زمانی بیشتر اهمیت می‌یابد که بدانیم در کتاب‌هایی که با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی و با شیوه‌های علمی نوشته شده‌اند مخاطب عمومی، کمتر مورد توجه مولفان بوده است. توجه به کتاب‌هایی از این دست کمتر در ایران سابقه داشته است و این نکته نشان می‌دهد مولفان در کار خود موفق بوده‌اند تاریخ‌نگاری مستند نیز بر ارزش‌های آن افزوده است.

موفقیت کتاب «سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام» در جایزه جلال آل احمد را می‌توان از چند جنبه مورد توجه قرار داد؛ اولین و مهم‌ترین نکته را باید در نوع تفکر جلال آل احمد دید. جلال اندیشمندی از جنس استقلال بود. او در آثارش، همواره خواستار اندیشه‌ای سالم و روشن بود. از همین رو روشنفکران خیالی و بی‌ریشه را نقد کرد. او بر خلاف جریان متداول به اعتراض به کسانی پرداخت که موج سواران روزگار بودند. کتاب «سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام» نیز از این رو دارای اعتبار است که جدا از همه مسائلی که مطرح شده و می‌شود، با استناد به واقعیات مستند، بخشی مهم از تاریخ معاصر ما را ثبت کرده است. بیان گزاره‌های مختلف تاریخی در کنار هم، یکی از عواملی است که این پژوهش را ارزشمند کرده است.

در جلد اول این کتاب زمینه‌ها و حوادث منجر به تأسیس مجاهدین خلق (منافقین)، اهداف موسسان و عملکرد آن مورد توجه قرار گرفته است. جلد دوم به بررسی بحران‌های داخلی، تغییر مشی و ایدئولوژی، تصفیه‌های درون گروهی، انشعاب و عملکرد تروریستی منافقین پس از پیروزی انقلاب پرداخته و در جلد سوم این مجموعه، عمدتاً عملکرد منافقین در همکاری با صدام و آمریکا پس از فرار از ایران و سیر و فروپاشی آن بررسی شده است.

نگاهی به کتاب «عصر فترت در ایران سده‌های میانی»

رویش در عصر فترت



حمله چنگیز خان به ایران و پس از آن حکومت ایلخانان مغول بر کشور، دوران مصیبت باری را برای ایران رقم زد. اما پایان سلطه مغول به معنای پایان آشوب و مصیبت نبود و تا ظهور امیر تیمور گورکانی که خود دهشتی بزرگ برای ایران بود دورانی سرشار از آشوب جنگ و خونریزی و کشمکش میان مدعیان قدرت شکل گرفت. در این دوره که به عصر فترت معروف است، هم‌زمان پانزده - شانزده قدرت

موازی در ایران حضور داشتند و با یکدیگر در ستیز بودند.

کتاب «عصر فترت در ایران سده‌های میانه» نوشته منوچهر پزشکی می‌کوشد تا با بیانی ساده تاریخ این دوران پراکنده را شرح دهد. در این راه، نویسنده اصل را بر استفاده از منابع دست‌اول تاریخی گذاشته اما از منابع جدیدی که دیدگاهی تازه بر موضوع می‌گشایند، غفلت نوریزه است.

این دسته از منابع خود به چهار بخش تقسیم می‌شوند؛ نخست تاریخ‌های سلسله‌ای که به یک دودمان حکومتگر خاص اختصاص

دارند و گاه در زمان حکمرانی همان افراد نوشته شده‌اند. دوم، کتاب‌های تاریخ عمومی که یا به شکل سالشمار نوشته شده‌اند و نزدیک به زمان رویدادها هستند یا شامل مطالب دسته‌اول و مهم می‌شوند. سوم، آثاری که در اصل تاریخ نیستند اما به دلیل همزمانی یا به مناسبتی دیگر آگاهی‌های مهمی از آنها به دست می‌آید. (همچون قصیده‌ای که شاعری درباره پیروزی یا شکست اسیری سروده است.) و چهارم کتاب‌های تاریخ عمومی که در زمان‌های پس از عصر فترت نوشته شده‌اند و آگاهی‌های خود را از سه دسته آثار نامبرده یا شاید از منابع شفاهی گرفته‌اند.

به هر روی در عصر فترت میان ایلخانان و ظهور تیمور گورکانی پس از جزر و مدهای آغازین، دوره‌ای از ثبات نسبی پدید آمد و با تشکیل دو دولت آل مظفر و آل جلایر (ایلکانیان) و با جدایی حوزه‌های قدرت آنان از یکدیگر، ایران به دو بخش غربی و جنوبی تقسیم شد. در همان احوال در شرق ایران آل کرت حضور داشتند و در خراسان غربی نیز سرداران در حال قدرت یافتن بودند. در این دوره آرامش کوتاه، به ویژه در فارس، یعنی حوزه قدرت آل مظفر زبان و ادبیات فارسی نفسی تازه کرد و به اوج‌هایی دست یافت.

در واقع، فرهنگ ایرانی از خراسان به شیراز منتقل شده بود. به باور منوچهر پزشکی، این سخن البته سخنی نمادین است زیرا زمانی که خراسان جایگاه مغولان و صحنه زدوخوردهای آنان بود، فرصت ادامه حیات ادبی ایران فقط در شیراز میسر می‌شد که آن نیز مانند خراسان از روزگاران باستانی ایران، نشانه‌هایی هر چند بسیار دور را

در خود حمل می‌کرد. این نکته بسیار مهمی است که چون تیمور ظهور کرد، تا آنجا که می‌توانست، دانشمندان و ادیبان را به سمرقند فرستاد. از این رو، شهر سمرقند در زمان تیمور و پس از او به مرکز علم و دانش بدل شد و جای خراسان و بغداد و شیراز را گرفت.

این مرکز نیز بعدها در زمان جانشینان تیمور به هرات منتقل شد و همچنان تا زمان صفویه که اصفهان رونق علمی گرفت، بر جای بود. اهمیت عصر فترت در آن است که پایه‌های حرکتی که رو به سوی وحدت ملی و قومی ایران داشت، در واقع تا حد زیادی در آن عهد ریخته شد. اوج‌هایی که در ادبیات ایران به وجود آمد، در این دوره بود. تشیع که یکی از ارکان تشکیل حکومتی ملی شد، در همین روزگار نیرو گرفت و وارد حوزه سیاسی و اجتماعی شد.

افزون بر اینها نیروهایی که بعدها در نقش مخالف و معارض وحدت ملی و قومی ایران وارد صحنه شدند و با همین نقش نیز به حدوث آن وحدت کمک کردند، یعنی عثمانیان و ازبکان نیز درست بعد از مرگ تیمور بود که نیرو گرفتند. هیچ‌یک از دوره‌های فترت در تاریخ ایران چنین عوامل و عناصری را یکجا در خود جمع نداشته است.

اینها روند‌هایی است که در کتاب «عصر فترت در ایران سده‌های میانه» شرح داده شده است. این کتاب از سوی انتشارات ققنوس در ۱۷۶ صفحه با شمارگان ۲۲۰۰ نسخه و به بهای ۲۵۰۰ تومان روانه بازار نشر شده است.

نظری به «بازنگری در علل و درمان افسردگی» اثر کریستینا داویننگ

مه‌ار افسردگی با کتاب



در میان اختلالات طبقه بندی شده در روانپزشکی، افسردگی جزو شایع ترین اختلالات شناخته شده در همه جای دنیا به شمار می رود که افراد زیادی همه ساله آن را در حد خفیف یا مزمن تجربه می کنند. از همین رو و از آنجا که دامنه فراگیری این بیماری در همه کشورها بسیار گسترده است، روان شناسان و روان پزشکان بسیاری همواره درصدد یافتن راه های جدید برای پیشگیری یا درمان آن هستند و حاصل آن را در قالب کتاب های درسی و غیردرسی ارائه داده اند. کتاب «بازنگری در علل و درمان افسردگی» اثر کریستینا داویننگ - اور و ترجمه حمید فرزادی و سعید عبادی زارع که به تازگی از سوی انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسیده نیز در زمره کتاب های است که به گفته مترجمان این اثر، بر آن است تا به این سوال اساسی پاسخ دهد که چرا درمان های رایج غالباً با شکست روبه رو می شوند. گزارش پیش رو بر آن است تا با استناد به سخنان مترجمان این اثر علاوه بر ارائه اطلاعاتی درباره چگونگی این کتاب، نحوه پاسخ نویسنده این اثر را به پرسش مذکور نیز مورد بررسی قرار دهد.

حمید فرزادی که دارای مدرک کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی از دانشگاه علوم پزشکی ایران و همچنین کارشناس مسئول درمانگاه انسیتو روان پزشکی تهران است به عنوان یکی از مترجمان این اثر درباره رویکرد نویسنده به موضوع افسردگی می گوید: «این کتاب رویکردی تقریباً نقدگونه بر فرایند تشخیص و درمان افسردگی است چون همان طور که می دانید افسردگی یکی از بیماری های شایع در روانپزشکی و حیطه مسائل روان شناسی است که به تبع رایج بودنش درمان های بسیار متفاوتی هم برای آن تبیین و ارائه شده است اما با توجه به شیوع و بروز بالای این بیماری، درمان هایی که تاکنون ارائه شده خیلی موفق نبوده است از این رو، این کتاب در یک بررسی نقدگونه، تمامی علل و عواملی را که در نقص درمان این بیماری تأثیر داشته اند مورد ارزیابی قرار داده و سعی کرده روش های دیگری از درمان را هم مورد توجه قرار دهد».

وی یادآور می شود: «این روش ها گرچه کاملاً جدید نیستند اما روش هایی هستند که تا به حال کمتر به آنها توجه شده مثل نوردرمانی و درمان های جایگزین مختلف که در این کتاب به آنها پرداخته شده و نقش درمان های مکمل و ترکیب این درمان ها را نیز مورد ارزیابی قرار داده است».

فرزادی در پاسخ به این سوال که درمان های مکمل چه نوع درمان هایی هستند نیز می گوید: «منظور نویسنده از درمان های مکمل در این کتاب، درمان های رایجی هستند که به غیر از درمان های دارویی مورد توجه قرار می گیرند و به عبارتی، درمان های جایگزین، طیف گسترده ای هستند که از توجه به مسائل روحانی تا توجه به مسائل ورزشی، تغذیه ای، نوردرمانی و درمان های غیردارویی را مورد بررسی، تحلیل و توصیه قرار می دهند».

از آنجا که در کشور ما اغلب افراد با تصور دست یافتن سریع و کوتاه مدت به درمان، به مصرف دارو روی می آورند و گاه حتی برخی روان شناسان بالینی پیش از دادن مشاوره به بیماران افسرده، آنان را برای دریافت دارو به روانپزشک ارجاع می دهند. این پرسش را با فرزادی در میان می گذاریم که جهت گیری نویسنده این کتاب درباره ضرورت مصرف دارو چگونه است و نقش مشاوره های بالینی را در مورد

افسردگی چطور ارزیابی می کند؟ فرزادی با تأکید بر این نکته که حتی در تست های روانپزشکی، درمان های روان شناختی جزو انتخاب های اول در درمان است تصریح می کند: «دارو درمانی صرفاً زمانی که شدت اختلال به حدی است که عملکرد بیمار را تحت تأثیر قرار می هد توصیه می شود ولی در این کتاب، نقش و تأثیر عوامل هورمونا و عوامل بیولوژیک مختلف در افسردگی مد نظر قرار داده در عین حال که حاشیه این کتاب است. نویسنده تأثیر درمان های مختلف را در افسردگی مد نظر قرار گرفته و در حاشیه آن نیز نویسنده تأثیر درمان های مختلف را در افسردگی مورد ارزیابی قرار داده است؛ یعنی این طور نیست که ما بگوییم نویسنده این کتاب خواسته درمان های دارویی را تبلیغ کند و درمان های جایگزین را کنار بگذارد یا برعکس. نویسنده این کتاب سعی کرده بیشتر به صورت انتقادی، تمامی روش های مختلف در درمان و علل ناکارآمدی آنها را ارزیابی کند».

اما سعید عبادی زارع، دیگر مترجم این کتاب برخلاف فرزادی معتقد است اگر قرار باشد نقدی بر این کتاب داشته باشیم باید بگوییم که: این کتاب با گرایش مدیکال، بیشتر مسائل بیولوژیکی را پوشش می دهد چون نویسنده معتقد است این جنبه ها در تحقیقات و کتاب های دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفته است که البته من فکر می کنم اینطور نیست یعنی تاکنون اکثر نگاه ها و درمان ها به موضوع افسردگی بیشتر رویکرد بیولوژیک داشته و روش های روان شناختی بعدها وارد این حیطه شده اند و درمان هایی را ارائه داده اند».

عبادی زارع که در حال حاضر ترجمه کتاب پروتکل درمان های اضطراب و افسردگی اثر لی. هی را زیر چاپ دارد در مقایسه کتاب «بازنگری در علل و درمان افسردگی» با کتاب هایی که تاکنون در زمینه افسردگی در ایران به چاپ رسیده اند نیز می گوید: «محتوای کتاب هایی که تاکنون درباره افسردگی تألیف یا ترجمه شده اند غالباً نگرشی یکسویه به این موضوع داشته اند یعنی حتی اگر دیدگاه های روان شناختی هم داشته اند آنها را در نازل ترین سطح ارائه داده اند یعنی همه دیدگاه های روان شناختی را پوشش نمی دهند و بیشتر دیدگاه های دارویی را مطرح کرده اند اما این کتاب به هر حال در نوع خودش از این نظر اهمیت دارد که نسبت به کتاب های مشابه نگاهی کامل تر و جامع تر به موضوع افسردگی داشته است».

راه های میانبر روانکاوی



کتاب «راه های نو در روانکاوی» تألیف کارن هورنای که به تازگی از سوی انتشارات رشد به چاپ رسیده است آخرین کار ترجمه ای مرحوم دکتر سعید شاملو است که همچون دیگر آثار

ترجمه ای آن استاد به زبانی شیوا و سلیس به فارسی برگردانده شده است. زمان تألیف این اثر اگرچه به چندین دهه قبل برمی گردد اما از آنجا که هورنای به عنوان یکی از منتقدان جدی فروید، در نقش نیروهای زیستی در شکل گیری رفتار تشکیک کرد و از طرفی با تأکید بر نقش عوامل اجتماعی در سازمان یابی رفتار و نیز دلایل ایجاد روان رنجوری ها، باب تازه ای را در روانکاوی گشود. آثار هورنای از سال ها پیش در ایران - همچون کشورهای دیگر - با اقبال فراوانی روبه رو شد چرا که از یک طرف مفاهیم مطرح در حوزه و قابل درک مطرح نمود و از سوی دیگر با بیانی ساده و همه فهم آن را به شکلی کاربردی ارائه داد، چنان چه که خود او در مقدمه این کتاب نیز یادآور می شود که: «تمایل من به ارزیابی مجدد و انتقادی نظریه های روان تحلیل گری، ناشی از عدم رضایت از نتایج درمان روان تحلیل گری کلاسیک است». هورنای در جای دیگری از مقدمه این کتاب درباره مفهوم روان رنجوری می گوید: «از نظر ما روان رنجوری ها نوعی تلاش روانی برای بقای فرد تحت شرایط دشوار است. اساس این بیماری ها اختلالات موجود در روابط فرد با خود یا دیگران و تعارض های ناشی از آنهاست و تغییر ماهیت عوامل سبب ساز روان رنجوری ها، موجب وسعت یافتن وظایف روان تحلیلگر شده است. بدین معنا که وظیفه روان تحلیلگر این نیست که به بیمار کمک کند تا بر غرایز خود تسلط پیدا کند بلکه او باید اضطراب بیمار را به حدی کاهش دهد که بتواند گرایشات روان رنجور را در وجود خود از بین ببرد. افزون بر این هدف، درمان، هدف دیگری نیز دارد و آن این است که شخص را به خود واقعی اش بازگرداند و به او کمک کند تا خود انگیختگی و مرکز ثقل شخصیت خود را بازیابد».

کتاب «راه های نو در روان کاوی» در شانزده فصل مجزا سامان یافته که عناوین فصول شانزده گانه این کتاب عبارتند از: اصول روان تحلیلگری، برخی از مبانی نظری فروید، نظریه لیبیدو (زیست مایه)، عقده ادیپ، خودشیفتگی (نایسیسم)، روان شناسی زن، غریزه مرگ، اهمیت دوران کودکی، انتقال، نقش عوامل فرهنگی در روان رنجوری ها، خود و نهاد، اضطراب، مفهوم «فراخود»، احساس گناه در افراد رنجور، آزارطلبی، درمان به وسیله روان تحلیلگری. هورنای در مقدمه خود در این کتاب نهایتاً درباره رویکردش به موضوع روان تحلیلگری اذعان می کند: «به طور خلاصه عقیده دارم که روان تحلیلگری باید از محدودیت های ناشی از غریزی و تحولی بودن رهایی یابد. معنای تحولی بودن به اعتقاد فروید این است که ویژگی ها و خصایص فرد در دوران بزرگسالی تقریباً تکرار مستقیم تمایلات و رفتارهای دوران کودکی است و بنابراین گمان او با تصریح و شکافتن تجارب دوران کودکی می توان اختلالات دوران بزرگسالی را از بین برد. اگر از تأکید یک جانبه فروید بر تحولی بودن نظریه اش صرف نظر کنیم خواهیم دید که رابطه ویژگی ها و خصایص دوران بزرگسالی و تجارب دوران کودکی پیچیده تر از آن است که فروید تصور می کرد».

این کتاب خیلی جدید نیست این هم یکی دیگر از نقدهایی است که عبادی زارع بر این کتاب وارد می داند و با اشاره به مشکلات مربوط به چاپ و تأخیری که بعد از ترجمه تا هنگام چاپ و توزیع آن صورت گرفته، این تأخیر طولانی و چند ساله را مهم ترین عامل به روز نبودن این اثر می داند.

عبادی زارع همچنین درباره راهکارهای ارائه شده درباره مقابله با افسردگی در این کتاب می گوید: نویسنده در هر فصل از کتاب ابتدا به طرح مشکلات می پردازد و سپس راهکارها را مورد توجه قرار می دهد یعنی راهکارهای مرسوم می که شامل درمان های دارویی و درمان های روان شناختی است اما راهکارهایی را که در درمان های روان شناختی ارائه می دهد خیلی تبیین نمی کند. شاید به این دلیل که در درمان های روان شناختی راهکارهای بسیار متنوع و مختلفی برای مقابله با این اختلال داریم و نویسنده این دیدگاه ها و رویکردها را به طور خلاصه برگزار می کند در صورتی که دیدگاه های مدیکال و بیولوژیک را بیشتر بسط داده که مهم ترین قسمت آن داروها هستند». عبادی زارع درباره مخاطبان این کتاب هم می گوید: «این کتاب می تواند به عنوان یک کتاب کاربردی، کمک فراوانی به خواننده کند خصوصاً برای مخاطبان عام، چون همه مسائل را در حد گسترده پوشش داده و با زبان ساده و قابل درک، دیدگاه کامل و جامعی را درباره این بیماری ارائه داده است و خواننده را ترغیب می کند که اگر این نشانه ها را در خود می بیند، درصدد درمان برآید و در صورت لزوم از یک متخصص نیز کمک بگیرد».

اما در زیر عنوان اصلی کتاب، این جمله به چشم می خورد که: «چرا درمان های رایج با شکست روبه رو می شوند؟» حمید فرزادی با اشاره به این نکته که این جمله عین عبارت لاتین روی کتاب است، درباره رویکرد نویسنده به این موضوع می گوید: «در واقع مسئله اصلی که نویسنده در کتاب روی آن متمرکز شده این است که علت شکست درمان ها تاکنون، نبود توجه به چند بعدی بودن این بیماری است. برای مثال یکی از عواملی که مورد نقد قرار می گیرد این است که چرا تا به طور شایسته به مسائل هورمونا و توجه نشده است، چون همان طور که می دانید هورمون، تنظیم کننده سیستم بدن است و به محض به هم خوردن این بالانس، روحیات فرد تغییر می کند و این مسئله ای است که اغلب مورد توجه قرار نمی گیرد یعنی افراد سعی می کنند افسردگی خودشان را یا به عوامل پیرامونی شان یا مثلاً به یک شکست موقتی که در زندگی خورده اند نسبت دهند در صورتی که این کتاب، عوامل مختلف را بررسی می کند و می گوید این ساده انگارانه است که به محض این که دچار افسردگی شدیم افسردگی خود را به یک عامل خارجی منتسب کنیم».

فرزادی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا تاکنون از این نویسنده کتاب دیگری به فارسی برگردانده شده یا نه، می گوید: «من کارهای زیادی از این مولف در داخل ندیده ام و ما هم در انتخاب این کتاب برای ترجمه، بیش از آن که به پیشینه نویسنده توجه داشته باشیم نگاهمان به محتوا و متن کتاب معطوف بود و در واقع نوع نگرش این کتاب به پدیده افسردگی که یک نگاه تقریباً جدید است انگیزه اصلی ما برای ترجمه این اثر بود. همان طور که گفتم این کتاب برخلاف کتاب های دیگر، دیدی نقدگونه و پرسشگرانه نسبت به اختلال افسردگی دارد».



با مجید ادیب زاده درباره «زبان، گفتن و سیاست خارجی»

چهره پنهان غرب



مسئله پایدار فرهنگ در سیاست خارجی ایران معاصر به دنبال یافتن راه‌هایی برای افزایش عقلانیت در سیاست خارجی و بهبود تعامل با جهان خارجی است؛ تعاملی سازنده برای هموار شدن راه‌های رسیدن به یک جامعه توسعه یافته و پایدار که با رویکردی فعال برای تأمین منافع ملی همراه باشد. به اعتقاد او هوشیاری و آگاهی از جنبه‌های فرهنگی و گفتگویی - بعضاً پنهان و ناخودآگاهانه - یکی از اولین گام‌های موثر برای یک سیاست خارجی عقلانی و سازنده است. با توجه به چنین نیازی بود که زبان، گفتن و سیاست خارجی به نگارش درآمده است.

ادیب زاده بر این باور است که کاربرد تحلیل گفتن در حوزه مطالعات سیاست خارجی ایران کاری نسبتاً تازه و ناآزموده است اما با توجه به این واقعیت که آثار مورد اشاره، تنها به تحلیل تحولات گفتگویی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تا دوران اخیر پرداخته‌اند و فاقد یک رویکرد نظری و تبارشناسانه در بررسی گفتن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند، نیاز به پژوهش در این حوزه اکنون نیز همچنان احساس می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های مهم در گفتن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انقلابی و مردم‌گرایانه بودن آن است. البته ویژگی مردم‌گرایانه و افزایش تأثیر خواسته‌های انقلابی در گفتن سیاست خارجی، تنها ویژگی آن نیست بلکه تأثیر فرهنگ گفتگویی سیاست داخلی و همچنین تحولات داخلی را نیز باید در نظر داشت.

در این میان مفاهیم و نظریه‌ها تنها به مثابه ابزار تحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند و سعی شده از تأثیرگذاری و جهت‌دهی این مفاهیم و ابزار روی نتایج تحقیق کاسته شود و نوشتار به یک تحلیل نظری نزدیک شود؛ چرا که یکی از اهداف این کتاب توسعه تحلیل‌های نظرورزانه در زمینه مطالعات فرهنگی ایران بوده است؛ هر چند که رسیدن به چنین هدفی، بسیار فراتر از یک پژوهش یا کاریک پژوهشگر منفرد است و کار جمعی و خودجوش پژوهشگران حوزه مطالعات فرهنگی این مرز و بوم را می‌طلبد.

او می‌گوید: در این رویکرد برای تبیین سیاست خارجی و عوامل موثر بر آن، با اجتناب از نگاه سخت‌افزاری به سیاست خارجی که مبتنی بر تحلیل روابط قدرت، ژئوپولیتیک، قدرت تسلیحاتی و قدرت اقتصادی است، به سراغ یک دیدگاه نرم‌افزاری رفته‌ایم؛ بدین ترتیب با تحلیل شیوه‌های بازتابی از غرب در گفتن رسمی قدرت و گفتن‌های مذهبی، ادبی، هنری و دیگر حوزه‌های نمادین در دوره تاریخی ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ به تبارشناسی تکوین و ظهور گفتن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بازتابی از غرب در آن پرداخته شده است.

هدف از چنین رویکردی، تحلیل ضمنی رویکردها در حوزه مطالعات سیاست خارجی ایران بوده و به دنبال تحلیل سیاست خارجی ایران از زاویه‌ای متفاوت است؛ به خصوص اینکه بخشی از مشکل مادر رویکردهای مسلط در مطالعه سیاست خارجی ایران، آگاهی نداشتن از همبستگی‌های نرم‌افزاری و ظریف در رابطه با سیاست خارجی است. این اثر با نگاهی تاریخی و برجسته کردن

تبارشناسی و شیوه‌های بازتابی تصویر غرب در لایه لای جهان نمادین متن‌ها و گفتن ایرانی نیم قرن اخیر، ریشه‌های عمیق گفتن سیاست خارجی ایران را در این جهان نمادین مورد پژوهش قرار داده است.

به گفته این پژوهشگر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در این اثر فرهنگ به منزله یک امر زبانی و گفتگویی در نظر گرفته شده است و با محور قرار گرفتن امر زبانی و امر گفتگویی (به مثابه کاربردهای زبان در متن و فضای بینامتنی) این موضوع بررسی شده است که غرب و اجزای آن، چگونه در این فضا بازتابی می‌شوند. همچنین با بهره‌گیری از نظریات میشل فوکو، نظریه پرداز پسا ساختارگرای فرانسوی به تبارشناسی گفتن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

در این کتاب چهره غرب در گفتن‌های ایرانی، از جنگ جهانی دوم و به خصوص از کودتای مرداد ۱۳۳۲ به بعد و ارتباط آن با قدرت بررسی شود.

همچنین برای ترسیم و بررسی گفتن‌های ایرانی از دهه‌های ۱۳۳۲ به بعد و همچنین تحلیل متن‌های نمونه از این نظم‌های گفتگویی، از مفاهیم و نظریات مورد استفاده در حوزه‌های تحلیل گفتن، نشانه‌شناسی و روانکاوی فرهنگی کمک گرفته شده است.

به اعتقاد ادیب زاده این مفاهیم و نظریه‌ها که عمدتاً گرداگرد نظریه پردازانی همچون میشل فوکو، رولان بارت، ژاک لاکان و میخائیل باختین شکل گرفته‌اند، به منزله ابزار تحلیل متن به کار گرفته شده‌اند. اما همچنان در تحلیل و پژوهش، «متن» و «موضوع» کتاب بر مفاهیم و نظریه‌ها غلبه داشته است؛ بدین معنا که متن‌های مورد تحلیل و موضوع مورد بررسی، جهت اصلی پژوهش را مشخص کرده

نگاه فرهنگی به مسئله‌ای به نام سیاست خارجی، یکی از راه‌های حذف موانع بهسازی و بازسازی روابط ایران و غرب است. در دوران معاصر روش‌های جدید و بدیع مطالعه فرهنگ رواج یافته و حوزه‌ای بینارشته‌ای به نام مطالعات فرهنگی در دانشگاه‌های علوم انسانی بسط و گسترش یافته است. از این حیث بسیاری از پژوهشگران علوم سیاسی بر این باورند که بهتر آن است که زندگی سیاسی جامعه ایران و طبعاً بخش مهمی از آن، یعنی مسئله سیاست خارجی ایران با بهره‌گیری از این روش‌های نوین و نسبتاً کارآمد، مورد مطالعه قرار گیرد.

در واقع هدف اصلی شاخه‌های رایج و گوناگون مطالعات فرهنگی، شناخت فرهنگ و کاربردی کردن آن در زندگی اجتماعی و سیاسی جوامع مدرن است و به همین خاطر ما با گستره وسیعی از مطالعات - از زندگی روزمره گرفته تا مسئله سیاست خارجی -

روبه‌رو می‌شویم که در پاسخ به بسیاری از مشکلات اجتماعی و سیاسی تولید شده‌اند و در این راستا کاربردی کردن مطالعه فرهنگ را هم می‌توان در سیاست‌گذاری برای زندگی انسانی در جوامع مدرن امروزین، به خوبی مشاهده کرد.

کتاب «زبان، گفتن و سیاست خارجی نیز» - که چندی پیش به پژوهش و نگارش مجید ادیب زاده روانه بازار نشر شد - با چنین نگرشی به مسئله فرهنگ، پژوهشی درباره موانع و بن‌بست‌های فرهنگی در روابط ایران و غرب است به همین خاطر هدف اصلی این کتاب کالبدشکافی فرهنگ معاصر ایران در پرتو مسئله‌ای به نام غرب است.

این کتاب درصدد است تا به خواننده نشان دهد که زبان و امر گفتگویی چگونه با سیاست ایران معاصر پیوند خورده است. ادیب زاده در این کتاب از طریق



نگاهی به کتاب «تاریخ سلسله‌های محلی ایران»

خاندان‌های ایرانی

پادوسپانان، جستانیان، ساجیان، کنگریان، شدادیان، ابودلفیان، حسنیگان، سلغریان... برای کسانی که با تاریخ ایران در سده‌های میانی اسلامی آشنا نیستند یا مطالعاتشان در این باره چندان گسترده و عمیق نیست، این نام‌ها غریب و بیگانه‌اند. اما این‌ها اسامی خاندان‌هایی هستند که به مدت چند قرن به عنوان سلسله‌های محلی بر نقاط مختلف ایران حکم راندند.

در دوران اشکانی، خاندان‌های بزرگی - تقریباً به شکل خودمختار - بر بخش‌های مختلف ایران فرمانروایی داشتند، اما جملگی فرمانبر شاهان اشکانی بودند، به آنها مالیات می‌دادند و در جنگ‌ها بنا بر وسعت و جمعیت منطقه حکمرانی خود، سپاهییان را به جبهه نبرد گسیل می‌داشتند.

به همین سبب دوره اشکانی در تاریخ ایران به دوران ملوک الطوائفی شهرت دارد. با روی کار آمدن ساسانیان این وضع دگرگون شد و اقتدار و سیاست حکومت مرکزی مجالی برای رشد سلسله‌های محلی بر جای نگذاشت. اما دو قرن پس از پایان کار ساسانیان و فتح ایران به دست اعراب مسلمان، بار دیگر سلسله‌های محلی در جای‌جای ایران پایدار شدند و این وضعیت تا جایی پیش رفت که وقتی مسعودی - مورخ و جغرافیدان - در سده چهارم هجری از منطقه خزر دیدن کرد، از ۷۰ شاه که به طور همزمان در آن نواحی حکومت داشتند، یاد کرد.

است؟ چرا سلسله‌های مقتدری چون غزنویان، سلجوقیان و ایلخانان ضرورتی بر پایان دادن به کار این سلسله‌ها نیافته‌اند و حفظ آنها را مغایر با ملک‌داری خود ندیده‌اند؟ روابط سلسله‌های محلی با سلسله‌های فراگیر چگونه تعریف می‌شده است؟ و... البته در جای‌جای کتاب اشاراتی تاریخی نیز وجود دارد که خواننده را تا حدودی به پاسخ این پرسش‌ها راهنما می‌سازد، اما باین همه شاید اگر در پیشگفتار کتاب چارچوبی تحلیلی از پیدایی، دوام و کارکرد سلسله‌های محلی به دست داده می‌شد، به جامعیت بیشتر اثر حاضر یاری می‌رساند، هر چند که این اثر در شکل کنونی خود نیز اثری جامع به شمار می‌رود و با توجه به فقر مطالعات تاریخی در این حوزه، کاربرد زیادی برای تاریخ‌پژوهان خواهد داشت.

به هر روی میترا مهرآبادی، تاریخ سلسله‌های محلی ایران را از سواحل خزر - جایی که در قدیم طبرستان و دیلمان خوانده می‌شد و امروز مازندران و گیلان نام دارد - آغاز می‌کند و سپس با چرخشی به سوی شمال غرب ایران، حکومت‌های آن نواحی را معرفی می‌کند. البته برخی از این نواحی چون شروان و گنجه که محل حکومت بنی شیبان و شدادیان بودند در جنگ‌های ایران و روس از خاک ایران جدا شدند. آنگاه نوبت به سلسله‌هایی می‌رسد که در نواحی فارس، یزد و کرمان فرمانروایی داشتند و در بخش پایانی نیز سلسله‌های محلی غرب ایران یعنی همدان، کردستان و لرستان معرفی می‌شوند.

کتاب تاریخ سلسله‌های محلی ایران از سوی انتشارات دنیای کتاب در ۸۱۱ صفحه، با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با بهای ۱۳۵۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

برخی از این سلسله‌ها با تأیید خلفای عباسی و برخی دیگر بدون تأیید آنها حکومت می‌کردند. اما جالب است که هیچ‌یک از رخداد‌های تحول‌ساز سده‌های میانی، وضعیت آنها را از اساس دگرگون نساخت؛ چندان که با شکل‌گیری حکومت سلجوقی، حمله مغولان و نیز یورش تیمور، سلسله‌های محلی همچنان پابرجا بودند و تا زمان صفویه نیز کمابیش دوام آوردند. شاید برخی از آنها می‌رفتند و جای خود را به برخی دیگری دادند، اما وجود سلسله‌های محلی یک واقعیت مسلم در بخش بزرگی از تاریخ ایران پس از اسلام بود.

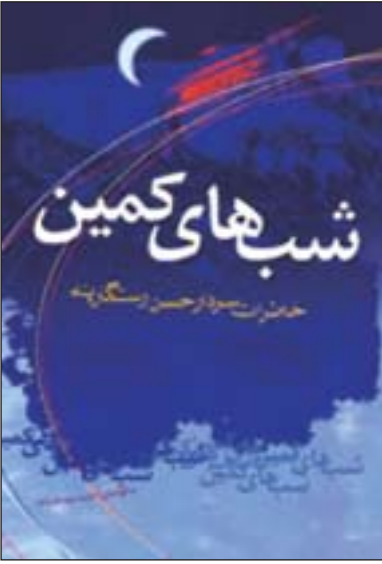
پاره‌ای از این سلسله‌ها مانند علویان طبرستان که نخستین سلسله مستقل شیعه مذهب را در ایران بنیان نهادند، شهرت بسیار دارند، اما اغلب ناشناخته و گمنام هستند.

کتاب تازه منتشر شده تاریخ سلسله‌های محلی ایران نوشته دکتر میترا مهرآبادی تازه‌ترین و یکی از جامع‌ترین آثاری است که می‌کوشد پرتوی روشن بر تاریخ سلسله‌های محلی ایران بیفکند و در این راه به شرح تاریخ ۲۵ سلسله از این دست می‌پردازد. شیوه کار او بر این اساس است که پس از ذکر تاریخ هر سلسله که به طور مشروح و منظم از پیشینه آن آغاز و به سرانجام آن ختم شده، هر چه که در باب دین، مذهب، فرهنگ و تمدن ایشان به دست آمده هم ذکر شده و سپس نسب‌نامه، فهرست اسامی و مدت حکومت حکام سلسله، به همراه فهرستی از مآخذ مفید برای تحقیق در باب آن سلسله آورده شده است. با وجود این، پس از مطالعه کتاب، پرسش‌های بسیاری در ذهن خواننده شکل می‌گیرد که علت پیدایی و بالندگی سلسله‌های محلی در سده‌های نخستین پس از اسلام و دوام آنها تا دوران صفویه چه بوده



حبیب یوسف زاده از «شب‌های کمین» می‌گوید

کردستان ۵۹



رعایت ایجاز و پرهیز از زیاده‌گویی، شخصیت‌ها در قالب دیالوگ و تصویرسازی درآمده‌اند و به همین دلیل قابلیت تبدیل به ده‌ها فیلم و کتاب را دارند. علاوه بر این وقایعی که در این کتاب بازگو شده، حکایت از حوادث کردستان در زمان جنگ دارد که تاکنون کمتر دستمایه تولید فیلم و رمان قرار گرفته است و از این حیث می‌تواند مورد توجه بسیاری از تولیدکنندگان آثار دفاع مقدس قرار گیرد.

یوسف زاده نثر روان و پرهیز از شعارپردازی را از دیگر ویژگی‌های کتاب عنوان می‌کند و معتقد است: «سطح زبان کتاب شب‌های کمین متناسب با زبان رایج بوده و به منظور رعایت بار معنایی کلام در محور هم‌نشینی زبان راوی هیچ‌گونه تصرفی صورت نگرفته است. ضمن این که از بیان سخنان تفسیری که به بار معنایی خاطره لطمه می‌زند و به آن شکلی کلیشه‌ای می‌دهد، پرهیز کردم تا متن کتاب برای خواننده صمیمی و قابل باور شده و مخاطب خود را در فضای اصلی حادثه قرار دهد و مهم‌تر از همه این که به تمام وقایع و حوادث موجود در ماجرا اعتقاد قلبی دارم و بر این باورم که اگر نویسنده‌ای به آنچه که می‌خواهد بنویسد، اعتقاد نداشته باشد، نمی‌تواند اثر موفقی را خلق کند.»

یکی از مهم‌ترین معیارها و نکات قابل توجه در مستند شدن کتاب‌های خاطرات، توجه به زمان وقوع حوادث و رعایت آن در سراسر این گونه کتاب‌هاست که متأسفانه در برخی از اپیزودهای «شب‌های کمین» رعایت نشده است و ارائه ندادن پانویس در توضیح فضاها و وقایع در آگاهی بیشتر خواننده نیز از مستندات اثر کاسته است. یوسف زاده در این باره می‌گوید: «رعایت سیر زمانی وقوع حوادث شاید خیلی در نقل قول‌ها رعایت نشده باشد که علت اصلی آن فراموش کردن زمان برخی وقایع به وسیله راوی است. در صورتی که پایبندی به آن برای نویسنده الزامی است. در خصوص ارائه نشدن پانویس برای توضیح وقایع و فضاهای ناآشنا برای مخاطب نیز، از آنجا که احساس کردم باعث شلوغی و سردرگمی خواننده می‌شود از این کار صرف نظر کردم در عین حال معتقدم که ارائه پانویس در این زمینه بیشتر در کتاب‌های تحقیق و پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد.»

به اعتقاد برخی از کارشناسان، کتاب‌های خاطره

یازدهم و دوازدهم برعهده داشته است. کتاب «شب‌های کمین» در فصل اول به پیدایش عناصر و گروهک‌های ضدانقلاب در کردستان پیش از آغاز جنگ تحمیلی می‌پردازد و در فصل دوم با اپیزودهای مختلف خاطرات رستگاران پناه را از شدت گرفتن ناآرامی‌ها و توطئه‌های این گروه‌ها در کردستان و مبارزات سپاه برای مقابله با این عناصر بازگویی کند. در واقع در هر اپیزودی از عملیات‌های مهم سپاه در مقابله با اشراک کردستان روایت می‌شود اما به‌رغم خطرات زیادی که می‌توانست از زبان کسی در تمام طول دوران جنگ در منطقه کردستان حضور داشته بازگو شود کتاب تنها حجمی حدود ۱۸۰ صفحه را دربر گرفته است و در بسیاری از اپیزودها راوی به کلی‌گویی به جای بیان و جزئیات وقایع پرداخته است. یوسف زاده با تأیید این حقیقت می‌گوید: «سردار رستگاران پناه در آغاز صحبت تمایلی به تعریف سرگذشت خویش نداشت و زمانی هم که حاضر به بیان خاطراتش شد، فرماندهی ناحیه انتظامی آذربایجان غربی و معاونت امنیت نیروی انتظامی را به‌طور همزمان برعهده داشت و بنابر ضرورت شغلی دائماً در حال سفر بود و فرصت کمتری را برای بازگویی خاطرات خود از آن دوران داشت. بر همین اساس من نیز برای گرفتن مصاحبه از او چندین بار به شهرهای ارومیه و اصفهان مراجعه کردم و در نهایت پس از صرف مدت زمانی حدود یک‌سال، تنها موفق به ضبط ۱۴ ساعت گفت‌وگو با سردار رستگاران پناه شدم. اگرچه آن هم با فراغت خیال صورت نگرفت. از طرف دیگر گذشت زمان و فاصله گرفتن از آن دوران باعث شده بود که بسیاری از جزئیات وقایع از ذهن راوی پاک شود با این همه قواعد استاندارد در کتاب کاملاً رعایت شده است و سعی کردم تمام مطالب و وقایع بازگو شده را عیناً از زبان سردار رستگاران پناه نقل کنم. البته اگرچه در مواردی هم بنابه ضرورت و متناسب با زبان راوی به توصیف فضاها و وقایع ماجرا پرداختم که احساس می‌کردم به این طریق باورپذیری بیشتری را برای مخاطب ایجاد می‌کرد، اما تمام اشخاص و اماکن ذکر شده حقیقی هستند.»

به باور او «شب‌های کمین» کتابی است که به خاطر ناب و بکر بودن موضوع می‌تواند دستمایه بسیاری از رمان‌نویسان و فیلمسازان قرار گیرد. چرا که ضمن

اغلب کتاب‌هایی که تاکنون به جنگ ایران و عراق پرداخته‌اند جبهه‌های جنوب را مورد توجه قرار داده‌اند و به نسبت این دسته آثار، کتاب‌های کمتری به جبهه‌های غرب و کردستان، آن هم درگیری با اشراک و عناصر ضدانقلاب در حوزه دفاع مقدس توجه کرده‌اند. در حالی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین درگیری‌های جدی نظامی در کردستان به وجود آمد. با شروع تحرکات گروهک‌های ضدانقلاب در کردستان، سپاه وارد عرصه شد. سردار حسن رستگاران پناه از معدود فرماندهانی است که در تمام دوران جنگ به درگیری با اشراک و عناصر ضدانقلاب در کردستان پرداخته است. او پس از پیروزی انقلاب، عضو تشکیلات اولیه کمیته شهری سپاه اصفهان بود و بعدها به عنوان مسئول عملیات سپاه اصفهان در زمینه مبارزه با مواد مخدر و شبکه‌های فساد نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. او در سال ۵۹ با شدت گرفتن ناآرامی‌ها و توطئه‌های ضدانقلاب در کردستان به آنجا عزیمت کرد و در قرارگاه مشترک ارتش و سپاه در لشکر ۲۸ سنندج از سوی سردار سیدیحیی رحیم صفوی به‌عنوان نماینده سپاه معرفی شد و در طرح ریزی عملیات‌های مختلف و تأمین امنیت منطقه گام‌های بلندی برداشت. وی در سال ۶۰ به عنوان مسئول عملیات سپاه در کردستان فعالیت داشت و در پاکسازی شهرهای سنندج، دیواندره، کامیاران و دیگر مناطق و محورهای ارتباطی از عوامل ضدانقلاب رشادت‌های زیادی به خرج داد. فرماندهی سپاه میوان و تپ قدس از دیگر مسئولیت‌های او در طول جنگ است که طی این درگیری‌ها، دو بار مجروح شد.

«شب‌های کمین» که جدیدترین اثر حبیب یوسف زاده به‌شمار می‌رود و به تازگی از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در پنج هزار نسخه به مخاطبان عرضه شده است به بیان خاطرات سردار رستگاران پناه از حوادث و وقایع کردستان و مبارزات نیروهای سپاه و نیروهای مردمی کردستان می‌پردازد. یوسف زاده که متولد سال ۱۳۴۴ تهران و دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی است، پیش از این نیز آثاری را چون «کلاه قربانلی»، «هیندیشکا»، «زندگینامه داستانی علی اکبر صنعتی»، «شهید پاکری» را به رشته تحریر درآورده است و علاوه بر نویسندگی، داوری جایزه کتاب سال دفاع مقدس را در دوره‌های

در حوزه دفاع مقدس طی سال‌های اخیر، موفقیت و استقبال بیشتری نسبت به سایر قالب‌های ادبی این حوزه داشتند. یوسف زاده ضمن تأیید این مقوله، معتقد است: «ثبت و ضبط خاطرات رزمندگان و خاطره‌نویسی به دلیل نیاز کمتر به مطالعه و تحقیق در مقایسه با سایر قالب‌های ادبی ساده‌تر است. در واقع اگر نویسنده‌ای آشنایی کافی با مهارت‌های نوشتن نداشته باشد نمی‌تواند اثر پرجاذبه‌ای در قالب‌های داستان و رمان ایجاد کند که این امر باعث شده خود به خود استقبال بیشتری از حوزه خاطره صورت گیرد. علاوه بر این گسترده‌ترین و پربارترین قالبی است که به دلیل ترسیم فضایی جدید از زندگی جنگ‌کردگان و انتقال تجربه‌هایی تازه از زندگی آنها بیشتر مورد توجه عموم قرار گیرد. اما با وجود افزایش تعداد کتاب‌های خاطره در حوزه دفاع مقدس، این مقدار ناچیز است و با توجه به فاصله گرفتن از آن دوران ضرورت دارد که نویسندگان و دستگاه‌های متولی اهتمام بیشتری به ثبت و ضبط خاطرات رزمندگان داشته باشند. این در حالی است که با وجود سپری شدن سال‌های زیاد از جنگ جهانی دوم، هنوز کتاب‌های زیادی در این زمینه تولید می‌شود.

با وجود تجربه زیادی که یوسف زاده در ژانر زندگی‌نامه داستانی دارد، «شب‌های کمین» را در قالب خاطره نگاشته است. به باور او خاطرات سردار حسن رستگاران پناه در عین استنادات تکیه بر نقطه حساسی از تاریخ دفاع مقدس دارد که نباید دستخوش تحریف و تخیل شود. به علاوه این که خاطرات به قدری جذاب بازگو شده است که بدون هیچ تغییری می‌تواند جاذبه لازم را در مخاطب ایجاد کند.

یوسف زاده این روزها مشغول تالیف زندگینامه داستانی شهید محسن ربونی پور از رزمندگان استان خراسان است که با تکمیل مطالعات و تحقیقات خود تا ماه‌های آینده این کتاب را روانه بازار خواهد کرد.

بیشتر نمود دارد. متنی که برزگر ترجمه کرده، به واسطه تقطیع بی‌درپی سطرها، از نظر ظاهری به قالب شعر نزدیک شده و شاید به همین دلیل است که سادگی زبان نثر امروزی کمتر در آن دیده می‌شود. البته امتیاز ویژه این ترجمه نسبت به ترجمه‌های قبل، دقت در ویراستاری فنی و زبانی است که همین موضوع باعث شده خواننده در دریافت مفاهیم کمتر دچار اشکال شود.

در پایان برای روشن شدن موضوع، بخشی از کتاب «پیامبر» را با دو ترجمه متفاوت (حسین الهی قمشه‌ای و مسیحا برزگر) با هم مقایسه می‌کنیم. ترجمه الهی قمشه‌ای: «اما، وقتی از تپه‌ها فرود آمد غمی بر دلش نشست و با خود اندیشید چگونه می‌تواند با فراغت و آرامش و بی‌رنج و غصه از اینجا بگذرد و چگونه می‌توانم بدون زخمی که بر جانم خواهد نشست شهر را ترک کنم. چه روزهای پررنج و محنت که در حصار این شهر گذرانده‌ام و چه شب‌های درازی که در تنهایی به سر برده‌ام و کدام کس می‌تواند از رنج و تنهایی خویش بدون درد و حسرت جدا شود؟» ترجمه مسیحا برزگر از همان قسمت: «اما چون از تپه فرود آمد، سایه اندوهی بر او افتاد و در دل اندیشید: چه سان خاطر آسود و خرسند از اینجا بروم؟ نه، بی‌زخمی بر دل از اینجا نخواهم رفت. روزهای درد و محنت در این شهر چه دراز بود و شب‌های تنهایی ام چه بی‌پایان. آه کیست که بتواند بی‌دربغ و افسوس، تنهایی و درد خویش را بگذارد و بگذرد؟»

بار در سال ۱۳۸۷ از سوی نشر روزنه منتشر و بعد از آن بارها تجدید چاپ شد. (حدود ۲۰ چاپ تا به امروز) در این میان ترجمه جدید (به قلم مسیحا برزگر) تا حدودی می‌تواند عادت خوانندگان فارسی زبان از مطالعه چاپ‌های قبلی این کتاب را برهم زند. مسیحا برزگر برای ترجمه این کتاب از زبان فاخرتری نسبت به ترجمه‌های قبلی استفاده کرده و نوشته‌های ساده و صمیمی جبران خلیل جبران را به سبک و زبان شاعران کلاسیک فارسی زبان ترجمه کرده است. البته این موضوع از متن کتاب نشأت گرفته که در حد فاصل نثر و نظم قرار دارد و در شناسنامه کتاب از آن به عنوان «شعر منثور فارسی» یاد شده است. از این رو مترجم سعی کرده متن اصلی را که برگرفته از متن انگلیسی است به زبان شعر نزدیک کند. واژه‌های مشابه فراوانی در ترجمه مسیحا برزگر دیده می‌شود که اکنون در زبان فارسی کاربرد چندانی ندارند و اغلب در متون قدیمی دیده می‌شوند. با توجه به این که زبان فارسی هم مانند زبان‌های دیگر مدام پالایش و به‌روز می‌شود، تسلط مترجم به تازه‌های زبان امری ضروری است که در کتاب «پیامبر» و رازهای دل به آن کمتر توجه شده است.

واژه‌هایی مانند اندیشید، زیرا، نیز، واگو (به جای بگو)، اشارتی کرد (به جای اشاره کرد) و ... بارها در ترجمه به چشم می‌خورند که می‌شد به جای آنها از کلمات امروزی‌تری استفاده کرد. مسیحا برزگر در ترجمه این اثر، اصل را بر تقطیع افعال گذاشته است در حالی که در ترجمه‌های قبلی، سطرهای متن از نظر طولی ارجحیت دارند و تداعی نثر در آنها

زبان فاخر و متن ساده



علی‌الله سلیمی: در دنیای کتاب گاهی برخی از آثار موفق می‌شوند از اقبال عمومی - و در مواردی جهانی - برخوردار شوند. در چنین شرایطی، روی آوردن مترجمان متعددی برای ترجمه آثار موفق امری طبیعی است و در این میان طبعاً کسانی موفق هستند که به زبان مبدا و مقصد تسلط بیشتری داشته باشند. در این خصوص، کتاب «پیامبر» اثر جبران خلیل جبران، شاعر و نقاش لبنانی از جمله آثاری است که از محبوبیت جهانی برخوردار شده و در کشور ما هم از سال‌های پیش بارها به وسیله مترجمان مختلف ترجمه و چاپ شده است. تازه‌ترین ترجمه فارسی از این کتاب اخیراً به قلم مسیحا برزگر صورت گرفته و نشر ذهن آوین در تهران، چاپ اول آن را با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه چاپ و منتشر و در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است. این کتاب با عنوان «پیامبر» و رازهای دل شامل دو کتاب «پیامبر» و «رازهای دل» است که در یک جلد منتشر شده است.

در شناسنامه اثر آمده که چاپ قبلی متعلق به نگارستان کتاب و زرین (۱۳۸۲) بوده است با این حال ترجمه معروف از این کتاب (پیامبر) در سال‌های اخیر متعلق به دکتر حسین الهی قمشه‌ای است که برای اولین



خوان خلمن، شاعر اسپانیایی:

شعر نو اروپا کهنه شده است



با بیان این که برخی کارکرد شعر را به مسائلی بسیار جزئی و شخصی تنزل داده‌اند، گفت: «متأسفانه، در دنیای ما کلمه آن قداستی را که باید دارا نیست. از همین رو برخی به نام شعر، ارزش کلمه را زیر سوال می‌برند.» به عقیده خلمن، کلمه همچون آجر که ابزار کار معمار است، از مهم‌ترین ابزار کاری یک شاعر به حساب می‌آید. وی در ادامه گفت: اگر همین آجر، به جای قرار گرفتن در دیوار، در میان پنجره جای بگیرد، دیگر هیچ کاربرد مثبتی ندارد، بلکه زیان‌آور نیز هست. شاعر امروز، دقیقاً همین اشتباه را انجام می‌دهد.»

این شاعر پیشکسوت اسپانیایی، آینده شعری این زبان را بسیار مهم پیش‌بینی کرد و گفت: «متأسفانه شاعران جوان ما به هیچ وجه قدر میراث زبانی و فرهنگی خود را درک نمی‌کنند. از این رونوآوری‌های آنها فاقد هرگونه ارزش و اعتبار ادبی است. اگر به این اشعار توجهی نمی‌شود، به گمان من مردم مقصر نیستند و در واقع مقصر شاعران هستند که درک درستی از دنیا ندارند.»

خلمن در ادامه از فرهنگ بومی و اصالت‌های فرهنگی یاد کرد و گفت: «هر چند ما شعر معاصر را از دستاوردهای فرهنگی گذشته جدا می‌دانیم، اما معتقدیم که شعر امروز برای رسیدن به جایگاه مناسب، باید گذشته خود را بشناسد و با توجه به مسیرها و پیشنهادهایی که این سابقه فرهنگی به او ارائه می‌دهد، به شناخت تازه‌ای برسد.» این شاعر پیشکسوت اسپانیایی از شاعرانی همچون لورکا و خوان رامونث یاد می‌کند و معتقد است که اگر این شاعران از فرهنگ بومی اسپانیایی، از جمله راویانی که کولی‌ها دارند بهره نمی‌بردند، چه بسا که نامی از آنها باقی نمی‌ماند. وی در ادامه گفت: «شاعران موفق اسپانیا، همواره با توجه به فرهنگ خود، نگاهی تازه به دنیا داشته‌اند و اگر چنین نبود یقین بدانم که مردم اسپانیا با آنها ارتباط برقرار نمی‌کردند.»

خوان خلمن سپس در پاسخ به این پرسش که چرا شعر اسپانیایی، تحت سایه ادبیات داستانی قرار گرفته است گفت: «دنیای امروز دنیای خرده‌روایت‌هاست و کار شعر، پرداختن به مسائل کلان است. از همین رو اگر بیان نویی در شعر به کار نبریم، از عمل اصلی خود بازمی‌ماند و چنان‌چه می‌بینید، در عمل نیز چنین اتفاقی افتاده است.» وی

متفاوت را پیش روی خود دارد.» این شاعر کلاسیک و پیشکسوت اسپانیایی زبان در پاسخ به این پرسش که آیا این نگرش‌های نو نیست که به کاهش مخاطبان شعر انجامیده، گفت: «مردم امروزه شعر نمی‌خوانند چرا که روش‌های بهتری برای بیان احساسات خود می‌یابند. به گمان من برای احیای مخاطبان امروز شعر جهان، باید به زبان مردم امروز سخن گفت.» وی افزود: «شاعران به بهانه آن که در حال نوآوری هستند، به بازی‌های زبانی و فرمی می‌پردازند، درحالی‌که اصالت‌نوگرایی را در نیافته‌اند.» به عقیده این شاعر، برخی از شاعران معاصر، بدون توجه به تغییراتی که در سطح فرهنگ‌ها انجام شده و امکاناتی که پیش روی آنها قرار دارد، تنها خود را وقف تکرار بازی‌های فرمی گذشته کرده‌اند. وی از سوی دیگر به نقد یکسان‌سازی فرهنگی و آنچه که از آن با عنوان جهانی‌سازی یاد می‌شود پرداخت و گفت: «متأسفانه این روزها می‌شنوم که برخی تلاش دارند تا به فرمول شعر موفق دست یابند و با استفاده از آن، نوعی شعر جهانی خلق کنند. اما به گمان من رسیدن به این فرمول حتی اگر عملی باشد، آب در هاون کوبیدن است، چرا که شعر تنها در ارتباط با مخاطب اعتبار می‌یابد و علاقه مردمان جهان را نمی‌توان در یک فرمول خلاصه کرد.»

خوان خلمن، یکی از مشهورترین شاعران اسپانیایی زبان معاصر دنیاست. وی در اشعارش که همواره رنگی از تغزل دارند، امکانات تازه‌ای را برای زبان اسپانیایی فراهم کرده است. این شاعر در گفت‌وگویی که هفته گذشته با روزنامه آل کورادو انجام داد، به شرح نگرش خود به شعر و ارتباط آن با زبان پرداخت. به گفته خلمن، شعر امروز دنیا دیگر ارتباط چندانی با گذشته‌اش ندارد و از این رو، به هیچ وجه نمی‌توان با تئوری‌های سابق، آن را محک زد. وی در توضیح بیشتر این مطلب گفت: گاهی این اشتباه به وجود می‌آید که به دلیل ابزار مشترکی که شاعران گذشته با شاعران امروز دارند، ویژگی‌های کار آنها با هم قابل مقایسه هستند. در صورتی که این نکته درست نیست. شعر امروز تنها از نظر ابزار و مصالح با گذشته قابل قیاس است.» خلمن در استدلال این ادعای خود، به وجود نمادها، استعاره‌ها و نوع بیان معاصر شعر اشاره کرد و گفت: «امروزه ما مفاهیم گسترده‌ای با موارد مختلفی از مسائل دنیا روبه‌رویم که در گذشته موجود نبودند به عنوان مثال، نظام نشانه‌ای در دنیایی که با گذشته کاملاً متفاوت است و وجود امکانات رسانه‌ای و ارتباطی، ما را با فرایندهای تازه‌ای روبه‌رو کرده است و در این شرایط، شاعر مسیری

دو برگزیده کتاب سال دانشجویی از آثار خود می‌گویند

رنج دانشجویی، گنج کتاب

وجه، معرفی نامه (...). از آنها استفاده شود، نظر خود را به شکل صریح و قاطع بیان می‌کند. او معتقد است با وجود فناوری در زمینه وب، باید علوم به صورت استاندارد روی صفحات وب قرار گیرد تا به راحتی در دسترس همگان قرار گیرد، اما حتماً باید استاندارد باشد تا مبانی علمی غلط منتشر نشود.

وی در این مورد می‌افزاید: بسیاری از سایت‌های علمی جهان هستند که با سخاوت یافته‌های خود را روی صفحات وب قرار می‌دهند و اجازه می‌دهند که همه به راحتی از آن استفاده کنند. من معتقدم باید ما هم پایان‌نامه‌ها را به صورت استاندارد در اختیار همه بگذاریم و در ترویج آنها بکوشیم، چون انتشار کتاب مراحل خاص خود را می‌طلبد و استفاده از اینترنت راحت‌تر و عمومی‌تر است.» وی یکی از دغدغه‌های اصلی خود را ازدیاد عناوین ترجمه و موازی‌کاری در ترجمه‌ها می‌داند امیدوار است که محققان بیش از آن که به فکر ترجمه آثار باشند دست به تالیف و انتشار آثار تحقیقی بزنند. وی در این مورد می‌گوید: «کار علمی وقتی ارزشمند و قابل‌تقدیر است که علم ناب باشد و اگر اثر را به انگلیسی ترجمه کرده و روی میز یک محقق عالی‌رتبه غربی قرار دادند برای او قابل‌پذیرش باشد و وسیله‌ای برای تمسخر قرار نگیرد.»

شریف مرادی نیز از دیگر برگزیدگان جشنواره پانزدهم کتاب سال دانشجویی است. وی که یکی از مترجمان کتاب «بیولوژی سولومون» است در رشته کارشناسی ارشد

نیک عمل تالیف کتاب را که سه سال طول کشیده از دوره کارشناسی ارشد خود در دانشگاه شریف آغاز کرده و آن را به عنوان پایان‌نامه دکتری خود مد نظر داشته است.

آشنایی با روش‌های شبیه‌سازی در فیزیک شامل پنج فصل در ۱۷۰ صفحه ازسوی انتشارات دانشگاه شریف با قیمت چهار هزار تومان به چاپ رسیده است.

این مؤلف برگزیده در مورد علت معرفی کتابش به عنوان اثر برگزیده نظر جالبی دارد و این انتخاب را نتیجه ناب بودن تحقیقات خود می‌داند. وی تصریح می‌کند: «مساله این است که در علوم پایه و بین رشته‌ای بسیار خوب تلاش می‌شود و با این که طول قدمت علوم بین رشته‌ای در جهان بیش از ۱۵ سال نیست اما پیشرفت‌های بسیار خوبی داشته است. فعالیت‌های جدی حوزه علوم بین رشته‌ای مثل نانو تکنولوژی (تلفیق زیست‌شناسی و مهندسی) یا نانو فناوری و تلفیق علوم مختلف دیگر، از سال ۱۳۸۰ در ایران شروع شد و تا امروز پیشرفت‌های خوبی در این زمینه انجام شده که این کتاب هم حاصل همین پیشرفت‌هاست؛ حتی قرار بود نام کتاب هم تلفیقی از نانو باشد، اما به اصرار من برای آن که دانشجویان رشته فیزیک آشنایی چندانی با علوم نانو ندارند، ترجیح دادم کلمه فیزیک حتماً در عنوان کتاب ذکر شود.»

وی همچنین در پاسخ به این سوال که آیا بهتر است پایان‌نامه‌های دانشجویی منتشر شده و در دسترس عموم قرار گیرند یا در یک آرشیو نگهداری شده و فقط در شرایط خاص (از قبیل پرداخت

نفیسه آذرخش: چندی پیش در همین صفحه گزارشی را در مورد پایان‌نامه‌ها و کتب دانشجویی به چاپ رساندیم که پایان‌نامه‌ها و کتاب‌هایی حاصل دسترنج تحقیقات پژوهشگران جوان است و بسیار پیش می‌آید که یا در گوشه کتابخانه‌ها خاک می‌خورند یا به کل از صفحه پژوهش و تحقیق پاک شده و به فراموشی سپرده می‌شود.

در این میان انتشارات جهاد دانشگاهی از معدود نهادهایی است که با هدف توسعه تحقیقات دانشجویی و چاپ کتب ارزشمند، متولی انتشار آثاری از این دست و برگزاری جشنواره کتاب دانشجویی و معرفی برترین‌های حوزه‌های مختلف است. در همین راستا ۲۷ آبان ماه، برگزیدگان پانزدهمین دوره این جشنواره انتخاب شدند.

در گروه علوم پایه در شاخه تالیف، کتاب آشنایی با روش‌های شبیه‌سازی در فیزیک کار مشترک مهدی نیک عمل، امین الله واعظ و امیر لهراسبی تنها اثر برتر جشنواره پانزدهم کتاب دانشجویی بود و سه اثر نیز به عنوان آثار برگزیده معرفی شد: «بیولوژی سولومون» با ترجمه شریف مرادی و گروه مترجمان اصول مکانیک محمد حیدری و آمار کاربردی ترجمه حمید نصیر. این هفته پای صحبت دو تن از مولفان و مترجمان برتر جشنواره پانزدهم در حوزه محیط زیست، نشستیم.

مهدی نیک عمل به تازگی در مقطع دکتری فیزیک محاسباتی از مرکز تحقیقات فیزیک نظری فارغ‌التحصیل شده و استادیار دانشگاه شهید رجایی است. وی که در زمان تالیف کتاب دوره دانشجویی را می‌گذرانده است، هدف از تالیف کتاب را تازه بودن موضوع عنوان می‌کند و می‌گوید: «از آنجا که در حوزه شبیه‌سازی در فیزیک هیچ متن فارسی در اختیار استادان و دانشجویان نبود و مرجع مناسبی در این حوزه وجود نداشت، تصمیم به تالیف آن گرفتیم.»

زیست‌شناسی سلولی و مولکولی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده و ویراستاری فنی و محتوایی این کتاب را نیز برعهده داشته است.

«بیولوژی سولومون» به سفارش خانه زیست‌شناسی به فارسی برگردانده شده و ازسوی انتشارات خانه زیست‌شناسی هم به انتشار رسیده است و به گفته مرادی برای اولین بار این ترجمه در ایران صورت گرفته است. وی دلایل انتخاب این کتاب را محتوای غنی، استفاده از عکس‌های رنگی و جذابیت ظاهری و همچنین در حوزه زیست‌شناسی می‌داند و هدف از ترجمه آن را استفاده راحت و استادان و دانشجویان

زیست‌شناسی عنوان می‌کند. او معتقد است: آنچه همیشه به آن نیاز داریم ورود کتب جدید در حوزه علوم و به روز بودن آنهاست که معمولاً دغدغه دانشجویانی است که به دنبال تحقیقات هستند.

مرادی با عقیده نیک عمل در مورد انتشار پایان‌نامه‌ها موافق نیست. وی معتقد است از آنجا که هر محقق، مؤلف یا مترجمی برای کاری که انجام داده زحمات مادی و معنوی بسیار متحمل شده است، نباید منابع تحقیقاتی را به راحتی در اختیار دیگران گذاشت. مترجم کتاب «بیولوژی سولومون» در این مورد می‌گوید: «به نظر من باید این پایان‌نامه‌ها با مبالغی مناسب که از عهده قشر دانشجویی می‌آید، در اختیار آنان قرار گیرد یا لاقلاً به شکل کتاب چاپ شود که هم حق مؤلف و مترجم پرداخت شود و هم به خواننده هزینه اضافی تحمیل نشود اما با این که این آثار به صورت رایگان در اختیار همه باشد مخالفم به همین دلیل حرکت جهاد دانشگاهی را در چاپ پایان‌نامه‌ها و کتب دانشجویی حرکتی مثبت و روبه‌جلو ارزیابی کرده و امیدوارم همه مولفان و مترجمانی که به انتشار کتب خود علاقه مند هستند بتوانند آثار خود را به این ترتیب به چاپ برسانند.»



فرانسوی ها کتاب نمی خوانند



بحران کتابخوانی در فرانسه یکی از اخباری بود که هفته گذشته در رسانه های جهان مطرح شد. این مهم زمانی روی داد که هانری دولویی، سردبیر نشریه آکسیون بوئیتیک که از جمله نشریات تخصصی ادبی فرانسه به حساب می آید، بحران جدی کتابخوانی در فرانسه را به عنوان یکی از مسائل مهم فرهنگی در این کشور قلمداد کرد. وی که با روزنامه فیگارو سخن می گفت، کاهش آمار کتابخوانی در فرانسه را بسیار هولناک توصیف کرد و با بیان این که «فرانسه همواره به ادبیاتش اتکا داشته است» گفت: اگر در جوامع نوظهور که قدمت آنها به پانصدسال نمی رسد چنین مسائلی مطرح شود، شاید اهمیت چندانی نداشته باشد، اما ما انتظار نداریم که در فرانسه با چنین وضعی روبرو باشیم. این سردبیر در ادامه مدیران فرهنگی فرانسه را مسئول چنین وضعی دانست و گفت: همه مشکلاتی که در عرصه جهانی برای گسترش کتابخوانی وجود دارد مورد نظر ما نیز هست، می دانیم که اینترنت، تلویزیون، رادیو، سینما و سایر ابزارهای اطلاع رسانی و تفریحی جای کتاب را کمی تنگ می کنند اما آنچه در فرانسه دارای اهمیت است، نکته ای دیگر است.

به گفته سردبیر نشریه تخصصی آکسیون بوئیتیک، در مسیر کاهش میزان کتابخوانی در فرانسه، مخاطبان شعر نیز در این کشور بسیار محدود شده اند. وی در این مورد گفت: استقبال از شعر در فرانسه وجود ندارد و از ۶۰ میلیون جمعیت این کشور تنها دو هزار نفر به شعر توجه نشان می دهند. وی با اشاره به چرخشی که در اقبال مردم فرانسه به شعر در کشورش صورت گرفته افزود: در حال حاضر تعداد مجلات حوزه شعر فرانسه بسیار کم است و مجلات موجود هم با اقبال اندکی روبرو هستند.

انتخاب شهر ادبیات

از دیگر اخبار مهم کتاب در هفته گذشته می توان به برگزیده شدن آیواسیتی به عنوان شهر ادبیات جهان اشاره کرد. به این ترتیب پس از ادینبورگ (پایتخت اسکاتلند) و ملبورن (استرالیا)، آیواسیتی (مرکز ایالت آیوا آمریکا) از طرف یونسکو به عنوان سومین شهر ادبیات جهان انتخاب شد. یونسکو همچنین آیواسیتی را به شبکه شهرهای خلاق جهان افزود و نام آن را کنار شهرهایی چون برلین، بوئنس آیرس، سویل و مونترال قرار داد. کریستوفر مریل استاد دانشگاه آیوا

با اعلام این خبر گفت: قرار است نمایندگان از سه شهر نخست ادبیات جهان با یکدیگر دیدار و تبادل اطلاعات داشته باشند تا مرکزیت این شهر، تحولی در ادبیات ایجاد کند. وی ابراز امیدواری کرد که آیواسیتی با این انتخاب یونسکو در حوزه ادبیات فعال تر شود و به شهری مهم در عرصه ادبیات و کتاب تبدیل شود.

مکزیک، میدان ویژه نمایشگاه پاریس

از سوی دیگر، ادبیات مکزیکی امسال میهمان ویژه نمایشگاه بین المللی کتاب پاریس است. مسئولان برگزاری این نمایشگاه قصد دارند برنامه های گسترده ای را در نمایشگاه امسال تدارک ببینند تا وضعیت کتابخوانی در فرانسه، شرایط بهتری پیدا کند. نمایشگاه بین المللی کتاب پاریس فعالیت خود را از ۱۳ مارس (۲۳ اسفند) آغاز می کند و به مدت شش روز پذیرای علاقه مندان کتاب خواهد بود. مسئولان برگزاری این نمایشگاه در تبلیغات خود نوشته اند: شما می توانید با چهل نویسنده مکزیکی آشنا شوید و پیش از دیدار با آنها و گوش سپردن به سخنانشان، آثارشان را بارها بخوانید. اختصاص فضایی هزار متری از نمایشگاه کتاب پاریس به مکزیکی در حالی صورت می گیرد که بازدیدکنندگان سال گذشته این نمایشگاه بسیار کم ارزیابی شده بود.

مجسمه خواندنی میکال آنژ

نمایش کتابی از میکال آنژ در موزه کریستی، از جمله دیگر اخبار مهم هفته گذشته بود. این کتاب که صفحات آن از سنگ مرمر ساخته شده، در برخی از صفحات به طور برجسته تصویرسازی شده است. وزن کتاب اصلی که تصویر جلد آن، نقاشی معروف فرشته های میکال آنژ است، ۶۲ پوند (تقریباً ۳۰ کیلوگرم) است و وزن دارد و در موزه کریستی نگهداری می شود. با این همه، هنرمندان ایتالیایی تاکنون ۲۰ نسخه بدلی آن را ساخته و به فروش رسانده اند. نسخه بدلی این کتاب ۱۰۰ هزار دلار قیمت دارد و در آن علاوه بر طرح هایی از میکال آنژ، متن زندگینامه این نقاش که به وسیله جورجیو واساری نوشته شده نیز آمده است. ساخت هر کدام از این نسخه های بدلی شش ماه طول می کشد. ماریلنا فراری، ناشر این کتاب نفیس گفت: من عاشق کتابم. به گمانم ما با فعالیت هایی مشابه می توانیم فرهنگ

رمان جدید جیمز پاترسون

جیمز پاترسون، نویسنده ادبیات ترسناک، آخرین کتاب خود را با عنوان «کشور کراس» منتشر کرد. این نویسنده که از جمله نویسندگان پرفروش جهانی به حساب می آید، شهرت خود را مدیون رمان های مجموعه ای «الس کراس» و «ماکسیم راید» است. او در سال ۱۹۴۷ به دنیا آمد و تا سال ۱۹۹۰ مدیر یک شرکت تجاری بود اما با انتشار اولین رمانش، نویسندگی را به تجارت ترجیح داد. رمان کشور کراس از سوی انتشارات لیتل برون و با قیمت ۲۸ دلار منتشر شده است.

دن کیشوت ادامه دارد

تری گیلیام، کارگردان ۶۸ ساله قصد دارد ساخت فیلم «دن کیشوت» رمان کلاسیک سروانتس را ادامه دهد. پروژه ساخت این فیلم در سال ۲۰۰۰ آغاز شد اما به دلیل مشکلات مالی متوقف مانده بود. گیلیام که تاکنون آثار موفق متعددی را در عرصه سینما خلق کرده است علاوه بر کارگردانی دستی هم در نوشتن دارد و نمایشنامه می نویسد. «مردی که دن کیشوت را کشت» نمایشنامه ای به قلم این فیلمساز است که وی، اقتباس سینمایی آن را نوشته و کارگردانی خواهد کرد.

جایزه «جان لولین ریز» برگزیدگان خود را شناخت

زندگی اسرارآمیز کلمات با پیشی گرفتن از رمان «برنده بوکر امسال» توانست جایزه ادبی «جان لولین ریز» را از آن خود کند. این رمان نوشته هنری هیچینگز است که در کتاب خود به تئوری های ادبی پرداخته است. جایزه ادبی «جان لولین ریز» یکی از جوایز ادبی مستقل کشور انگلستان است که به بهترین نویسنده ای اهدا می شود که اثر ادبی از جمله رمان، شعر، درام و کتاب غیرداستانی خود را در این کشور منتشر کرده و زیر ۲۵ سال سن داشته باشد. جایزه «جان لولین ریز» بهترین آثار ادبی سال را در حوزه های ذکر شده مورد قضاوت قرار می دهد و از جمله جوایز معدودی است که رمان و کتاب های غیرداستانی در آن به رقابت می پردازند. «کله شکسته» نوشته آدام فولدز، «بارون سفیدخونی» نوشته جیمز پالمرو و «فروش استخوان های پدر» نوشته برایان شوفیلد، از دیگر نامزدهای دریافت این جایزه بودند.

رمان تازه ای از توماس

پینچون منتشر می شود

توماس پینچون ۷۱ ساله قصد دارد در آینده ای نزدیک کتاب «جائت ذاتی» خود را که یک رمان پلیسی به شمار می آید روانه بازار کند. پینچون از معدود نویسندگان زنده کلاسیک ادبیات امروز دنیاست و به همین دلیل خبر انتشار کتاب تازه ای از او با توجه رسانه ای شدیدی همراه بوده است. وی را در کنار بزرگان ادبیات انگلیسی دنیا از جمله امیلی دینکسون، هنری جیمز، شکسپیر، ویلیام فاکنر و جیمز جویس به شمار می آورند.

جایزه کتاب سال اسکاتلند

به جیمز کلن رسید

جیمز کلن که پیش از این جایزه ادبی بوکر را از آن خود کرده بود، توانست جایزه کتاب سال اسکاتلند را برای رمان «اسمیت پسر دریافت کند. ریان کمپل رئیس هیئت داوران این جایزه با تمجید از کلن گفت: این رمان به خوبی توانسته لایه های پنهان شخصیت یک نوجوان را به ما نشان دهد.

کتابخوانی را در دنیا ترویج کنیم. اینترنت شیوه جدیدی از کتاب سوزی در دنیاست. اینترنت در حال نابود کردن کتاب و فرهنگ است. امروز آثار فرهنگی هنوز خلق نشده نابود می شوند. ما باید در برابر این حرکت ضدفرهنگی بایستیم.

گام اول در فرانسه

جایزه رمان نخست فرانسه که شباهت های بسیاری به جایزه گام اول دارد، برنده خود را هفته گذشته اعلام کرد. به این ترتیب، تیری دانکور نویسنده رمان «هتل لوزان» به عنوان نویسنده برگزیده این جایزه شد. جایزه رمان نخست هر ساله به بهترین نویسنده تازه کاری اهدا می شود که برای نخستین بار رمانش منتشر شده باشد. این جایزه در دو بخش ادبیات فرانسه و غیرفرانسوی برگزار می شود. در بخش ادبیات غیرفرانسوی، جیمز کلن موفق به دریافت جایزه رمان نخست شد. کتاب در شهری باکان وی سال گذشته با موفقیت قابل ملاحظه ای همراه بوده است.

درگذشت چند نویسنده

هفته گذشته با درگذشت چند نویسنده مطرح همراه بود. از جمله این نویسندگان می توان به «بئاتریس بک (برنده گنکور)، ویلیام گیسون (نویسنده رمان مطرح معجزه گر) و جان میشل هایس (نویسنده فیلمنامه «پنجره عقبی» ساخته هیچکاک) اشاره کرد. ویلیام گیسون که آثار موفقی دارد، شهرتش را مدیون رمانی است که براساس زندگی هلن کلر نوشته بود. این نویسنده که در سن ۹۴ سالگی درگذشت، کار حرفه ای خود را از سال ۱۹۵۹ شروع کرد. از سوی دیگر، بئاتریس بک، برنده گنکور ۱۹۵۲ نیز در سن ۹۴ سالگی درگذشت. این نویسنده بلژیکی الاصل در سال ۱۹۱۴ به دنیا آمد. وی در طول عمر نویسندگی خود بیش از سی داستان، مقاله و شعر منتشر کرد و از جمله آثار او می توان به «سامورایی»، «روزی در پاریس» و «سلام غول زیا» اشاره کرد.

درگذشت جان میشل هایس نویسنده و فیلمنامه نویس نیز در هفته گذشته روی داد. این نویسنده خالق آثاری در عرصه ادبیات پلیسی و از جمله نویسندگان موفق این ژانر به حساب می آید. او که در سال ۱۹۱۹ در ماساچوست آمریکا متولد شده بود، در کارنامه خود آثاری همچون «پنجره عقبی»، «دستگیری دزد»، «در دسر هری» و «خانه پیتون» را دارد.



روایت اول شخص

جامعه شناسی انقلاب اسلامی

دکتر حسین کجویی؛ جامعه شناس

در حال حاضر کتابی را در دست نگارش دارم که عنوان احتمالی آن چند نظریه در مورد انقلاب را برای آن برگزیده‌ام و تالیف آن تا چند ماه دیگر به پایان خواهد رسید ولی هنوز ناشری برای آن انتخاب نکرده‌ام. ایده تالیف این کتاب به حدود سی سال پیش یعنی زمان دانشجویی من در اوایل انقلاب برمی گردد. در این کتاب سعی کرده‌ام فکر دینی، نظریه‌های جامعه، مفهوم آن و تغییرات و دگرگونی‌هایی را که در جامعه منجر به شکل‌گیری انقلاب اسلامی شده است را مورد بررسی قرار دهم. بررسی تئوری‌های انقلاب اسلامی و ارائه دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این زمینه از منظر اجتماعی و تاریخی به همراه چگونگی شکل‌گیری این تئوری‌ها و نقد آن نیز از مباحث مورد نظر در کتاب مذکور است که به تفکیک، هر یک از نظریه‌ها را از بعد تاریخی و جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرار داده‌ام.

آسیب شناسی ادبیات معاصر

فیروز زنوزی جلالی؛ داستان نویس

آسیب شناسی ادبیات داستانی معاصر عنوان کتابی است که تالیف آن را به پایان برده‌ام و به احتمال قوی طی ماه‌های نه چندان دور از سوی انتشارات تندیس روانه بازار خواهد شد. همان طور که از نام این کتاب برمی آید، بررسی ادبیات داستانی انقلاب در سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پرداختن به معضلات و وضعیت کنونی آن و همچنین ارزیابی کیفی جشنواره‌های برگزار شده در این زمینه از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در کتاب مذکور است. در این کتاب تمام ژانرهای ادبی، مشکلات پیش رو، نحوه تعامل با نویسندگان جوان برای خلق آثار فاخر و نقاط ضعف و قوت در کنار یکدیگر مطرح شده است و در یک تقسیم‌بندی سه شاخه اضافه شده به ادبیات کشور پس از انقلاب یعنی ادبیات دفاع مقدس، ادبیات انقلاب و ادبیات آئینی بررسی شده است که فکر می‌کنم کاربرد مناسبی برای نویسندگان این عرصه داشته باشد.

کمدی‌های شکسپیر

دکتر فرشید ابراهیمیان؛ منتقد تئاتر

مباحث نظری و عملی در نقد تئاتر عنوان کتابی است که فکر می‌کنم تالیف آن به زودی به پایان برسد و روانه بازار شود. در این کتاب که حجمی بیش از ۳۰۰ صفحه را دربرخواهد گرفت، رویکردهای مختلف نقد مانند نقد ساختارگرا، نشانه‌شناسی، روان‌شناسی، مضمون، تفسیر و نقد تکمیلی به همراه مصادیق عملی مورد بررسی قرار گرفته است. به شکلی که علاوه بر تعاریف نظری هر یک از مباحث مطرح شده، مصادیقی عملی به همراه نمونه‌های قابل درک برای هر موضوع ارائه شده که منبع مناسبی برای دانشجویان رشته تئاتر به شمار خواهد رفت.

انتشارات فرهنگستان هنر نیز این روزها در تدارک است تا کتاب دیگری را در حوزه ترجمه با عنوان احتمالی «کمدی‌های اولیه شکسپیر» به بازار عرضه کند. همان طور که از نام این کتاب برمی آید، بررسی کمدی‌های اولیه شکسپیر از قبیل اشتباهات دو نجیب زاده از ورونا از جمله این نمایشنامه‌هاست که به مضامین مشترک بین این گونه کمدی‌ها و تم‌های اصلی آنها که انسان را موضوع اصلی قرار داده است پرداخته می‌شود. اگرچه این کمدی‌ها از نمایشنامه‌های دیگر اقتباس شده‌اند، اما نگرش انسانی شکسپیر به آنها باعث تفاوت این

کمدی‌ها با سایر تراژدی‌های مشابه آن شده است.

کتاب دیگری که عنوان احتمالی «تحول اجتماعی درام» را برای آن برگزیده‌ام چند سالی از وقت مرا به خود مشغول کرده است و فکر می‌کنم هنوز هم به تحقیقات زیادی نیاز دارد. در این کتاب به بررسی پایه‌های اجتماعی ساختار درام در طول تاریخ به ویژه در مقطع زمانی یونان، رنسانس و دنیای مدرن پرداخته شده است.

تکنیک‌های شناخت درمانی

دکتر حمید یعقوبی؛ روان شناس

زاهنمای ام.ام.پی.آی عنوان کتابی است که انتشارات ارجمند در تدارک است تا آن را طی ماه‌های نه چندان دور روانه بازار کند. مقیاس‌های اعتباری تست شخصیت و روش‌های آزمونی آن، از موضوعات گنجانده شده در نسخه جدید این کتاب است که به نوعی بیش از ۴۰۰ تحقیق جدید به آن افزوده شده است.

کتاب دیگری که عنوان «شناخت درمانی، صد نکته صد تکنیک» را روی جلد خواهد داشت، این کتاب نوشته مایکل نینان و ویندی درایدن است و صد تکنیک مهم شناخت درمانی را مورد بررسی قرار می‌دهد این کتاب،

اثر جمعی برای روان‌شناسان، روان‌پزشکان، مددکاران و دانشجویان رشته بهداشت و درمان محسوب می‌شود. ارزیابی و شناسایی افکار منفی و مقابله با آن از مباحث و تکنیک‌های مطرح شده در این کتاب است که مراحل درمان شناختی را مورد بررسی قرار خواهد داد. کتاب مذکور نیز در آینده‌ای نه چندان دور از سوی انتشارات ارجمند به بازار عرضه خواهد شد.

در عین حال ترجمه کتابی دیگر با عنوان احتمالی «مشاوره دانشجویی» را در دست دارم که هنوز ناشری برای آن انتخاب نکرده‌ام. طرح‌های درمانی در مشکلات دانشجویی همچون برنامه‌ریزی تحصیلی، اضطراب امتحان و سخنرانی و افسردگی‌های موجود در دانشجویان از جمله مباحث و موضوعات این کتاب هستند که تاکنون کمتر به آنها پرداخته شده است.

سفر واژه‌ها

عباس کیقبادی؛ شاعر

من زخمی گناه عنوان مجموعه‌ای از اشعارم است که طی ماه‌های نه چندان دور از سوی انتشارات نکا به بازار عرضه خواهد شد. این کتاب حدود ۱۰۰ قطعه شعر مراد قالب‌های غزل، مثنوی، رباعی و سپید در برمی‌گیرد که در مضامین اجتماعی، آئینی و عاطفی سروده شده است و البته تعداد اندکی از این اشعار به سروده‌های قبلی ام برمی‌گردد.

انتشارات علمی فرهنگی نیز در تدارک است تا این روزها کتابی از مرا با عنوان «واژه‌های سرگردان» روانه بازار کند. تمام اشعار این کتاب در قالب غزل و با موضوع آزاد سروده شده‌اند. اشعار این مجموعه تا حدودی به اشعار کلاسیک شاعران قدیمی شباهت دارد چراکه سعی کرده‌ام در تمام کتاب‌هایم با حفظ مبانی شعر قدما و استفاده از مضامین متنوع، به نوآوری در شعر پردازم و از موسیقی درونی در اشعار استفاده کنم. در عین حال، این روزها مشغول گردآوری اشعاری با مضمون دفاع مقدس در قالب یک کتاب هستم که تاکنون ۳۰ قطعه از این اشعار جمع‌آوری شده است.

مدیریت تصویر و متن

احمد رضا دالوند؛ پژوهشگر هنر

از آنجا که گرافیک، موضوعی مهم در عرصه مطبوعات است که کمتر به آن توجه شده، مدت دو سال از تحقیقاتم را به این موضوع اختصاص دادم که حاصل آن تالیف و گردآوری مجموعه‌ای

سه جلدی خواهد شد. جلد اول از این سه گانه عنوان «خوانش صفحه بدون قرائت متن» را بر روی جلد دارد و در قالب پنج فصل به لوگو، تایپ، تصویرگری، عکس، کاریکاتور و طرح جلدی می‌پردازد که عناصر تصویری در مطبوعات را تشکیل می‌دهند. این کتاب به تازگی از سوی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها به بازار عرضه شده است و سایر مجلدات نیز از سوی همین انتشارات روانه بازار خواهد شد. در عین حال نگارش جلد دوم این مجموعه را آغاز

کرده‌ام که به بررسی عناصر نوشتاری در مطبوعات می‌پردازد و عنوان مدیریت قرائت متن را بر روی جلد دارد.

از آنجا که بخش اصلی پوشش صفحات هر نشریه و روزنامه‌ای را نوشتار تشکیل می‌دهد، صفحه‌آرایی آن نیازمند یک نظام و سیستم توزیع است در حالی که اغلب مدیران فنی و هنری کشور به صورت تجربی به این مقوله توجه داشته‌اند و کمتر به صورت علمی به آن پرداخته می‌شود. البته تالیف از پیدایش صنعت چاپ، ایران بهتر از سایر کشورها به شاخه گرافیک کتاب توجه داشت، اما متأسفانه با ظهور صنعت چاپ، گرافیک بیشتر به صورت



سلیقه‌ای از سوی مدیران مورد توجه قرار گرفت که سعی شده در جلد دوم به مباحث علمی عناصر نوشتاری مطبوعات برای افزایش آگاهی مدیران فنی و هنری مطبوعات پرداخته شود. بررسی صفحه اول روزنامه‌ها و مجلات صد سال اخیر ایران عنوان سومین جلد این مجموعه است که تحقیقات آن را به پایان رسانده‌ام ولی هنوز نگارش آن آغاز نشده است.

گویش شناسی شهری

دکتر یدالله پرمون؛ زبان شناس

گویش شناسی عنوان کتابی است نوشته جک چمبرز و پیتر تراگیل که انتشارات دانشگاه کمبریج آن را منتشر کرده و من نیز ترجمه آن را به پایان رسانده‌ام. از آنجا که در ایران درسنامه‌ای را درخصوص گویش شناسی به زبان فارسی نداریم و کمبود آن بیش از پیش احساس می‌شد درصدد ترجمه این کتاب برآمدم که در واقع درسنامه‌ای است که مباحث گویش شناسی سنتی و گویش شناسی شهری را به شیوه‌ای علمی مورد بررسی قرار داده است. گویش شناسی شهری بخشی از این علم است که یافته‌های زبان‌شناسی اجتماعی را در ارتباط با اجتماعات بزرگ‌تر از روستا مورد بررسی قرار می‌دهد که می‌توان به جرئت گفت هیچ منبعی در این زمینه در کشور وجود ندارد.

کتاب مذکور مشتمل بر ۱۰ فصل بوده و مباحثی چون درآمدی بر مبانی گویش شناسی و تاریخچه آن، مبانی نظری گویش شناسی، گویش شناسی و نظریه‌های زبان‌شناختی، گویش شناسی شهری، شیوه‌نامه تهیه و ترسیم اطلس‌های زبانی، گزار و تنوع آن در مرزهای زبانی و در نهایت چشم‌اندازی بر آینده گویش شناسی را دربرمی‌گیرد. این کتاب که حجمی حدود ۳۵۰ صفحه را دربرخواهد گرفت در وهله اول به عنوان درسنامه‌ای برای دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان شناسی محسوب شده و مردم‌شناسان و دیگر افراد و گروه‌های دست‌اندرکار زبان فارسی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، البته هنوز ناشری برای عرضه این کتاب به بازار انتخاب نکرده‌ام.

کتاب دیگری که حدود نیمی از ترجمه آن را به پایان رسانده‌ام عنوان «داده‌کاوی آوایی» را بر روی جلد خواهد داشت. این کتاب نوشته پیتر لده فوگر است که در زمینه فعالیت میدانی در ارتباط با گویش شناسی به بحث و بررسی می‌پردازد. از آنجا که پژوهش در زمینه گویش شناسی در کشور از شیوه‌های علمی تبعیت نمی‌کند و اغلب پژوهشگران این حوزه به طور سلیقه‌ای عمل می‌کنند، از این رو خلا این کتاب در جامعه بسیار محسوس است.

ترکش ولگرد

داوود امیریان؛ داستان نویس

مدتی است که مجموعه‌ای پنج جلدی با عنوان «ترکش ولگرد» را به نشر شاهد ارائه کرده‌ام. این کتاب مجموعه داستان‌هایی طنز از دوران دفاع مقدس است که همگی به فضای جبهه و حال و هوای آن می‌پردازد. مواظبت از سنگر دشمن، داماد فرمانده لشکر و عموفکی عنوان سه جلد از این مجموعه را در برمی‌گیرند که فکر می‌کنم مجموعه‌های جذابی برای مخاطبان این حوزه محسوب شوند.